

مرزده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

پرسشها از دکتر حسن رضائی و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

قرآن کلام خدا، کلام محمد، یا آمیزه ای از هر دو؟
بررسی ای بر مبنای اندیشه موازنه عدمی

بخش اول: درآمدی به بحث و توضیح اجمالی جریانات فکری حاضر

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۶۹۴ - از ۱۱ تا ۲۵ فروردین ۱۳۸۲

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد

◀ تحریم وسیع انتخابات قلابی به روایت ارقام رسمی، رهبر ۱ درصدی!

و ترکیب مجلس هشتم مافیایها: ص ۱

◀ آیا دیک چنی برای زمینه سازی جنگ با ایران به خاورمیانه رفت؟ ص ۷

◀ کارنامه بوش و حکومت او در عراق: مرگ و ویرانی، تقویت ایران: ص ۹

◀ حزب سیاسی مسلح - ۲: ص ۱۰

◀ افزایش سرسام آور قیمتتها - رشد منفی اقتصاد و افزایش بیکاری

و تورم ۴۰ درصد: ص ۱۲

◀ نوروز نیز رژیم را از تجاوزها به حقوق انسان باز نمی دارد: ص ۱۳

همانگونه که مستحضرید در فضای روشنفکری ایرانی، به ویژه در میان گروههایی که به گفتنهای اسلامی توجه دارند، مدتی است بحثی پایه ای و سرنوشت ساز در باره نحوه تکوین متن مرکزی اسلام، یعنی قرآن، در جریان است. بی تردید قرآن در ایجاد و توسعه تمدن مسلمانان نقشی بنیادین داشته و خواهد داشت و شاید با اندکی مسامحه بتوان گفت دین اسلام دینی است که بیش از هر دین دیگری مبتنی بر متن و کلام نوشته شده است. از این رو عطف توجه به تحولات تازه در باره خود قرآن برای همه کسانی که به ایجاد گفتگوی جدی میان ادیان و فرهنگ های مختلف و به خصوص به پیدایش گفتنهای دینی آزادخواهانه و عدالت طلبانه در جهان اسلام امید دارند ضروری است. گرچه بحث و مناقشه کلامی در باره قرآن و این که نسبت آن با شخص پیامبر اسلام و تجربه های درونی و فردی او تا چه حد است، دارای سابقه ای طولانی است و از همان قرون نخستین اسلامی این بحث به گونه ای میان اشاعره و معتزله وجود داشته است، با توجه به فضای دینی و فرهنگی کنونی، بحث فعلی به نظر می رسد ابعاد جدی اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی یافته است. تا حدی که متاسفانه به منظور سرکوب آزادی بیان، برخی سخن پردازان به جای بحث و اندیشه ورزی به شیوه های نیکو و حقوق مدارانه، حربه تکفیر و تفسیق و ارتداد هم به میان آورده اند.

سخن از جاودانی بودن- الهی بودن تمامیت همین قرآن موجود به عقیده اکثریت، و متحول بودن- عصری بودن آن به عقیده مخالفان، در دوره کنونی، به دلایل گوناگون سیاسی و فرهنگی و حقوقی، به خصوص با توجه به بن بست های تنوریک روشنفکران دینی در یافتن پاسخی قانع کننده به پرسش دین و آزادی، پراهمیت تر از همیشه نشان می دهد، تا حدی که بسیاری از گروههای فکری از جمله روشنفکران دینی در کشور امیدوارند با باز گشایی و تشدید این بحث راهی برای گذار از معضلات مختلف امروزی مسلمانان در برابر اقتضایات زندگی مدرن، که از دید آنان بسیاری از این موانع به گزاره ها، آموزه ها و اوامر و نواهی موجود در خود متن مرکزی اسلام برمی گردند، گشوده شود. همزمان نباید از نظر دور داشت که در این تحول فکری، استفاده از مطالعات مشابه فراوانی که در مورد متن مقدس مسیحیت انجام گرفته است و نیز دستاوردهای زبان شناسی های نوین، زبان شناسی تاریخی و واژه شناسی تطبیقی، و نیز تکامل پژوهش های تاریخی و تطبیقی در مورد ادیان و متون دینی به روشنفکران منتقد در جهان اسلام کمک کرده است تا در مقایسه با تجربه اولیه این بحث در میان اشاعره و معتزله، ابعاد تازه تری از این بحث را با ذکر مصادیق عینی تری مطرح کنند.

در صفحه ۲

محمد جعفری

امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۲

اینگونه افراد، در تحقیق های اندکی هم که در این رابطه می کنند، وقتی به سر چشمه و به کسی که اول پایه گذار خشت کج است که به چنین حکومت ظالم و ستم گری مشروعیت بخشیده و آنرا مستقر گردانیده است می رسند، در همان جا متوقف می شوند و یا گناه این همه جنایات و بی عدالتی را بنام دین تنها به گردن جانشینان ناخلف او میاندازند و از خود نمی پرسند که معلم اول همه اینها و پایه گذار این خشت کج چه کسی بوده است؟

آیا همه اینها نماز خوان، روزه بگیر، حج برو، و... نبوده و نیستند؟ چرا! همه میدانند و میدانیم که همه آنها بعد از فوت پیامبر(ص) و تا به امروز و نسل خود ما و کسانی که جدی در گیر بوجود آوردن چنین حکومتهایی بوده اند، همه نماز خوان، روزه بگیر، حج برو، و... بوده اند. پس چرا اینهمه ترس و وحشت ما را فرا گرفته است، از چه می ترسیم؟ آیا مرگی در کار نیست؟ آیا از این پیام آشکار و رسای قرآن نمی ترسیم و پند نمی گیریم که:

وَمَا كَانَ رَبِّكَ لِیَهْلِكَ الْقُرْآنُ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ
"و پروردگار تو شهرها را در حلی که مردمانش اهل اصلاح نباشند، ستمگرانه نابود نمی کند." ۳۷
مقابل اصلاح، فساد در روی زمین و جامعه بشری است و اهل اصلاح باشند، در فرهنگ قرآنی، یعنی اینکه اهل آزادی و برقراری عدالت باشند. قوم صالح به این علت نابود شدند که رهبرانشان در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند.

فساد گران، در هر جامعه ای، تعدادی اندک هستند که خود را بر مردم مسلط می کنند و بدلیل اینکه علمائی که آگاهی دارند علم خود را آشکار نمی گردانند و مردم هم دست از استقامت و پایداری می کشند، جامعه را به تباهی می کشانند و در نتیجه، قومی و یا ملتی و یا نسلی نابود می شوند و چقدر قرآن به روشنی و صراحت، این مطلب را آشکار می سازد.

در صفحه ۱۴

انقلاب اسلامی: سال ۱۳۸۶، با انتخابات رسوائی پایان یافت که مردم ایران تحریم آن را رأی به ولایت جمهور مردم گرداندند. با آنکه وسعت تحریم را ناسزاگویی خامنه ای و ارگانهای او به آنها که بر اصل استقلال و آزادی نیک گزارش می کند، رقم های ساختگی وزارت کشور رژیم نیز این واقعیت را بازگو می کنند. فصل اول این مجموعه به ارزیابی انتخابات اختصاص یافته است.

در فصل دوم، خبرها و نظرها در باره تهدید ایران به جنگ، در پی استعفای دریاسالار فالون، فرمانده قوای امریکا در خاورمیانه، اندازه قوت گرفتن خطر جنگ بر ضد ایران را بر خواننده گرامی آشکار می کنند.

در فصل سوم، بمناسبت پنجمین سالگرد تجاوز امریکا به عراق، کارنامه این تجاوز را از زبان کارشناسان غرب می آوریم.

در فصل چهارم، بخش دوم گزارش - تحلیل در باره سپاه پاسداران بمثابه حزب سیاسی مسلح را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

در فصل پنجم، خبرهای اقتصادی گویای وضعیت سخت معیشت مردم را در معرض تأمل مسئولیت شناسان قرار می دهیم.

در فصل ششم خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را گرد می آوریم:

تحریم وسیع انتخابات قلابی به روایت ارقام رسمی و رهبر ۱ درصدی!

و ترکیب مجلس هشتم مافیایها:

انقلاب اسلامی: در دو قسمت اول این فصل، دو گزارش از ایران، یکی ۴ روز پیش از روز اخذ رأی و دیگری بعد از اعلان رسمی نتایج «انتخابات» و در قسمت سوم، بیانیه بنی صدر و در قسمت چهارم موضعگیری اروپا امریکا و نیز گزارشهای رسانه های گروهی غرب را در باره انتخابات می یابید:

در صفحه ۳



بخش دوم: طرح پرسش ها

قرآن کلام خدا، کلام محمد، یا آمیزه ای از هر دو؟
بررسی ای بر مبنای اندیشه موازنه عدمی

۱. بر چه اساسی معتقدید که قرآن بیان ناب آزادی است؟ بر چه مبنایی اصل را بر عدم تناقض/عدم خطا در قرآن می گذارید؟ چرا قرآن کلام محمد نباشد؟ به چه دلیل ذهنیت و دانش و سلیقه و زبان پیامبر توانسته است در نحوه تکوین قرآن تأثیر گذار باشد؟

۲. آیا اگر پیامبر اسلام در زمان و مکان دیگری که در زبان و قومیت و فرهنگ و سطح دانش و تکنولوژی با جامعه حجاز عصر نبوت تفاوت اساسی می داشت (مثلاً در یونان یا ایران) می زیست و با عمر او کوتاه تر یا بلندتر می شد آیا همین قرآن فعلی به همین شکل و مضمون پدید می آمد؟ یعنی آیا احکام و الفاظ آن همین گونه بود که الان هست؟

۳. برخی متکلمان همچون ابن کلاب، متکلم معروف قرن سوم هجری، بر این نظراند که کلام نفسانی و سخن قدیمی خداوند گرچه به صورت کتاب‌هایی بر انبیا نازل شده ولی عین آن سخن (مدون) در نیامده است. از دید ابن گروه از متکلمان، شکل و رسم و تعبیر عربی یا عبری یا فارسی کلام خداوند غیر از عین کلام خداوند است و قرآن مجید رسم و تعبیر عربی کلام خداوند است نه عین آن. به عقیده این متکلمان مسلمان روند نزول وحی قرآنی و شنیده شدن آن به وسیله پیامبر اسلام یک پدیده تعبیر واقع شده که دارای مشخصات زبان عربی است که همزمان این تعبیر با محدودیت‌هایی مواجه است که زبان عربی به آن تحمیل می کند. از این دیدگاه، کلام خداوند در خلال نزول دچار محدودیت های بشری شده است. نظر شما در باره این نظریه چیست؟

۴. به چه دلیل معتقدید رویکرد جنابعالی (یعنی نگاه به قرآن از دید موازنه عدمی) درمقایسه با رویکرد آقایان سروش و شبستری در پاسخ گویی به معضلات زندگی مسلمانان در دنیای مدرن موفق تر (هم به معنای انسجام و انصاف تئوریک و هم کارآمدی عملی در عرصه زندگی روزانه) است؟ اگر هست، پس چرا پذیرش آن برای دست کم اکثریت روشنفکران دینی حاضر در داخل ایران دشوار است؟

۵. به نظر می رسد رویکردی که قائل است قرآن محصول کار پیامبر بوده است با اصل آزادی فردی پیامبر (رابطه آزاد با خدا) سازگارتر است. به بیان دیگر چرا محمد (ص) در تغییر و تحول متن قرآن از آزادی برخوردار نباشد؟ چرا او حق نداشته باشد در آن دخل و تصرف کند؟ یعنی اگر پیامبر چنین اراده ای بکند آیا خداوند او را "مجبور" به حفظ عین الفاظ و معانی الهی می کرد؟

۶. استدلال دیگری که از سوی هواداران نظریه "قرآن، کلام محمد" ارائه می شود این است که اگر این کتاب برخاسته از تجربه شخصی پیامبر نبود بحث هایی چون تدریجی نزولی در صفحه ۱۵

پیامدهای دامنه داری در فهم شریعت است. اگر بعضی از جنبه‌های قرآن، آنگونه که به صراحت از سوی آقای سروش و شبستری مطرح می شود، شکل تاریخی و فرهنگی و عصری و خطا پذیرانه دارند بنابراین امروز دیگر آنها موضوعیت ندارند و ما نباید با فرض عدم وجود خطا در متن قرآن وقت را صرف تفسیر این آیات و درک حکم موجود در آنها کنیم. به عنوان مثال، درباره‌ی قصاص یا سایر مجازات‌هایی بدنی که در قرآن مقرر شده‌اند، می توان چنین روشی گزید. به قول آقای سروش "اگر پیامبر در یک محیط فرهنگی دیگر زندگی می کرد، این مجازاتها احتمالاً بخشی از پیام او نمی بودند."

این در حالی است که روش برخورد شما با همین احکام مجازاتها که در پاسخ به پرسشهای اینجانب در باره قصاص و اعدام در قرآن بیان کرده اید آشکارا با این روش متفاوت است. جنابعالی هیچ گاه مدعی نشده اید یا دست کم من ندیده ام که برای مثال آیات راجع به قصاص یا قطع یا اعدام یا ارث یا طلاق و... خاص دوران پیامبر بوده اند و لذا زمانه آنها به سر آمده است. شما ظاهراً بر مبنای این پیش فهم که قرآن بیان آزادی ناب است در آثارتان می کوشید لفظ و معنای همه آیات را از خدا دانسته و لذا با قبول جهانشمولی حکم موجود در آنها به تفسیر آیات می پردازید. این روش به نظر می رسد با رویکرد کلی تر شما که ظاهراً سنگ بنای اندیشه شماست و از آن به اندیشه موازنه عدمی تعبیر می کنید سازگار باشد. ظاهراً با این اندیشه راهنماست که در نظر شما قرآن هیچ تناقضی و کاستی ای وجود ندارد. در "اسلام به مثابه بیان آزادی" که شما بیش از چهار دهه است مستمراً در عرصه عمومی ایرانیان و مسلمانان پیش می کشید باید این یک فرض استوار باشد که در قرآن هیچ امر بشری وجود ندارد. بنابراین، این رویکرد شما نه با تفکر سنتی اسلامی در باره قرآن سازگار است، زیرا که در تلقی سنتی اصلاً بحث از گفتمان آزادی طرح نمی شود، و در عین حال در مقابل رویکرد روشنفکران دینی ای مانند آقای شبستری و سروش است که در بالا ذکر و بیان قرآن را نه بیان آزادی بلکه آمیزه ای از پیام خدا و بیان محمد عربی حجازی قرن ۷ میلادی ذکر می کنند. از این رو باید گفت، این دیدگاه (=قرآن به مثابه بیان آزادی) دیدگاه سومی است که بررسی مقایسه ای آن با این دو دیدگاه رایج دیگر شاید بتواند برای بسیاری از اسلام و قرآن پژوهان که نه از تلقی سنتی خرسندند و نه توضیحات تاکنونی آقایان سروش و شبستری را قانع کننده می یابند، خواندنی باشد. براین اساس، و به منظور نیل به روشنایی بیشتر در این بحث اساسی، مایلم چند پرسش مرتبط به یکدیگر را در مورد طرز تفکر شما در باره قرآن به شرح زیر مطرح کنم.

دارد، و نیز پس از بیان پاره ای شواهد و دلایل دیگر از خود متن دین می نویسد: "تمام این شواهد نشان می دهند که پیامبر این دعوی را نداشته که آیات قرآن همانطور که فعلاً در مصحف شریف دیده می شود با لفظ و معنا از سوی خدا به او می رسد و او صرفاً آنها را برای مردم می خواند. هم الفاظ و هم معانی از خود او بوده است گرچه او خدا را معلم خود تجربه می کرد. کرد که از آن به وحی تعبیر می کرد. ما در این بررسی به این نتیجه رسیدیم که آن نبی که آورنده قرآن بوده نه تنها دعوی نکرده که قرآن کلام وی نیست بلکه آن را کلام خود معرفی کرده است" (مجله مدرسه شماره ۶ ص ۹۴-۹۳) آقای شبستری به طور مشخص در باره کلیه هنجارهای حقوقی موجود در قرآن، از قصاص گرفته تا نکاح و ارث و...، قائل به عصری بودن و موقتی بودن آنهاست. به عبارت دیگر فرازمانی و فرامکانی بودن این هنجارها را کلا رد می کند. او در این باره این گونه نتیجه گیری کلی می کند: "احکام شرعی قرآن بر فهمی-تفسیری از واقعیات و روابط موجود اجتماعی جامعه حجاز و بر روابط انسان ها با خدا در آن جامعه مبتنی بوده و هدف آن تفسیر واقعیات اجتماعی به صورتی که با اراده خدا سازگار باشد بوده است. صدور این احکام اصلاً به معنای وضع احکام برای همه جامعه ها و همه عصرها نبوده است." (همان ص ۹۷)

عبدالکریم سروش در کتاب بسط تجربه نبوی که در سال ۷۸ نشر یافته است و نیز اخیراً در گفت و گویی با عنوان "کلام محمد" و نیز پاسخ های بعدی وی به نقد آقای جعفر سبحانی، از متکلمان سنتی حوزه، به گونه ای دیگر همین مدعا را مطرح می کند. او ضمن طرح این موضوع که قرآن بالقوه خطا پذیر است می گوید: "پیامبر به نحوی دیگر نیز آفریننده‌ی وحی است. آنچه او از خدا دریافت می کند، مضمون وحی است. اما این مضمون را نمی توان به همان شکل به مردم عرضه کرد؛ چون بالاتر از فهم آن‌ها و حتی ورای کلمات است. این وحی بی صورت است و وظیفه‌ی شخص پیامبر این است که به این مضمون بی صورت، صورتی ببخشد تا آن را در دسترس همگان قرار دهد. پیامبر، باز هم مانند یک شاعر، این الهام را به زبانی که خود می داند، و به سبکی که خود به آن اشراف دارد، و با تصاویر و دانشی که خود در اختیار دارد، منتقل می کند" وی در این جا امکان خطا و اشتباه در متن قرآن را یادآور می شود و قائل است که آنچه قرآن در باره احکام و موضوعات عملی و روزانه آورده است ممکن است درست نباشد: "از دیدگاه سنتی، در وحی خطا راه ندارد. اما امروزه، مفسران بیشتر و بیشتری فکر می کنند وحی در مسایل صرفاً دینی مانند صفات خداوند، حیات پس از مرگ و قواعد عبادت خطا پذیر نیست. [اما] آن‌ها می پذیرند که وحی می تواند در مسایلی که به این جهان و جامعه‌ی انسانی مربوط می شوند، اشتباه کند. آنچه قرآن درباره‌ی وقایع تاریخی، سایر ادیان و سایر موضوعات عملی زمینی می گوید، لزوماً نمی تواند درست باشد." به هر حال، همانگونه که ملاحظه می کنید، این بحث دارای

به تازگی در آثار عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری) قرار دارند که بحث از معنای وحی قرآنی را به شکل اساسی تری پیش می کشند. البته همزمان ناگفته نماند که این رویکردها در دو سده اخیر گاه به گاه در آثار شرق شناسان غیر مسلمان در باره قرآن مطرح می شده است. اما به نظر می رسد، دست کم برای روشنفکران مسلمانی چون آقایان سروش و شبستری، هدف از این روش قرآن پژوهی این است که فهم خود متن قرآن و نحوه تولید آن را از حالت تعبدی و دگم به امری عقلایی و علمی و عصری برگردانند. به تعبیر آقای سروش، هدف تقویت تلقی بشری از قرآن و جستجوی دین حداقلی است. به نظر می رسد از دید این متفکران تا زمانی که قرآن "کلام ناب الهی" دانسته می شود راه فهم عقلایی و عصری و علمی قرآن (برای نمونه کاربرد آورده های جدید علمی در زبان شناسی نوین و روشهای جدید در نقد تاریخی و هرمنوتیک و معناشناسی و...) بسته است و اگر راه حل نهایی ای برای کشودن بن بست های تفسیری فعلی و در نتیجه ایجاد امکان سازش اسلام و مدرنیته قابل تصور باشد در تغییر تلقی مسلمانان از خود متن مرکزی اسلام است. به عبارت دیگر، اگر بخواهیم راهی برای اعتبار تفاسیر و برداشت های گوناگون از متن باز کنیم باید آن را متنی انسانی بفهمیم که مثل هر متن انسانی دیگری همه بخش های آن حقیقت نیست و حتی ممکن است دارای تعارض ها و سستی هایی نیز به لحاظ حقیقی باشد. در روند این علمی دیدن است که متن به عنوان ساخته ای بشری معرفی می شود.

به طور کوتاه، در این رویکردهای جدید، قرآن نه کلام مستقیم و دست نخورده خدا بلکه کل آن یا حداقل بخشی از آن، کلام شخص پیامبر و ناشی از تجربه شخصی و عرفانی خود او متناسب با همان شرایط و اوضاع و احوال فرهنگی، زبانی، علمی، حقوقی و اجتماعی (عشایری-قبیله ای و بازرگانی) مکه و مدینه در عصر نبوت فهمیده می شود. بدین قرار، قرآن موجود در وهله اول یک کلام انسانی است و نه الهی. این متن زبان حال پیغمبر بوده و کار خدا (=وحی) به قول آقای شبستری در همین حد بوده است که به پیامبر این توانایی را بدهد که این گونه بتواند سخن بگوید. اما واژگان و ترکیبات و حتی معانی فعلی از خدا نیست بلکه از ذهن و تجربه فردی و خاص پیامبر برخاسته است. به بیان دیگر، آیات قرآن نتیجه تأثر روحی و روانی خاصی است که وحی بر نبی داشته است ولی خود وحی نیست. چیزی شبیه ذوق و استعداد شعرگویی که خداوند به یکی می بخشد، ولی این که او در چه وزنی و باچه واژگانی و بر اساس چه ترکیب زبانی و با چه دانشی شعرش را بسراید و منتشر کند دیگر در دست خدا نیست.

به تعبیر آقای شبستری و سروش پیامبر "کانال انتقال اصوات" آسمانی یا "بلندگوی صرف" نبوده است. او خود سازنده و مبدع این سخنان بوده است. آقای شبستری در مقاله خود با عنوان "قرانت نبوی از جهان" بر مبنای تعریفی فلسفی از زبان به مثابه یک نظام اظهارات که تمام ویژگی های آن دلالت بر انسانی بودن و زمینی بودن

برای نمونه، یکی از زبان شناسان قرآن پژوه آلمانی به نام کریستوف لوکزمبرگ که می گوید از طرفداران گفتگوی روشن اسلام و مسیحیت است، در سال ۲۰۰۰ تحقیقی با عنوان "قرانت سوربانی-آرامی قرآن، بحثی در باره زبان قرآن" منتشر کرده است که در آن ادعا دارد قرآن موجود در میان مسلمانان محصول تحولات تاریخی گوناگونی است که عمدتاً در قرون ۲ و ۳ هجری رخ داده است، نه در دوران حیات پیامبر و خلفا. به ادعای او زبان عربی قرآنی خود یک زبان ساخته شده در همین قرن ۲ و ۳ است. متون عربی و ادبیات عربی ای که قرآن در قالب آن به نگارش در آمده است، از اوایل قرن دوم هجری و بیشتر در قرن سوم هجری ساخته شده است. به لحاظ تاریخی اولین واژه شناسی عربی مبتنی بر ادبیات قرآن توسط الخلیل ابن احمد به نام کتاب «العین» و ۱۵۰ سال پس از مرگ پیامبر اسلام منتشر شد. از این رو آن نسخه ای که در زمان عثمان تدوین و یکسان سازی شده است مبتنی بر زبان نوشتاری- گفتاری آرامی-سوری و نه عربی کنونی بوده است. درست است که این دو زبان-شاید هم بهتر باشد بگوییم یک زبان چون زبان سوربانی یک گویش از همان آرامی است- با عربی کاملاً خوبشوند هستند ولی این ها یکی نیستند و دستگاه واژگانی آنها دارای تفاوت های فراوانی است. شاید از همین روست که از دیرباز مسلمانان در فهم برخی از آیات با اشکال جدی تقاضی مواجه بوده اند و آنها را رازگونه و دارای ابهام و اعوجاج و بنابراین، لازم التاویل می یافته اند. می توان حدس زد که برخی واژه ها و عبارات آرام-سوربانی ابتدایی قرآن وقتی به زبان عربی تازه مدون شده در دو قرن بعد بدل می شوند، معنای ناشناخته ای از دید زبان عربی پیدا می کردند. این پژوهشگر از چند نمونه یاد می کند که نمونه جالب آن آیه ۳۱ سوره نور است که معروف به آیه حجاب است و در فهم رایج مسلمانان دلیل اجباری بودن حجاب دانسته می شود. وی می گوید معنای این آیه با رجوع به زبان آرامی- سوربانی چیز دیگری می شود. توضیح آن که متن عربی آیه ۳۱ سوره نور تاکنون با معنای گوناگونی فهمیده شده است که مشهورترین آنها که مبنای حکم اجباری بودن حجاب فقهی هم هست این است که معنای آیه "ولیضرن بخرمهن علی جیوبهن" این است که «...زنان مسلمان باید روسری خود را بر سینه های خویش [فرو] اندازند...» اما او می گوید معنای سوری- آرامی این عبارت می شود: «آنها باید شال خود را دور کمرشان ببندند». این شال و کمر بند ظاهراً همان کمربندی است که در سنت مسیحی، مسیحیان به دور کمر خود می بستند و به معنای مؤمن بودن فرد بود. این تحقیق با فرضیه های رایجی که به ویژه در میان دین شناسان مقایسه ای نسبت به ریشه های مشترک قرآن، تورات و انجیل، هم در سطح واژگانی و هم مضامین و معانی، می سازد. زبان و ادبیات سوربانی- آرامی زبان مسیحیت بوده است و چون در زمان تدوین قرآن، زبان عربی زبان نگارشی و مدونی نبود کتابت نزد عرب ها به سوربانی- آرامی انجام می گرفت.

اما باز فراتر از این رویکردهای زبان شناسانه به قرآن که اصالت معهود در بخش هایی از متن قرآن را با تردید جدی مواجه می سازند، دسته ای دیگر از متفکران و متکلمان مسلمان (به ویژه



گزارش در باره « انتخابات مجلس، ۴ روز پیش از انجام: « وزیر » کشور از پیش میزان مشارکت مردم و نمایندگان تهران را معین کرده بود!

انتخابات هشتمین دوره نمایندگی مجلس ایران به زمان برگزاری خود نزدیک می شود و واکنش های مردم نشانگر این است که این انتخابات بی رونق ترین انتخاباتی است که در ایران برگزار خواهد شد. با وجودی که کمتر از چهار روز به انتخابات مانده است هیچ حرکتی در میان مردم جهت شرکت در آن دیده نمی شود. صریح ترین و واقعی ترین نظر سنجی هایی که توسط سازمانهای دولتی به دست آمده است نشان می دهد که در بهترین حالت میزان شرکت کنندگان در انتخابات حدود ۴۰ درصد است. آمار به دست آمده از صدا و سیما میزان شرکت کنندگان را حدود ۳۳ درصد نشان می دهد. آمار به دست آمده توسط وزارت اطلاعات این میزان را ۳۸ درصد نشان می دهد. آمار به دست آمده توسط احزاب شرکت کننده در انتخابات نشان می دهد که مردم در حدود ۴۰ درصد در انتخابات شرکت می کنند. اما وزیر کشور می گوید که میزان شرکت کنندگان بیش از ۶۰ درصد است که البته ایشان راست می گویند زیرا هر آمار را که ایشان بدهند توسط دیگران از صندوق های رای به در خواهد آمد. نادیده نباید گرفت که در کشوری که ادعای انرژی هسته ای آن گوش فلک را کر کرده است هنوز آمار دقیق شرکت کنندگان در کشور را درست در اختیار ندارند و یا اگر دارند صادقانه آن را مطرح نمی کنند.

امسال درگیری میان سازمان ثبت و احوال کشور و سازمان آمار و وزارت کشور در مورد میزان شرکت کنندگان در انتخابات از جمله خنده دار ترین مباحثی بود که در کشور عضو باشگاه هسته ای به وجود آمد و میزان شرکت کنندگان در کشور را میان حدود ۴۳ میلیون تا ۶۶ میلیون و برخی دیگر تا حدود ۹۰۷ میلیون اعلام کرده اند. این به این معنی است که نظام دقیقاً نمی داند که آیا میزان رای دهندگان این کشور حدود ۵۰ میلیون نفر است یا حدود ۴۳ میلیون نفر. که این اختلاف خود نزدیک به ۱۶ درصد است.

با این اختلاف به راحتی می توان میزان شرکت کنندگان را بر اساس نیاز خود اعلام نمود.

امسال برخی از نمایندگان برای اینکه بتوانند مانع ورود چهره های جدید به مجلس شوند قانونی را تصویب کردند که در آن کاندیداهای نمی توانند مانند گذشته تبلیغ کنند و تراکت یا بروشور یا پوسترهای بزرگ منتشر سازند. علاوه بر این دیگر مانند سالهای گذشته نظام نمی تواند از راه فریب مردم را به حضور در انتخابات ترغیب کند زیرا کارهای انجام شده توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و نظامی و رد صلاحیت های گسترده و نیز اعلام تحریم از سوی برخی از بزرگان کشور و اعلام عدم شرکت برخی از گروههای دانشجویی و سیاسی موجبات

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

بی رونقی انتخابات را به وجود آورده است.

امسال بر خلاف سالهای گذشته مردم بدون ترس از مهر نخوردن شناسنامه و کنترل نظام ولایت بر رای دادن به صورت علنی اعلام تحریم و شرکت نکردن در انتخابات را می کنند و این در حالی است که در سالهای گذشته اگر نمی خواستند شرکت کنند آن را مخفی می کردند اما شرکت نمی کردند.

این اعلام علنی عدم شرکت در انتخابات و ترس از مقابله با مردم از سوی نظام نشان از پیشروی مردم به سوی خلع سلاح نظام در سوء استفاده از شرکت مردم در انتخابات دارد.

البته نمونه های دیگری نیز در دست است که نظام را متوجه عدم مقبولیتش نزد مردم می سازد اما به روی خود نمی آورد که به عنوان مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد.

• امسال در جریان شرکت در تظاهرات بر ضد اسرایل در دو ماه گذشته تنها اعلام شد که این تظاهرات در چند شهر کشور انجام می شود.

• امسال بر خلاف سالهای گذشته نظام از اعلام راهپیمایی میلیونی مردم در تهران ممانعت کرد و تنها گفت که در کل کشور میلیونها نفر شرکت کردند در حالی که هر سال تعداد شرکت کنندگان در راه پیمایی مردم در تهران را میلیونها نفر اعلام می کرد.

• امسال جهت اعتراض به محاصره جنبش حماس توسط اسرایل در چندین روز گذشته تنها تعدادی از دانشجویان بسیجی را در میدان فلسطین جمع نمودند در حالی که در سالهای پیش راهپیمایی سراسری انجام می شد.

• در همین ماه مشاهده شد با توجه به چاپ مجدد کاریکاتورها دیگر حتی از حرکت اعتراضی بسیجیان و دانشجویان بسیجی در تهران خبری نشد و تنها در صدا و سیما چندین مورد اعتراض عنوان گشت.

• این روزها با توجه به اعلام جشن هسته ای توسط نظام ولایت مردم هیچگونه راهپیمایی را در اعلام موافقت انجام ندادند حتی بسیجیان که در نوبت های قبلی این کار را می کردند از این کار ممانعت کردند.

• عدم حمایت مردم از نظام و دولت احمدی نژاد به خوبی مشهود است و این نمایش به صورت های زیر مشاهده می شود.

• اعتراض گسترده دانشجویان تحت عنوان خواسته های صنفی که در بسیاری از شهرستانها انجام می شود و نظام در برابر آن توانایی مقابله را ندارد زیرا بهانه ای در دست ندارند.

• اعلام بی ترس و وحشت مخالفت علنی با احمدی نژاد و خامنه ای در محل های مختلف که نشان می دهد که سلطه ولایت در حال جر خوردگی شدید است.

• به تسخیر گرفتن شعارهای خامنه ای و احمدی نژاد و به صورت چوک در آوردن این شعارها و ارسال آن برای یکدیگر از طریق پیام های کوتاه نشان از بی اعتباری کامل نظام ولایت در سرپرستی کشور است.

سألهای قبل با نزدیک شدن به انتخابات شهر چهره ای دیگر داشت اما این بار شهر ها در سکوت و بی تبلیغی به سر می برند که باز هم دلیل دارد. برخی از نمایندگان وابسته به گروه

ولایت امسال در مجلس تصویب کردند که کار تبلیغات باید محدود شود و همین مسئله موجب شده است تا کسانی که قبلاً در مجلس بوده اند از امتیاز معروفیت خود استفاده نمایند و به دیگران اجازه معرفی خود را ندهند اما چیزی که از همه مهمتر است و موجب سرد بودن تنور شده است از بین رفتن اعتماد مردم به انتخابات است که در هر دوره از انتخابات این آمار بیشتر می شود.

امسال به خوبی التماس های نظام برای شرکت مردم با توجه به بی اعتنادهی آنان به میزان آراء بیشتر شده است. صدا و سیما با داشتن دلچک های بیشماری تحت عنوان مجری و ساخت دهها برنامه مختلف جهت جلب نظر مردم به شرکت در انتخابات دیوانه وار دست به تبلیغ شرکت در انتخابات زده است به گونه ای که حوصله همه را به سر آورده است و مردم را از خیر دیدن تلویزیون و گوش دادن به رادیوهای داخلی گذرانده است.

نشریات نیز در همین حالت سرد و کسل کننده دست به تبلیغات نیم بند و کم شوری زده اند به قول یکی از مسئولین در یکی از نشریات ما در باره چه انتخاباتی تبلیغ کنیم و اگر نبود الزام ما به این کارها حتی همین تبلیغ که این را هم انجام نمی دادیم. این حرف او نشان می دهد که گویا نظام برخی از نشریات را ملزم کرده است که در دوره تبلیغ انتخاباتی باید شکل نشریه را به صورتی در آورند که مردم جذب شرکت در انتخابات شوند.

یک نکته جالب در صدا و سیما این بود که مصاحبه گر در خیابان از یک نفر پرسید که روز ۲۴ اسفند شما را به یاد چه میاندازد جوان قدری فکر کرد و گفت روز درخت کاری.

این در حالی است که مصاحبه گران صدا و سیما قبلاً مردم را انتخاب می کنند و بعد با آنها مصاحبه می کنند. البته در این روزها آنها برای نشان دادن آزادی در کشور با برخی از دختران و پسران با پوشش های به اصطلاح بد حجاب نیز مصاحبه می کنند در حالی که در هیچ زمان دیگری با آنها مصاحبه نمی کنند.

مصاحبه کنندهای صدا و سیما بر اساس دستور، هر زمان که قرار است مصاحبه کنند باید با افرادی که دارای ریش و ته ریش هستند از پسران و مردان و نیز دختران و زنانی که دارای پوشش کامل از نظر آنان است مصاحبه کنند تا نشان دهد که کشور ایران کشوری کاملاً معتقد به نظام ولایت و اسلام ولایت است اما در نزدیکی های انتخابات این روش تغییر می کند و با افرادی با پوشش های متفاوت مصاحبه می کند که این گونه ضایع می شوند.

نظام ولایت امسال از هر سال دیگری کمربند خود را محکم تر بست تا شاید مدت ادامه حاکمیت خود را دراز تر کند با ورود نیروهای مسلح سپاهی و بسیجی به انتخابات و هجوم مغول وار وزارت کشور به فرماندهی عضو برجسته قتل های زنجیره ای آقای پور محمد و بچه پرورش یافته در همین نظام یعنی سردار افشار از سوئی و آیت الله علی رازینی مجری نظارت و موسی پور فرمانده نظارت از سوئی دیگر و آیت الله علی جنتی و محمد یزید و .. از سوئی دیگر خاطر رهبری

را از به وجود آوردن مجلسی مطیع فراهم آوردند مجلسی که قرار است این بار به بررسی نیازهای مردم بپردازد مجلسی است مخملی و مورد نیاز رهبری البته مجلس دوره هفتم نیز به همین صورت بود اما با گذر ۴ سال از نمایندگی برخی از نمایندگان چپ شدند و از گرد گروه وابسته به رهبری جدا شدند به همین دلیل برخی از نمایندگان وابسته به طیف رهبری در دوره قبل امسال در گروههای دیگر جا گرفتند.

در انتخابات امسال شهرام القرای اسلام یعنی تهران ۴ لیست اصلی داده است که دو به دو به هم نزدیک هستند.

دو لیست از سوی به اصطلاح اصولگرایان و دو لیست از به اصطلاح اصلاح طلبان که در زیر میاید.

لیست اصلی اصولگرایان که مورد تأیید رهبری - نظام ولایت - شورای نگهبان و .. است لیستی است که به لیست جبهه متحد اصولگرایان معروف است.

این از آنجایی که آش شله قلمکار نظام ولایت است و با تلاش بی حد و حصر نظام تهیه شده است دارای افرادی است با نظراتی خاص اما در زیر نظام ولایت رهبری.

تضاد این افراد با یکدیگر به خوبی مشهود است اما از آنجایی که اینها نزدیک ترین افراد به گروههای وابسته هستند مجبور شدند با تلاش شبانه روزی آن را تهیه کنند و به مردم معرفی نمایند.

در این لیست که به طور کلی دست پخت گروه ۵ با اضافه ۶ معروف است از میان گروههای

اصولگرایان و اصولگرایان مستقل و ترقی خواه و هیات مولف و انصار وابسته به آنها از جمله جمعیت هواداران انقلاب اسلامی و جامعه اسلامی مهندسان و جمعیت اینترگران و رایچه خوش خدمت و گروه حامیان دولت و گروه زنان اصولگرا و جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه علمیه، تهیه شده است که نشان می دهد تفاوت های بسیاری با یکدیگر دارند اما به اجبار در کنار هم قرار گرفته اند.

این گروهها بارها و بارها نامرز از هم پاشیدگی پیش رفتند و در نهایت با قهر و درگیری هایی که به وجود آمد و تغییرات شدید بلاخره مانند بناهای چند مهندس ساخته شده است که به شرح زیر است.

لیست مورد تأیید رهبری نظام ولایت فقیه که نام جبهه متحد اصولگرایی را بر خود نهاده است عبارتند از:

۱- غلامعلی حداد عادل - رییس مجلس فعلی - پدر زن آقا مجتبی خامنه ای - سفیر مورد اعتماد رهبری در سیاست های ولایتی داخل و خارج از کشور.

۲- مرتضی آقا تهرانی - استاد اخلاق دولت - کاندیدای رایچه خوش خدمت - فردی که امام زمان را از چشمان احمدی نژاد می بیند.

۳- فاطمه آلیا - نماینده فعلی مجلس - رایچه خوش خدمت - از جمله نیروهایی بود که از سوی ابادگران به مجلس آمد وی از افراد وابسته به صدا و سیما بود و هست و از جمله افرادی

است که معتقد به عملیات تروریستی می باشد.

۴- لاله افتخاری - نماینده فعلی مجلس - رایچه خوش خدمت

۵- سید رضا کرمی - جامعه روحانیت مبارز

۶- زهره الهیان - کاندیدای رایچه خوش خدمت

۷- اسدالله بادامچیان - هیات مولف و متلفه اسلامی و تنها عضو مرد جامعه زینب - از جنایتکاران به نام که به نام دکتر بادامچیان معروف است.

۸- محمد رضا باهنر - جامعه اسلامی مهندسان نزدیک به مولف و نماینده فعلی مجلس

۹- احمد توکلی - نماینده فعلی مجلس - اصولگرایان ترقیخواه از جمله کاندیداهایی است که رایچه خوش خدمت مجبور به پذیرش وی شده است.

۱۰- علی ثمری - رایچه خوش خدمت - امام جماعت مسجد سلمان وی که فاقد مدرک تحصیلی بود و استاد وی مدرک وی را تأیید کرده بود با روابطی که میان مسئولان و جامعه مدرسین حوزه داشت مدرک وی از انجا صادر شد و مورد تأیید قرار گرفت.

۱۱- روح الله حسینیان - عضو باسابقه قتل های زنجیره ای و رییس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و کاندیدای رایچه خوش خدمت.

۱۲- فاطمه رهبر - رایچه خوش خدمت

۱۳- علی اصغر زارعی - رایچه خوش خدمت

۱۴- علیرضا زاکانی - نماینده فعلی مجلس از سرداران سپاه رییس بسیج دانشگاه از اصولگرایان ترقیخواه

۱۵- پرویز سورری - نماینده فعلی مجلس - اصولگرایان ترقیخواه.

۱۶- نسرن سلطان خواه - رایچه خوش خدمت - شورای شهر - معاون وزیر کشور

۱۷- شهاب الدین صدر - رییس پزشکی قانونی - رییس انجمن اسلامی پزشکان ایران و کاندیدای ناکام انتخابات ریاست جمهوری دور هفتم

۱۸- طیبه صفائی - نزدیک به دولت

۱۹- علی عباسپور - نماینده فعلی مجلس - شوهر خواهر جاسی - رییس انجمن اسلامی دانشگاهیان ایران

۲۰- حسن غفوری فرد - جمعیت هواداران انقلاب اسلامی - نزدیک به هیات مولف و رییس انجمن اسلامی ورزشکاران ایران.

۲۱- حسین فدایی - جمعیت اینترگران

۲۲- حمید رضا کاتوزیان - نزدیک به حکومت

۲۳- محمد کوثری - از سرداران سپاه پاسداران - رایچه خوش خدمت

۲۴- مهدی کوچک زاده - نماینده فعلی مجلس - از سرداران سابق سپاه - رایچه خوش خدمت

۲۵- سید علیرضا مرندی - کاندیدای احتمالی به این گروه نام وی تا روزهای آخر در این لیست نبود اما دستی خارج از جبهه نام وی را در این لیست قرار داد وی حامی شعار فرزند کمتر زندگی بهتر است که در تضاد کامل با شعار گروه رایچه خوش خدمت است که فرزند بیشتر اسلام را حفظ خواهد کرد. این شعار گروه رایچه خوش خدمت و شعار برخی ها در ابتدای انقلاب بود که برای حفظ اسلام باید نیروهای جنگنده آن را افزایش داد همین کاری که در فلسطین و لبنان به آن اعتقاد دارند.

۲۶- غلامرضا مصباحی مقدم - نماینده در صفحه ۴



فعلی مجلس - جامعه روحانیت مبارز
۲۷- علی مطهری - رایحه خوش خدمت - پسر ایت الله مطهری
۲۸- الیاس نادران - نماینده فعلی مجلس - از سرداران سابق سپاه پاسداران - نزدیک به حکومت
۲۹- حسین نجابت - نماینده قبلی مجلس از شیراز
۳۰- بیژن نوباوه - رایحه خوش خدمت - خبرنگار صدا و سیما در نیویورک

صدر می گوید: از نظر مدارک تحصیلی در فهرست جبهه متحد شش مورد کارشناسی ارشد، ۲۱ مورد دکترا و فوق دکترا، ۵ مورد خارج فقه و اصول و ۱۸ مورد استاد دانشگاه و ۳ مورد نیز مدرس حوزه علمیه قم هستند.

در لیست جبهه متحد یک مورد سابق مدیریتی ارشد، ۴ مورد معاونت قوه، ۳ مورد سابقه نظارت، ۱۹ مورد نمایندگی مجلس، ۵ مورد مشاور رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه، ۳ مورد کاندیدای ریاست جمهوری، یک مورد استاندار، ۴ مورد رئیس دانشگاه و دانشکده، ۱۱ مورد رئیس سازمانها و نهادهای عمومی، یک مورد معاون وزیر، ۵ مورد عضو شورای انقلاب فرهنگی، دومورد عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۶ مورد رئیس و نایب رئیس کمیسیون های مجلس، یک مورد عضو شورای شهر مشاهده می شود.

۱- اما آقای صدر فرمودند که چند مورد از افراد فوق در نیروهای سپاه پاسداران بوده اند و چند مورد در قتل های زنجیره ای شرکت داشته اند و چند مورد در بسیج مسئول سرکوب مردم بوده اند.

۲- در لیست فوق مشاهده می شود که رایحه خوش خدمت و حامیان رییس جمهور اکثر کاندیداها را در اختیار دارند و در ایران همه می دانند که رایحه خوش خدمت وابسته به حکومت احمدی نژاد است و صادق محسولی به عنوان نماینده مستقیم رییس جمهور در این جبهه شرکت داشته است حال ممکن است که احمدی نژاد بعد از انتخابات در صورت شکست بگوید که این گروه ربطی به وی نداشته است مانند زمانی که در انتخابات شورای شهر تهران با شکست سختی مواجه شده بودند ارتباط خود را با این گروه رد کردند.

* بنا بر نتایج شمارش آرای تهران، ۳۰ نفر اول، به استثنای مجید انصاری (نفر ۲۹) بقیه از جبهه متحد اصول گرانی هستند

۱. غلامعلی حداد عادل با ۸۴۴۳۰ رأی (۴۸.۴۹)
۲. مرتضی آقا تهرانی با ۵۸۴۱۹۸ رأی (۳۳.۵۶)
۳. علی مطهری با ۵۷۱۰۷۱ رأی (۳۲.۸۰)
۴. احمد توکلی با ۵۸۴۵۹ رأی (۳۲.۶۵)
۵. حسن غفوری فرد با ۵۵۶۲۱۷ رأی (۳۱.۹۵)
۶. محمدرضا باهنر با ۵۴۹۲۸۰ رأی (۳۱.۵۵)
۷. بیژن نوباوه وطن با ۵۳۷۱۷۲ رأی (۳۰.۸۶)
۸. سید شهاب الدین صدر با ۵۳۳۵۶۵ رأی (۳۰.۶۵)
۹. سیدعلیرضا مرندی با ۵۲۸۲۵۶ رأی (۳۰.۳۴)

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

یک علت نیز اینست که وزارت کشور در اختیار مافیاهای با زیاد کردن آرای باطله، افراد دلخواه خود را وارد مجلس کرده اند. توضیح این که ۲۰ روز پیش از انتخابات، مجلس طرحی را تصویب کرد که بنا بر آن، کسانی که ۲۵ درصد «آرای صحیح» را بیاورند، منتخب محسوب می شوند.

● روزنامه همشهری جدول آمار رأی دهندگان را در ۸ دوره انتشار داده است. در انتخابات کنونی میزان مشارکت از ۷ دوره پیشین کمتر بوده است: در سطح کشور، ۲۲ میلیون و ۸۹۰ هزار نفر رأی داده اند. بنا بر این آمار، در انتخابات حق رأی به ادعای وزارت کشور (۴۳ میلیون) ۵۳ درصد از رأی دهندگان رأی داده اند. بنا بر آمار اداره کل آمار (۴۹ میلیون) تنها ۴۶ درصد در دادن رأی شرکت کرده اند. اما ۱۲ درصد از تحریم کنندگان، بخاطر نیاز به مهر در شناسنامه، رأی باطل داده اند. به سخن دیگر، حتی بنا بر ارقام رسمی حداکثر ۴۱ درصد (از ۴۹ میلیون) رأی داده اند. اما حقیقت اینست که هم در تهران (دست کم ۵۵۰ هزار رأی افزوده شده است) و هر در شهرهای دیگر، دست کم یک سوم بر آراء افزوده اند. نمونه قزوین گویا است:

● نفر اول، انصاری راد است که در واقع ۳۲۰۰۰ رأی آورده اما ۷۹۰۰۰ اعلام شده است. نفر دوم، داود عالی خانی است که در واقع ۳۴۰۰۰ رأی داشته اما آن را ۷۴۰۰۰ اعلام کرده اند. در نتیجه نفر سوم ابوترابی فرد شده است. بنا بر اطلاعاتی از درون رژیم، رأی دهندگان واقعی در سطح کشور، به ۲۸ درصد نیز نمی رسیده اند.

* ترکیب مجلس هشتم مافیاهای نظامی - مالی:

● حامیان حکومت احمدی نژاد: به گروهی اطلاق می شود که در طول انتخابات از هر ترفندی برای وارد کردن نیروهای خود به مجلس استفاده کرد. این گروه در روزهای آخر تبلیغات کاندیداها، با استفاده از سرمایه بیت المال در طول دو روز، با خرج صدها میلیون تومان، پوستر جدید چاپ کرد تا بتواند برخی از افراد خود را وارد لیست جبهه متحد کند و برخی از نامزدها را از آن لیست حذف کند. گرداننده محمد علی رامین، مشاور احمدی نژاد بود که در تهران ۱۷ هزار رأی آورد. آرای او میزان واقعی مغضوبیت احمدی نژاد را نشان می دهند. بهر رو، «منتخبان» زیر حامی حکومت هستند:

- ۱- تهران - آقا تهرانی - استاد اخلاق دولت احمدی نژاد - حامیان حکومت
- ۲- تهران - روح الله حسینیان - رییس مرکز اسناد انقلاب اسلامی - حامیان حکومت
- ۳- تهران - فاطمه الیا - نماینده فعلی مجلس - حامیان حکومت
- ۴- تهران - فاطمه رهبر - نماینده فعلی مجلس - حامیان حکومت
- ۵- تهران - کاتوزیان - حامیان حکومت
- ۶- تهران - بیژن نوباوه - خبرنگار ایران در نیویورک - حامیان حکومت
- ۷- تهران - محمد کوثری - سردار سپاه - حامیان حکومت

در صفحه ۵

بین ۵۰۰-۴۰۰ هزار نفر است! اگر آمار بسیجیان و سپاهیان و... در کشور و بویژه تهران و توصیه فرمانده کل سپاه را مد نظر قرار دهیم، نتایج حاصله بسیار معنا دار خواهد شد! از طرفی با توجه به سیر نزولی کاهش میزان مشارکت مردم در هر دوره، نتیجه دیگر پذیرش ادعای فوق این خواهد شد که مشروعیت نظام هم سیر نزولی دارد! اما واقعیت این است که در بسیاری از حوزه های انتخابیه کوچک و خصوصاً روستا ها و حتی در شهرها و کلانشهرها، مردم فارغ از گرایشهای سیاسی داوطلبان و نوعاً با انگیزه ها و علائق بخشی، عاطفی، قومی و قبیله ای و خانوادگی و نظایر آن به داوطلبان مورد نظر خود رأی می دهند، چنانکه در رژیم گذشته نیز با توجه به همین علائق و تقریباً با همین درصد به داوطلبان دلخواه حزب رستاخیز و حکومت رأی می دادند. لذا تجربه نشان داده است که در ایران حدود ۴۰ تا ۶۵ درصد از آرای مآخوذه فارغ از نوع رژیم حاکم با توجه به همین علائق و مناسبات در صندوق ها ریخته می شود و ارتباطی با نظام سیاسی حاکم ندارد. در تهران با توجه به آرای داوطلبان موسوم به اصولگرا، می توان گفت که حدود ۱۲-۱۰ درصد از آرای واجدین شرایط برای رأی دادن، با توجه به علائق حکومتی و بصورت سنتی در صندوق ها ریخته شده است و همین درصد کم و بیش در سایر نقاط ایران نیز حاکم است و یک طیف خاص از قدرت های انتصابی، با تکیه بر همین بخش از آراء بر اکثریت مردم اعمال اقتدار و حکومت می کنند.

بنا بر آمار وزارت کشور، حدود ۶۰ درصد مردم انتخابات را تحریم کرده اند. بنا بر واقع، افزون بر ۷۲ درصد - ترکیب مجلس مافیاهای نشان می دهد که مجلس فلج و در اختیار خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی است که او را آلت کرده اند:

* تناقض های موجود در آمار دروغ، واقعیت را آشکار می کنند: بنا بر ارقام رسمی، ۶۵ درصد مردم ایران انتخابات را تحریم کرده اند:

● بیش از ۱۲ درصد از کسانی که رأی داده اند، رأی باطل یا سفید در صندوق انداخته اند. تنها می خواسته اند که شناسنامه آنها مهر بخورد. در برخی از شهرستانها آرای باطله تا ۱۳۰ درصد آرای صحیح بوده است.

« آنچه از گزارش های متعدده از سوی معدود نمایندگان حاضر در رأی گیری و شمارش آرا وجه از منابع موثق دیگر نشان می دهد که نتایج اعلام شده تناسبی با آرا ریخته شده در صندوقها ندارد... »

اما تعداد کسانی که در تهران حق رأی دارند، بنا بر وزارت کشور ۶/۴ میلیون تن و بنا بر آمار اداره آمار افزون بر ۷ میلیون نفر هستند. درصد رأی دهندگان بنا بر آمار وزارت کشور حدود ۲۹/۴ درصد می شود. اما جمع آرای دو نفر اول «اصول گرا» و «اصلاح طلب، حدود ۱۸/۴ درصد می شود.

بنا بر محاسبه اعلی، دارندگان حق رأی در تهران ۶/۵ میلیون نفر و رأی دهندگان ۱/۷ میلیون نفرند. بنا بر این درصد رأی دهندگان دهندگان ۲۶ درصد می شود. سفید و آرائی (که بنا بر گزارش از ایران افزوده شده اند و بهر رو، در آرای دو نفر اول از دو طیف منعکس نیستند) بکنار، جمع آرای حداد عادل و مجید انصاری ۱۷ درصد از دارندگان حق رأی می شود. می توان تصور کرد رژیمی که در تهران چنین تقلب آشکاری را مرتکب می شود، در شهرهای دیگر با چه گشاده دستی تقلب می کند. با اینهمه، تحریم چنان وسیع بوده است که رژیم نتوانسته است در تهران بیشتر از یک سوم بر آرای مآخوذه بیفزاید.

* بنا بر ارقام رسمی به ترتیبی که اعلی، «نماینده» مجلس هفتم به زبان آورده است، «رهبر» و حکومت احمدی نژاد در تهران کمتر از ۱ درصد، از ۰/۶ تا ۰/۸ درصد طرفدار دارند:

انقلاب اسلامی: حاصل محاسبات اکبر اعلی اینست:

ج- نتیجه گیری: امام جمعه تبریز گفته است که "شرکت گسترده مردم در انتخابات لیبیک به مقام عظمای ولایت بود" (۲۰) و استاندار آذربایجان شرقی نیز اعلام کرد که "انتخابات هشتم مجلس شورای اسلامی رفراندوم مشروعیت نظام بود" (۲۱)! از آنجا که استفاده از چنین تعبیری جزء شعارهای مرسوم بسیاری از مسئولین است، لذا حتی اگر چنین ادعاهایی را هم مبنای داوری قرار دهیم، در این صورت مفهوم مخالف استدلال فوق این خواهد شد که نظام جمهوری اسلامی در میان ۵۳/۲۵ درصد مردم کشور، ۲۶/۲۳ درصد مردم آذربایجان شرقی، ۷۰/۸ درصد حوزه انتخابیه تبریز و حومه و حوزه انتخابیه... فاقد مشروعیت می باشد! و با توجه به توصیه مقام رهبری مبنی بر اینکه "نمایندگانی انتخاب شوند که راه را برای خدمت دولت هموارتر کنند"، میزان تبعیت مردم از مقام رهبری در این خصوص در انتخابات اخیر در حالت خوشبینانه آن معادل با حاصل جمع آرائی است که در هر یک از حوزه های انتخابیه آگاهانه به داوطلبان مدافع دولت ریخته شده است که این رقم در تهران و حومه

۱۰. حمیدرضا کاتوزیان با ۵۰۰۶۴۴ (۲۸.۷۶)
۱۱. علی عباس پور تهرانی فرد با ۴۸۵۷۷۱ (۲۷.۹۰)
۱۲. اسماعیل کوثری با ۴۷۱۹۳۶ (۲۷.۱۱)
۱۳. سیدرضا اکرمی با ۴۴۸۴۹۸ (۲۵.۷۶)
۱۴. غلامرضا مصباحی مقدم با ۴۴۴۱۲۸ (۲۵.۵۱)
۱۵. فاطمه رهبر با ۴۴۳۵۱۸ (۲۵.۴۸)
۱۶. فاطمه آلیا با ۴۴۳۳۱۴ (۲۵.۴۶)
۱۷. روح الله حسینیان با ۴۳۷۱۰۷ (۲۵.۱۱)
۱۸. حسین نجابت با ۴۳۷۱۰۵ (۲۵.۱۱)
۱۹. اسدالله بادامچیان با ۴۳۶۶۱۱ (۲۵.۰۸)

* ۱۹ نفر اول در مرحله اول حایز اکثریت آرا شده اند و ۱۱ تن بعدی در دور دوم باید سر از صندوق آراء در آورند:

۲۰. علی اصغر زارعی با ۴۲۳۱۴۲ (۲۴.۲۱)
۲۱. الیاس نادران با ۴۲۱۰۶۳ (۲۴.۱۹)
۲۲. لاله افتخاری با ۴۲۰۰۲۸ (۲۴.۱۳)
۲۳. مهدی کوچک زاده با ۴۱۹۶۴۱ (۲۴.۱۰)
۲۴. علی رضا زاکانی با ۴۱۸۸۳۶ (۲۴.۰۶)
۲۵. حسین فدایی آشیانی با ۳۹۰۹۸۳ (۲۳.۴۶)
۲۶. حمید رسائی با ۳۸۰۸۸۷ (۲۱.۸۸)
۲۷. پرویز سروری با ۳۷۲۶۲۶ (۲۱.۴۰)
۲۸. نسرین سلطان خواه حقیقی با ۳۵۲۶۹۷ (۲۰.۲۶)
۲۹. مجید انصاری با ۳۴۶۲۶۱ (۱۹.۸۹)
۳۰. زهره الهیان با ۳۴۵۸۶۲ (۱۹.۸۷)

* تقلب آشکار در ارقام رسمی که وزارت کشور در باره آرای مآخوزه و آرای نامزدها انتشار داده است:

بنا بر قول وزارت کشور در تهران ۱ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر رأی داده اند. اما جمع آرای نفر اول «اصول گرایان» (حداد عادل) و رأی اول «اصلاح طلبان» (مجدد انصاری) ۱ میلیون و ۱۹۰۴۹۱ رأی می شود.

بنا بر ۷۱۹۵۰۹ رأی چه شده اند؟ باز بنا بر آمار رسمی، ۸/۸ درصد آرای مآخوذه سفید بوده اند. بدین سان، اگر ۱۶۷۲۰۰ رأی سفید را از آن کم کنیم، ۵۵۲۳۰۹ رأی می ماند. این آراء به چه کسانی داده شده اند؟ در تهران، ۴ لیست، دولیست «اصول گرا» و دو لیست «اصلاح طلب» به رأی دهندگان پیشنهاد شده اند. اما حداد عادل در هر دو لیست اصول گراها و مجید انصاری در هر دو لیست اصلاح طلبها بوده اند. اگر این آراء به لیستهای دیگر داده می شدند، باید بر میزان آرای حداد عادل و مجید انصاری افزوده می شد.

این محاسبه، در تهران نیز انجام شده و از دلایل تگارش نامه توسط خاتمی و کروبی است. این دو خواسته اند آرای مآخوزه بازخوانی شوند و در نامه خود از جمله یادآور شده اند:



۸- تهران - علی مطهری - حامیان حکومت

۹- قائنات - موسی قربانی (نماینده فعلی مجلس، حامیان حکومت)

۱۰- محلات علیرضا سلیمی (حامیان حکومت)

۱۱- کرمان محمد علی کریمی (استادار سابق کرمان، فرمانده سابق بسیج بندر عباس و سیرجان، حامیان حکومت)

۱۲- اصفهان - حمید رضا فولادگر (نماینده فعلی مجلس، حامیان حکومت)

۱۳- شیروان محمدرضا حسین نژاد (فرماندار مستعفی چناران، حامیان حکومت)

۱۴- برخوار و میمه - سید محمود حسینی دولت آبادی (نماینده فعلی مجلس، حامیان حکومت)

۱۵- بندر لنگه احمد جباری (رئیس هیئت نظارت شهرستان، حامیان حکومت)

۱۶- اردل - حیدری (معاون آموزش و پرورش استان، حامیان حکومت)

۱۷- کرج - فاطمه آجرلو از حامیان حکومت

۱۸- شیراز - ذوالانوار، نماینده فعلی مجلس از حامیان حکومت

● جبهه متحد :

گروهی متشکل از نیروهای ضد هم که مجبور بودند در کنار هم قرار بگیرند تا با این ترفند رای مردم را به دست آورند. در میان این جبهه گروههای موفقه - جامعه اسلامی مهندسین - رایحه خوش خدمت - جامعه روحانیت مبارز - جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - جمعیت اینترگران - جمعیت هواداران انقلاب اسلامی و... که توانستند با تغییر قانون تعدادی از افراد لیست خود را وارد مجلس کنند:

۱- قزوین - سید محمد حسین ابوترابی فرد (نایب رئیس فعلی مجلس) جبهه متحد.

۲- همدان - حمید رضا حاجی بابایی (نماینده فعلی مجلس) جبهه متحد

۳- رودسر و املش - اسدالله عباسی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۴- میناب سید علی میر خلیلی (نماینده ادوار گذشته)، جبهه متحد

۵- کرمان - غلامرضا کریمی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۶- اهواز - شیب جویجری (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۷- اصفهان - حسن کامران دستجردی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۸- اصفهان - خانم اخوان بیطرف (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد و همسر حسن کامران

۹- مشهد - حجت الاسلام فاکر یزدی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۱۰- مشهد - جواد آرین منش (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد، موفقه

۱۱- مشهد - عفت شریعتی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۱۲- بهشهر - سردار مقیمی (اصولگرا) جبهه متحد

۱۳- هشتروند - غفار اسماعیلی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۱۴- لنجان - محسن کوهکن، جبهه متحد

۱۵- بروجرد - علاء الدین بروجردی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

۱۶- کنگاور - سید جواد زمانی جبهه متحد، موفقه

۱۷- میانداوب - جهانخش محبی نیا (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

- ۱۴- رفسنجان - حجت الاسلام علی هاشمیان
- ۱۵- دماوند - دکتر رامین (چشم پزشکی)
- ۱۶- کهنوج - حجه الاسلام امیری (امام جمعه مستعفی کهنوج)
- ۱۷- تاکستان - امیر طاهر خانی
- ۱۸- تبریز - پزشکیان
- ۱۹- سمنان - مصطفی کواکبیان (حزب مردمسالاری)
- ۲۰- اردکان یزد - محمد رضا تابش (نماینده فعلی مجلس)
- ۲۱- دشتستان جوانشیر کدخداپور
- ۲۲- کاشان - اصغر گرانمایه پور (نماینده فعلی مجلس)
- ۲۳- خمین حسین مقیمی (معاون سابق عمران وزارت کشور)
- ۲۴- مریوان و سروآباد - اقبال محمدی
- ۲۵- شیراز احمدرضا دستغیب (فرزند علی اصغر و مدیر سازمان ملی جوانان، اصولگرا)
- ۲۶- نهاوند - مهدی سنایی
- ۲۷- بابل - نریمان
- ۲۸- دشتی و تنگستان - پور فاطمی
- ۲۹- زاهدان - فروش
- ۳۰- کاشمر - خباز
- ۳۱- بندر عباس - ذوالقدر
- ۳۲- بافت - تقی بختیاری
- ۳۳- مریوان - اقبال محمدی
- ۳۴- پیرانشهر و سردشت - محمد علی تیرتوی
- ۳۵- زنجان - سعدالله نصیری قیداری

● «مستقل» ها:

- به خاطر بی اعتباری اصول گرا و اصلاح طلب و ... نامزدهائی خود را « مستقل » کرده اند. البته از صافی های متعدد گذشته و « تأیید صلاحیت » شده اند. از این جماعت، افراد زیر به مجلس مافیها راه یافته اند:
- ۱- بابلسر - مقداد نجف زاده
 - ۲- استارا - فرهاد دلق پوش
 - ۳- نهاوند - دکتر مهدی سنایی (مدیر گروه مطالعات روسیه و شرق اروپا در دانشگاه تهران)
 - ۴- ساری - سید رمضان شجاعی معروف به اسحاق (مدیر کل صدا و سیما ساری)
 - ۵- دیر و کنگان - قیصر صالحی (نماینده فعلی مجلس)
 - ۶- سرخس - سید حسین حسینی (نماینده فعلی مجلس)
 - ۷- ورزقان - گل محمد الیاسی (نماینده فعلی مجلس)
 - ۸- بوشهر - غلامعلی میگی نژاد
 - ۹- فردوس - محمد کریم عابدی (خلبان جانباز دفاع مقدس)
 - ۱۰- کوهدشت - علی شاهرخی قبادی
 - ۱۱- فلاورجان - حجه الاسلام سید ناصر موسوی لارگانی
 - ۱۲- گرگان - عبدالناصر ایزدی
 - ۱۳- سروستان - کوهی (مسئول سابق بنیاد شهید)
 - ۱۴- ممسنی - عبدالرضا مرادی (قاضی دادگستری)
 - ۱۵- طالش - بهمن محمد یاری (نماینده فعلی مجلس)
 - ۱۶- سقزوانه - فخرالدین حیدری (نماینده فعلی مجلس)
 - ۱۷- اراک - عباس رجایی (نماینده فعلی مجلس)
- در صفحه ۶

- ۷- نور - احمد ناطق نوری، از اصولگرایان
- ۸- آمل - یوسفیان ملا (نماینده فعلی)
- ۹- محمد مهدی مفتاح
- ۱۰- درود و ازنا - عزت الله دهقان
- ۱۱- سلسله و دلفان - محمد محم
- ۱۲- قائم شهر و سوادکوه - عزت الله اکبری
- ۱۳- مینودشت - سید نجیب حسینی، از اصولگرایان
- ۱۴- شادگان - مجید ناصری نژاد، ائتلاف فراگیر
- ۱۵- بویر احمد و دنا - ستار هدایت خواه
- ۱۶- زابل - نورا
- ۱۷- زاهدان - حسینعلی شهرباری (نماینده فعلی مجلس)
- ۱۸- فسا - دوگانی
- ۱۹- سپیدان سید عنایت هاشمی (مدیرکل مستعفی استانداری و فرماندار لار)، اصولگرا
- ۲۰- انزلی - خسته بند، اعتدال و توسعه
- ۲۱- شهرضا - عوض حیدر پور شهربایی
- ۲۲- فریدن و فریدون شهر - بهمن محمدی
- ۲۳- اسفراین - هادی قوامی
- ۲۴- محمد علی حیاتی (نماینده فعلی مجلس)، اصولگرا
- ۲۵- گچساران - سید قدرت الله حسینی، اصولگرا
- ۲۶- شوش - سیدجاسم ساعدی
- ۲۷- ماهشان - رضا عبدالهی
- ۲۸- برخوار و میمه - سید محمود حسینی دولت آبادی
- ۲۹- زابل دکتر نظر ده مرده (رئیس دانشگاه آزاد زاهدان)، ائتلاف فراگیر
- ۳۰- شازند محمود احمدی بیفش (پاسدار بازنشسته)، اصولگرا
- ۳۱- نیروز و اصطهبانات - محمد سقایی، ائتلاف فراگیر
- ۳۲- استهبان - آقای سقایی
- ۳۳- رودبار - صمد مرعی
- ۳۴- نیشابور - آقای سبحانی نیا
- ۳۵- سبزوار - آقای سبحانی فر
- ۳۶- مراغه و عجب شیر - یوسف نجفی، ائتلاف فراگیر
- ۳۷- اندیمشک - فریدون حسونود (نماینده فعلی مجلس)، اصولگرا

● اصلاح طلبان

- به افرادی اطلاق می شود که با روش های موجود و عملکرد دولت مخالف هستند و برخی از اوقات چهره واقعی خود را پنهان می کنند:
- ۱- سراوان - عبدالعزیز جمشید زهی
 - ۲- خاش - حمید رضا پشتک
 - ۳- خلخال و کوثر - بشیر خالقی
 - ۴- مشکین شهر - یونس اسدی
 - ۵- قوچان - هادی شوشتی
 - ۶- درگز - محمدعلی دلاور
 - ۷- زرنند - حسین امیری
 - ۸- کازرون - غلامرضا دهقان ناصر آبادی
 - ۹- بجنورد - مهدی شهرباری
 - ۱۰- ساری - یوسف نژاد - نماینده سابق
 - ۱۱- جیرفت - دکتر اسلام پناه
 - ۱۲- داراب - افشاری
 - ۱۳- قزوین - قدرت الله علیخانی (نماینده فعلی مجلس از بویین زهرا و آوج)

- ۸- قروه : سیدعماد حسینی، ائتلاف فراگیر
- ۹- لارستان: علی اصغر حسینی، ائتلاف فراگیر
- ۱۰- کرج - عزیز اکبریان (پاسدار بازنشسته) اصولگرا
- ۱۱- اسدآباد: اکبر رنجبر زاده
- ۱۲- ملکان: سلمان خدادادی
- ۱۳- بوکان: قسیم عثمانی
- ۱۴- مسجد سلیمان، لالی و بخش هفتکل : امیدوار رضایی میرقاند (نماینده فعلی مجلس)، ائتلاف فراگیر
- ۱۵- بهبهان: سید حاجی محمد موحد (نماینده فعلی مجلس)، ائتلاف فراگیر
- ۱۶- سیرجان: حسن پور (شهردار سابق سیرجان)، ائتلاف فراگیر
- ۱۷- اراک: سید احمد لطفی (شهردار سابق اراک)، ائتلاف فراگیر
- ۱۸- اردستان: سید مصطفی طباطبایی (نماینده فعلی مجلس)، ائتلاف فراگیر
- ۱۹- لاهیجان: یوسف قاسمی (معاون سابق سپاه سیاههکل)، ائتلاف فراگیر
- ۲۰- ارومیه: سید سلمان ذاکری
- ۲۱- لنگرود: مهرداد لاهوتی، ائتلاف فراگیر
- ۲۲- اسلام آباد غرب : حشمت الله فلاحت پیشه (نماینده فعلی مجلس)، ائتلاف فراگیر
- ۲۳- ساوه : حسین اسلامی (نماینده فعلی مجلس)، ائتلاف فراگیر
- ۲۴- ملایر: امین حسین رحیمی (قاضی دادگستری)، ائتلاف فراگیر
- ۲۵- ساوجبلاغ طالقان و نظرآباد: محمدحسین نژاد فلاح
- ۲۶- دشت آزادگان: هاشم سواری
- ۲۷- شاهرود: کاظم جلالی (نماینده فعلی مجلس)
- ۲۸- علی آباد کتول: قره خانی
- ۲۹- قائم شهر و سوادکوه: ادیانی

● مشترک جبهه فراگیر جبهه

متحد و دیگر گروههای منتسب به اصولگرایی:

در این انتخابات به دلیل آزاد نبودن و محدود بودن برخی از گروهها نسبت به باورها و اعمال کاندیداها برخی از آنان را به خود منتسب نموده اند و

- گروههای مختلف از نام آنها به سود خود استفاده نموده اند. در این گروه برخی از افراد دیده می شود که مورد حمایت هر دو گروه قرار گرفته اند اما در عمل با هر دو گروه مخالف هستند. به هر حال برخی از افرادی که توسط هر دو گروه مورد حمایت قرار گرفته است به شرح زیر می آید:
- ۱- طرهبه و چناران - محمد دهقان (نماینده فعلی مجلس)،
 - ۲- تهران - احمد توکلی، جبهه متحد، ائتلاف فراگیر
 - ۳- قم - علی لاریجانی، جبهه متحد، ائتلاف فراگیر
 - ۴- قم - علی بنایی، جبهه متحد، ائتلاف فراگیر
 - ۵- گلپایگان - حجه الاسلام نکونام رئیس دادگاه ویژه روحانیت و مشاور عالی قوه قضائیه.
 - ۶- سمیرم - جعفری (کاندیدای ادوار گذشته مجلس)، اصولگرا

- ۱۸- سنقر و کلیایی - محمد حسین حیدریان، جبهه متحد
- ۱۹- بجنورد - موسی الرضا ثروتی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد
- ۲۰- نایین - حسین حسینی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد
- ۲۱- گرمی - ولی اسماعیلی، جبهه متحد
- ۲۲- صومعه سرا - سید کاظم دلخوش اتابری (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد
- ۲۳- تربت حیدریه - حجه الاسلام رضایی (نماینده ولی فقیه در بنیاد مسکن)، جبهه متحد
- ۲۴- بم ی - موسی غضنفر آبادی، جبهه متحد
- ۲۵- تهران - اسدالله بادامچیان، جامعه زینب، جبهه متحد.
- ۲۶- طبس - محمد کریم عابدی، جبهه متحد
- ۲۷- تفرش بهمن اخوان، جبهه متحد
- ۲۸- قم - آشتیانی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد.
- ۲۹- دامغان - حسن ملک محمدی، جبهه متحد اصولگرایی
- ۳۰- مینو دشت - سید نجیب حسینی - جبهه متحد
- ۳۱- تنکابن و رامسر - ابوالفضل نیکنام، جبهه متحد
- ۳۲- تهران - محمد رضا باهنر - نماینده فعلی مجلس - جامعه اسلامی مهندسین - جبهه متحد.
- ۳۳- تهران حداد عادل (رئیس کنونی مجلس)، جبهه متحد.
- ۳۴- تهران - حجت السلام مصباحی مقدم (نماینده فعلی مجلس)، روحانیت مبارز، جبهه متحد.
- ۳۵- تهران - عباسپور تهرانی (نماینده فعلی مجلس)، جبهه متحد.
- ۳۶- تهران - حجت السلام اکرمی - جامعه روحانیت مبارز، جبهه متحد.
- ۳۷- تهران - حسین نجابت (نماینده سابق مجلس)، جبهه متحد.
- ۳۸- تهران - علیرضا مرندی (وزیر اسبق بهداشت)، جبهه متحد.
- ۳۹- تهران - حسن غفوری فرد (نماینده فعلی مجلس) جمعیت هواداران انقلاب اسلامی، جبهه متحد.
- ۴۰- تهران - دکتر سید شهاب الدین صدر - جبهه متحد.

● جبهه فراگیر اصولگرایان

- گروهی که با توجه به عملکردهای حکومت نسبت به برخی از آنها اعتراض دارند. البته نباید به بازی نگرفتن آنها از سوی حکومت را نیز نادیده گرفت. این جبهه نیز از چندین گروه تشکیل شده است که در انتخابات در تهران به سختی شکست خورد:
- ۱- رامهرمز و رامشیر : سیدناصر موسوی، ائتلاف فراگیر
 - ۲- خرمشهر: مصطفی مطور زاده
 - ۳- زابل: آقای ده مرده
 - ۴- قائم شهر و سوادکوه: ادیانی
 - ۵- بندرعباس: حاجی آباد، ابوموسی و قشم: آقای محمد آشوری تازیانی - از اعضای واواک، ائتلاف فراگیر
 - ۶- بندرعباس، حاجی آباد، ابوموسی و قشم: آقای امین فرج زاده- ائتلاف فراگیر
 - ۷- آوج و بوئین زهرا: روح الله عباس پور



- ۱۸- فریمان - سید حسین حسینی
- ۱۹- خواف و رشتخوار - محمد رضا سجادیان
- ۲۰- گناباد - مهدی مهدی زاده
- ۲۱- پاکدشت - فرهاد بشیری
- ۲۲- فومن - علی میرزانی
- ۲۳- گرمسار - عبدالرضا ترابی (نماینده فعلی مجلس)
- ۲۴- بیجار - بهمن مرادنی
- ۲۵- مهاباد - جلال محمودزاده
- ۲۶- ماکو و چالدران - سلیمان جعفرزاده
- ۲۷- نهبندان و سربیش - محمدرضا صابری
- ۲۸- نیشابور - سید علی حسینی
- ۲۹- بیرجند و درمیان - حسین ابراهیمی
- ۳۰- اردبیل و نمین - قاسم محمدی
- ۳۱- اردبیل و نمین - جواد صبور
- ۳۲- گناوه و دیلم - غلامعلی میگی
- ۳۳- بهار و کبودآهنگ - عیسی جعفری
- ۳۴- نقت - محمد تقی بختیاری
- ۳۵- پیرانشهر، سرباز و بخشهای فنوج، لاشار و بن - محمد قیوم دهقانی
- ۳۶- بیه - ضیاء اله اغرازی ملکی
- ۳۷- نائین - سیروس برنا بلداجی
- ۳۸- ابهر و خرمدره - احمد مهدوی اهری
- ۳۹- رباط کریم - حسن نوروزی
- ۴۰- ورامین - سید حسین نقوی حسینی
- ۴۱- نطنز - محمد ضابطی
- ۴۲- دلپنجان - علی رضا سلیمی
- ۴۳- کهگیلویه و بویر احمد - بزرگوار
- ۴۴- ارومیه - سید سلمان ذاکر
- ۴۵- رضوانشهر و ماسال - بهمن محمدیاری
- ۴۶- داوود محمد خانی
- ۴۷- ان - محمد رضا حسین نژاد
- ۴۸- دزفول - اوایی
- ۴۹- علی کریمی سیروس جایی
- ۵۰- شهر بابک - مصطفی رضاحسینی
- ۵۱- شهربار - حسین گروسی
- ۵۲- بافق - کاظم ف
- ۵۳- ایرانشهر - محمد قیوم دهقانی
- ۵۴- بوکان - محمد قصیم عثمانی
- ۵۵- سنقر - محمد حسین حیدریان
- ۵۶- پل دختر - علی کابیدی
- ۵۷- خمینی شهر - محمد جواد ابطحی
- ۵۸- بابل - علی کریمی

لیست های بالا با توجه به اخباری بوده است که به دست ما رسیده است که کامل آن را در آینده به اطلاع خواهیم رساند.

بنا بر این ترکیب، دستگاه خامنه ای «انتخاباتی» را انجام داده است که، در آن، هیچ دسته اکثریت نداشته باشند و نتوانند مزاحمت ایجاد کنند و مراجعها همواره به او باشند.

بیانیه آقای ابوالحسن بنی صدر به مناسبت رفتار آگاهانه و مسؤلانه مردم ایران

هموطنان!
اگر هم اطلاعی از چگونگی نه گفتن شما به انتخابات رسوائی نبود که، در آن، رژیم مافیاهای نظامی - مالی در تحقیر شما اندازه نگاه نداشت، عصبانیت آقای خامنه ای و دستگاه تبلیغاتی در خدمت استبدادیان از تحریم کنندگان، همگان را از وسعت

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

تحریم انتخابات آگاه کرد. عصبانیت آلت فعل مافیاهای نظامی - مالی و رسانه های گروهی شان، از آنها است که انتخابات را، بر اصل استقلال و آزادی تحریم کردند و آن را رأی به ولایت جمهور مردم خواندند. تحریمی چنین وسیع، گویای آگاهی و مسئولیت شناسی مردم ایران بر حق حاکمیت خویش است. وقتی، در تهران مرکز کشور، بنابر آمار رسمی، جمع آرای ساختگی نفر اول « اصول گرایان » و نفر اول « اصلاح طلبان » ۱۷ درصد آرای دارندگان حق رأی بیشتر نمی شود، و بنا بر پرآوردهای نزدیک به حقیقت، شمار رأی دهندگان واقعی به زحمت به این درصد می رسد، وقتی در شهرهای کشور که از آنها اطلاع حاصل است، رفتار مردم چون رفتار مردم تهران، آگاهانه و مسؤلانه بوده است، تحریم انتخابات بمثابة رأی به ولایت جمهور مردم، عمل به رهنمود وجدان همگانی است. رهنمود وجدان جمعی بیشتر از امید و نوید به تحقق حاکمیت جمهور مردم، اطمینان بخش به استقرار این حاکمیت است.

جامعه ای که بدین شفافیت به ولایت مطلقه فقیه و استبداد مافیاهای نظامی - مالی نه و به ولایت جمهور مردم آری گفت، برای استقرار این ولایت، نیاز به نیروی محرکه سیاسی دارد. دانشگاهیان و دانشجویان و شخصیتها و گروههای سیاسی که بر اصول استقلال و آزادی، تحریم انتخابات قلابی را گزینش ولایت جمهور مردم خوانده اند، آن نیروی محرکه سیاسی را تشکیل می دهند که استقرارحاکمیت جمهور مردم را می باید هدف شفاف خویش کند و با رها کردن پندار و گفتار از هر گونه ابهام، جنبش برای استقرار حاکمیت ملی را میسر سازد.

جوانان، خاصه دانشجویان، نقش اول را می باید برعهده گیرند. زیرا نظام اجتماعی را باز و تحول پذیر کردن و آینده نزدیک را تدارک دیدن، هم حق آنهاست و هم برعهده نگرفتن مسؤلیت و برنخاستن به عمل برای تحقق بخشیدن به این حق و تدارک آن، آینده و فردا را تاریک تر از امروز می کند. بدیهی است که جوانان بدان نیاز دارند که آزادگان سرفرازی که بر اصول راهنمای انقلاب ایران استوار مانده اند و بنا بر این اصول و بخاطر تحقق ولایت جمهور مردم، انتخابات را تحریم کرده اند، به اتحاد در اصول استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی و توحید مساعی شمرند. وقتی بنا بر آمار ساختگی - که انتخابات قلابی را قلابی تر کرده است - نیز، در تهران و شهرهای بزرگ، آرای « نماینده » های اول، از حدود ۱۰ تا ۱۵ و به ندرت ۲۰ درصد دارندگان حق رأی هستند، پس، بنا بر اعتراف ناخواسته رژیم، این مردم ایران هستند که با تحریم انتخابات، این واقعیت را باز می گویند که دست کم از هر ۱۰۰ ایرانی، ۸۰ تا ۹۰ تن جانبدار مردم سالاری هستند. حال اگر آنها که می باید نقش نیروی محرکه سیاسی را ایفا کنند، توحید در اصول راهنمای مردم سالاری و عمل را بازجویند، استقرار

حاکمیت جمهور مردم در چشم انداز بسا نزدیک، قرار می گیرد. مردم ایران!

در این روز، که روز ملی شدن صنعت نفت ایران است، آن پیروزی و نوروز را که جشن رشد در آزادی و دادگری است، بار دیگر به شما تبریک عرض و خاطر نشان می کنیم که به یمن این تحریم، دولتهای غرب با آنکه به ظاهر بسود « اصلاح طلبان » و به واقع بسود نامزدهای مافیاهای نظامی - مالی موضع می گرفتند، ناگزیر شدند این انتخابات را « نه روشن و نه آزاد » بخوانند. بنا بر این، دیگر نمی توانند رژیم کنونی را نماینده شما بشمارند و رفتارشان را دست آویز تهدید ایران به حمله نظامی و محاصره اقتصادی کنند. هرچند با استفاده از انزوای رژیم در درون و بیرون از مرزهای ملی، بر آن خواهند شد که بیشتر از گذشته، از آن امتیاز بستانند. پس برعهده شما است که جنبش همگانی را تدارک ببینید تا بهترین فرصت را برای بیشترین رشد در آزادی مغنم شمارید. چنانکه همه روز ایران نوروز شود.

۲۹ اسفند ۱۳۸۶
معتمد شما ابوالحسن بنی صدر

مواضع اروپا و امریکا در باره انتخابات رسوا:

*اتحادیه اروپا: انتخابات مجلس ایران نه روشن و نه آزاد بود:

◀ در ۱۶ مارس ۲۰۰۸، اتحادیه اروپا، از اظهاریه خود، انتخابات مجلس را در ایران، نه روشن و نه آزاد توصیف کرد. این اتحادیه از رد صلاحیت وسیع نامزدها را که بی معنی شدن انتخابات در دو سوم حوزه های انتخاباتی کشور شده است، تأسف عمیق خود را ابراز کرد. در این انتخابات مخالفان رئیس جمهوری احمدی نژاد نتوانستند بعنوان نامزد نمایندگی شرکت کنند.

*امریکا نیز انتخابات ایران را بسته و غیر آزاد دانست:

◀ به دنبال اتحادیه اروپا، در ۱۸ مارس، سخنگوی وزارت خارجه امریکا نیز انتخابات ایران را بسته بر روی نامزدهای مخالف حکومت احمدی نژاد و بنا بر این، غیر روشن و غیر آزاد، ارزیابی کرد. دایره انتخاب چنان محدود بود که به ایران اجازه نمی داد آزادانه خواست خود را ابراز و نمایندگان دلخواه خود را انتخاب کنند.

وزارت کشور ایران اعلام می کند که سه چهارم نمایندگان مجلس چهارم را اصول گرایان تشکیل می دهند. این بخاطر آنست که نتیجه انتخابات پیش از انجامش، معلوم گشته بود.

*حزب سوسیالیست فرانسه که در انتخابات شهرداریها پیروز شد، انتخابات ایران را غیر آزاد و غیر عادلانه توصیف کرد:

در ۱۷ مارس، حزب سوسیالیست فرانسه، با انتشار اظهاریه ای، انتخابات ایران را غیر آزاد و غیر عادلانه ارزیابی کرد. نتایج این انتخابات از پیش معلوم بودند. حزب حمایت خود را از و همسنگی خود را با نیروهای دموکراتیک در ایران، مدافعان حقوق بشر، جنبشهای زنان و دانشجویان و سندیکاهای کارگری و روزنامه نگاران که شجاعانه، در شرایط سخت، برای یک ایران دموکراتیک و مترقی و صلح طلب و معزز مبارزه میکنند، ابراز می کند.

*گزارشهای رسانه های غرب در باره انتخابات رسوائی که رژیم مافیاهای نظامی - مالی انجام داد:

◀ رسانه های گروهی غرب، بدون استثناء، انتخاباتی را که رژیم برگزار کرد، غیر آزاد توصیف کردند. آنها که در ایران خبرنگار داشتند و از تهران گزارش داده اند، تصریح کرده اند که شرکت مردم در دادن رأی کم بوده است (از جمله بی بی سی در ۱۵ مارس). یک خبرنگار سوئدی، بنام سیسیلیا اودن، گزارشگر رادیو سوئد (اکو)، نیز بخاطر مصاحبه با دانشجویان و جوانان و پرسیدن از علت عدم شرکت در انتخابات و گرانی و دیگر مشکلات، دستگیر و پس سپردن تعهد که از اینگونه پرسشها نکند، آزاد شده است!

• در ۱۵ مارس ۲۰۰۸ (۲۵ اسفند ۸۶)، روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف گزارش کرده است: میلیون ها ایرانی با نادیده گرفتن درخواست آیت الله خامنه ای برای شرکت در انتخابات، اعتراضی خاموش را برضد رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند.

حوزه های رأی گیری در سراسر تهران خلوت بودند و جمعیت پراکنده و اندکی در آن مشاهده می شدند. یکی از مقامات مسؤل در حوزه انتخاباتی تقریباً خالی مسجدی در خیابان دولت، آشکارا از ذکر شمار شرکت کنندگان در انتخابات خودداری کرد و گفت: شما اجازه ندارید از این امر مطلع شوید.

• داگنز نی هتر (خبرنگار سوئدی ۱۴ مارس) از تهران اینطور گزارش کرده است:

رأی گیری در ایران شروع شد. حوزه های رأی گیری امروز باز شدند. و از آنجا که هزاران کاندیدا را تصفیه کرده اند به نظر می آید که سخت سران ببرند. صبح به یکی از این حوزه ها در ونک رفتم. جوی خواب آور حاکم بر حوزه بود. و حوزه خالی. یکی از مسؤلان گفت حالا صبر کن، بعد از ساعت دو است که هجوم می آورند.

رأی گیری عجیبی بوده. دولت فقط یک هفته به کاندیدادها اجازه فعالیت

داده و اینکه نه در تلویزیون نه رادیو و نه حق زدن آفیش را دارند. با این حال رژیم خواهان یک آمار بالای رأی دهنده است. اما به نظر می آید که تعداد کمی نباشند که این رأی گیری را بایکوت کرده اند. چه که بسیاری از کاندیدادها تصفیه شده اند.

یکی از مسؤلان حوزه ازمن سنوال کرد که سیستم رأی گیری در سوئد چگونه است و بعد سنوالی بیان کننده حال و روز آنها را کرد که می خواستند رأی بدهند. سنوال کرد چه کس رهبر شما را مشخص می کند. چه کس شورای نگهبان را مشخص می کند. من از مترجم پرسیدم که آیا شوخی می کند و یا جدی است سنوال ؟ مترجم گفت جدی است. من جواب دادم که هیچ نهادی و شخصی بدون رأی مردم نمی تواند عمل کند. و همه را مردم مشخص می کنند. با تعجب بسیار به من تگریست.

• خبر نگار نیویورک تایمز (۱۵ مارس) که نازیلا فتحی است و لاجرم فکر بلایی که ممکن است بر سرش آید را کرده و گزارش را چنان تنظیم کرده است که برایش گرفتاری بوجود نیآورد. با این حال، با زبان بی زبانی، واقعیت را باز گفته است: حوزه های جنوب شهر خلوت بودند. در محل سکونت احمدی نژاد بسیاری برای دادن رأی مراجعه می کردند و...

• لیبراسون (۲۲ مارس) گزارش ژان پیر پرن فرستاده خود به تهران را انتشار داده است. در این گزارش، در همان حال که به ترکیب مجلس جدید پرداخته است (اتحاد اصول گرایان ۸۱ نماینده که از آنها ۴۸ تن از سخت سرتین ها هستند، اصلاح طلبان ۵۵ نماینده و...)، تصریح می کند که بیشترین مردم تهران به پای صندوقهای رأی نرفتند و رأی ندادند.

• گزارشهای مطبوعات فرانسه و آلمان و انگلستان و ایتالیا همانند گزارش این سه خبرنگار انگلیسی و سوئدی و فرانسوی هستند. برای مثال، گزارش فرستاده رادیو بین المللی فرانسه (به زبان فرانسه) گزارش کرده است که بسیاری از مردم حاضر به رفتن به پای صندوقها و دادن رأی نبودند.

• نیویورک تایمز (۱۸ مارس) از قول اصلاح طلبان، قلب در قرائت آرا را در تهران گزارش می کند. « اصلاح طلبان » گفته اند: دست کم ۱۰ تن از آنها می باید در همان دور اول انتخاب شده باشند و بر اثر قلب در شمارش آراء، از « نمایندگی » محروم شده اند. نتایج ۱۷۰ حوزه، پیش از انتخابات معلوم بوده اند. در ۱۲۰ حوزه که اصلاح طلبان توانسته اند رقابت کنند، در دور اول، بنا بر آمار رسمی، ۳۵ تن از آنها به مجلس راه یافته اند.

• پیش از این تاریخ، مطبوعات امریکا نیویورک تایمز، واشنگتن پست، لوس آنجلس تایمز و... (انتخابات را غیر آزاد توصیف کرده اند.

انقلاب اسلامی: بدین قرار، دیگر دولتهای غرب نمی توانند رژیم را نماینده مردم ایران بشمارند و به استناد رفتار این رژیم، ایران را تهدید به حمله نظامی و یا مجازاتهای اقتصادی کنند که وضعیت معیشت مردم را بدتر از این کنند که هست. بدیهی است که می توانند از این رژیم بخاطر انزوا و ضعفش، امتیاز بستانند. این بر مردم ایران است که برای به عمل درآوردن انتخاب خود روی به جنبش آورند.



آیا دیک چنی برای زمینه سازی جنگ با ایران به خاورمیانه رفت؟

انقلاب اسلامی: بحران اتمی همچنان برجاست. هرگاه جمهوریخواه ها بخواهند در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پیروز شوند، می باید ترس امریکائیان از خطر مجوز شدن ایران به بمب اتمی بر بیزاریشان از جنگ غلبه کند. سفر مک کین نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه به عراق و اسرائیل و سخنان او در باره «تهدیدی که ایران برای صلح در منطقه است» و حمایتش از تروریسم و به دنبال او، سفر دیک چنی به کشورهای حوزه خلیج فارس، این نظر را قوت بخشیده است که او برای آماده کردن کشورهای خاورمیانه برای جنگ بر ضد ایران، به این کشورهای سفر کرده است. در قسمت اول، این فصل گزارشهایی را می خوانید در باره سفر معاون رئیس جمهوری آمریکا. در قسمت دوم، به نظرها که در باره خطر جنگ آمریکا و اسرائیل بر ضد ایران اظهار شده اند و در قسمت سوم، گزارشها در باره «برنامه اتمی» ایران را می یابید:

هدف دیک چنی از سفر به خاورمیانه برای تشدید انزوای ایران و زمینه سازی برای جنگ؟

معاون رئیس جمهوری زمینه را برای جنگ با ایران آماده می کند؟

◀ در ۲۱ مارس، دبلی تلگراف این اطلاع را انتشار داده است: دیک چنی، معاون رئیس جمهوری آمریکا، به کشورهای خاورمیانه سر زد. گفته شد قصدش آماده کردن کشورهای همسایه ایران برای حمله آمریکا به ایران بوده است. او در ۹ روز، از ترکیه و کشورهای حوزه خلیج فارس و افغانستان بازدید کرد، در گفتگوها با سران این کشورهای اصرار ورزید که نباید به ایران اجازه داد به سلاح هسته ای مجهز شود. او در مصاحبه با آلا ژسسته، بعد از سفر به عمان و پیش از ورود به افغانستان، گفته است: همواره می باید به یاد داشت که آن امر مهم که ما و دوستانمان در خاورمیانه بر سرش اتفاق نظر داریم، اینست که مجوز شدن ایران به سلاح هسته ای تمامی منطقه را سخت بی ثبات خواهد کرد.

چنی در باره گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا مبنی بر این که از سال ۲۰۰۳ بدین سو، زیر فشار بین المللی، ایران برنامه تولید بمب اتمی را متوقف کرده، گفته است: آنچه گزارش می گوید اینست که ایران بطور قطع، تا آن تاریخ، برنامه تولید بمب هسته ای را در دست اجرا داشته است. بنظر می رسد که در سال ۲۰۰۳، آن را متوقف کرده است. اما ما نمی دانیم آیا آن را

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

قرار دارد. موافقت عمان برای آنکه آمریکا بتواند از پایگاه ها برای حمله به ایران استفاده کند، لازم است. ◀ در ۱۹ مارس، خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است که هدف از دیدار امروز دیک چنی از عمان و گفتگو با سلطان قابوس، جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه و واداشتنش به دست کشیدن از اجرای برنامه اتمی خویش است.

بعد از سفرش به بغداد، دیک چنی به مسقط آمده است بدین خاطر که عمان هم با آمریکا و هم با ایران روابط نزدیک دارد. با آنکه چنی از حمایت عمان از جنگ آمریکا در عراق و افغانستان و جنگ با تروریسم تشکر می کند اما ایران موضوع اول گفتگوهای دو طرف است.

عمانی ها نیز، مثل مردم بسیاری از کشورها تکران تشدید تنش ها میان ایران و باقی جامعه بین المللی است. و این بخاطر فعالیت اتمی و کارهای ایران در کشورهای دیگر. عمان تکران آنست که امتناع ایران از متوقف کردن غنی سازی اورانیوم، سبب تشدید تنش در خلیج فارس شود.

گرچه حکومت بوش می گوید همچنان از راه حل دیپلماتیک مسئله اتمی ایران حمایت می کند اما دیک چنی که امروز از مسقط دیدار کرد، در ۲۰۰۵، گفته بود: بسا اسرائیل تصمیم بگیرد به جنگ ایران برود. ◀ به گزارش لوس آنجلس تایمز (۲۶ مارس) دیک چنی در مصاحبه خود گفته است: ایران بنا دارد بر غنی سازی اورانیوم تا درجه لازم برای تولید بمب اتمی. داده ها ادعاهای این رژیم را که قصدی جز استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی ندارد، تکذیب می کنند.

* بنا بر یک «گزارش سری» «، در صورت بروز جنگ، ایران و حزب الله لبنان تل اوپو را موشک باران می کنند:

◀ در ۱۹ مارس، آسوشیتدپرس تکذیب دیک چنی را گزارش کرده است: در طول زمان، من در باره ایران مدام بر یک نظر بوده ام. من و بسیاری بر این نظر بوده ایم که نباید به ایران اجازه داد به سلاح هسته ای مجهز شود. مقامات حکومت آمریکا می گویند: دیک چنی به عمان می رود تا از سلطان قابوس بخاطر همکاری در مبارزه با تروریسم تشکر کند. اما موضوع ایران در رأس موضوعات مورد گفتگو خواهد بود. دیک چنی از زمانی که وزیر دفاع آمریکا بود با سلطان قابوس رابطه نزدیک پیدا کرده بود.

◀ بنا بر گزارش همین خبرگزاری (۱۹ مارس) دیک چنی نخست گفته است ایران برنامه تولید سلاح هسته ای خود را از سر گرفته است. اما گفته خود را تصحیح کرد و گفت: آمریکا اطمینان ندارد که ایران برنامه اتمی خود را از سر گرفته باشد. او در گفتگو با ABC New ws سخن خود را تصحیح کرده است.

شایع است که سفر دیک چنی به خاورمیانه به دنبال تصمیم حکومت بوش بر وارد کردن فشار نظامی به ایران انجام گرفته است. هدف از این فشار ناگزیر کردن ایران از دست برداشتن از اجرای برنامه اتمی خویش است. آمریکا در عمان ۴ پایگاه نظامی دارد و یکی از آنها در ۵۰ مایلی ایران

برای واقعیت یافتن چنین احتمالی آماده کند.

انقلاب اسلامی: قابل مقایسه است با روش رژیم مافیایا که از سوئی بحران می سازد و آن را تشدید می کند و از سوی دیگر، عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مقاومت را از روی قرار و قاعده از بین می برد:

کفی عنان: جنگ با ایران فاجعه است- این جنگ پی آمدهای وحشتناک خواهد داشت:

* کفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد: جنگ با ایران فاجعه است:

◀ در ۲۰ مارس، رویتر گزارش کرده است: کوفی عنان، دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، می گوید: جنگ با ایران بخاطر برنامه اتمیش، فاجعه است. تنها راه بیرون رفتن از بن بست از راه گفتگو است.

سالها است که بوش، رئیس جمهوری آمریکا، و دیک چنی، معاون او، مرتب از خطر مجوز شدن ایران به سلاح اتمی سخن می گویند و جامعه جهانی را دعوت به فشار آوردن به ایران می کنند. با وجود این، تهدید به مداخله نظامی نیز می کنند.

کوفی عنان توضیح می دهد: من مطمئن هستم که ما نمی توانیم شاهد جنگ دیگری، این بار، با ایران باشیم. امیدوارم هیچکس به فکر چنین جنگی نیست. چرا که چنین جنگی یک فاجعه واقعی است. من برآستی راه حل دیگری جز گفتگو نمی بینم. بدیهی است هرگاه ایران به سلاح اتمی مجهز شود، سبب انتشار سلاح اتمی در خاورمیانه می شود و این امر مایه نگرانی جدی است. غنی سازی اورانیوم توسط ایران نیز نگرانی آور است. زیرا از آن پس، با برداشتن یک قدم دیگر، می تواند بمب اتمی را بسازد. ایران می باید دنیا و نه تنها آمریکا را مطمئن کند که هدفش صرفاً صلح آمیز است. من به ایرانیها گفتم:

اگر شما برآستی هیچ چیز برای مخفی کردن ندارید و مقصد ندارید بمب اتمی بسازید و مقاصد شما صلح آمیز هستند، دربهای خود را به روی مفتشان باز کنید و بگذارید هر جا را می خواهند تفتیش کنند.

* پی آمدهای براه انداختن جنگ با ایران بسا وحشتناک خواهند بود:

◀ شارل داویس (آنتی وار ۱۳مارس ۲۰۰۸) مقاله ای در باره تهدید ایران به جنگ انتشار داده است. با این نکات درخور توجه:

• در ماههای پیش از انتشار گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا، لحن بوش، در تبلیغات ضد ایرانی خود، خصمانه تر می شد. سرانجام گفت:

هرگاه ایران اجازه یابد دانش لازم برای ساختن بمب اتمی را بدست آورد، سرانجام کار به جنگ جهانی سوم خواهد انجامید. گزارش سازمانهای اطلاعاتی آهنگ جنگ با ایران را کند کرد. با این وجود،

• ما باید بدانیم که حکومت بوش هنوز نیز در پی گزینه جنگ با ایران است. بسا بخاطر این که در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر، نامزد جمهوریخواهان پیروز شود.

• قصد آنها به استفاده از ترس سخت روشن است. جیم مک درموت، نماینده از ایالت واشنگتن، می گوید: همه می دانیم جمهوریخواه ها چسان امریکائیان را می ترسانند تا قدرت را از دست ندهند.

مک درموت می گوید: پرزیدنت بوش در پی یافتن دست آویزی برای براه انداختن جنگ با ایران است. بر آنست که داده ای را بدست آورده و به استناد آن، حمله نظامی را اقدامی پیشگیرانه به امریکائیان بیاوراند.

• در مجلس بررسی که زیر عنوان «حمایت حمله به ایران» برپا شد و هدفش حمایت از گفتگوی مستقیم و بدون قید و شرط آمریکا با ایران بود، بیشتر گفتگوها در باره گذشته سیاست آمریکا در ایران بود. بخصوص، در باره کودتای ۱۹۵۳ بر ضد مصدق، که در دوران ریاست جمهوری ژنرال دوایت آیزنهاور و به دستور او، انجام گرفت.

• در آن مجلس، کینزر توضیح داد: پس از کودتا، ۶ رئیس جمهوری آمریکا که از پی یکدیگر، به ریاست جمهوری رسیدند، از رژیم سرکوبگر شاه حمایت کردند. کار به انقلاب اسلامی و استقرار دولت کنونی کشید. بعد از انقلاب، آمریکا از صدام حسین در حمله به ایران، در ۱۹۸۰، حمایت کرد. و این جنگ ۱ میلیون نفر تلفات بیار آورد.

کینزر گفت: درس بزرگی که من از مداخله های آمریکا در امور داخلی ایران می گیرم اینست: وقتی شما در امور داخلی کشور دیگری، با بکار بردن خشونت، مداخله می کنید، هرگز نمی توانید بدانید عواقب آن در دراز مدت چه خواهند شد. به احتمال بسیار، پی آمدها برای کشور قربانی مداخله وحشتناک خواهند شد. بسا عواقب آن برای کشوری که مداخله می کند، وحشتناک تر نیز خواهد شد. همین عواقب در انتظار ایران و آمریکا هستند هرگاه ما از تجربه درس نگیریم و به ایران حمله کنیم.

• سخنگویان دیگر خاطر نشان کردند که گزارش سازمانهای اطلاعاتی خطر جنگ با ایران را، در ۱۰ ماهی که از ریاست جمهوری بوش باقی است، کاهش داده است. هنوز می باید کوششها بعمل آیند تا اقدام برای نزدیک شدن به ایران، در برنامه کار رئیس جمهوری آینده قرار گیرد.

• دموکراتها شیوه بوش را در اداره جنگ با عراق، انتقاد می کنند. بسیاری از موضع خصمانه حمایت کردند. قطعهنامه ای را نیز به تصویب



رساندند که در آن، از سازمان ملل خواسته شده است احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران را، بخاطر برانگیختن به کشتار، بخاطر تبلیغات ضد اسرائیلیش، محکوم کند.

● در سال گذشته، در همان حال که مجازاتهای اقتصادی ایران تشدید می شد، در کنگره، به هنگام تصویب بودجه جنگ در عراق، دموکراتها ماده ای را پیشنهاد کردند که بنا بر آن، حکومت حق ندارد بدون تصویب کنگره با ایران وارد جنگ شود. این ماده، پس از فشار شدید لابیها، از جمله، Amerivan - Israeli Public Affairs Committee، پس گرفته شد.

● نیتز استدلال کرد که حمله امریکا به ایران، برای اسرائیل مصیبت بار است. زیرا امریکا را بطور بنیادی ضعیف می کند و این امر، بطور بنیادی اسرائیل را در خاورمیانه ضعیف می کند. اما در میان اهل سیاست، از جمله دموکراتها، کسی نیست که این واقعیت را بر زبان آورد.

از میان نامزدهای ریاست جمهوری دو حزب بزرگ، تنها سناتور اوپاما گفته است هرگاه به ریاست جمهوری انتخاب شود، با رهبر ایران دیدار خواهد کرد. اما سخن او در سیاستمداران به باد مسخره گرفتند. اما از قرار، اوپاما بر موضع تابستان گذشته خود نمانده است. زیرا او به تازگی به روزنامه نگاران گفته است: او از اسرائیل و از رویه پرزیدنت بوش که خودداری از گفتگو با رهبران حماس است، پشتیبانی می کند: « شما نمی توانید با کسانی چون رهبران ایران و حماس، گفتگو کنید که حاضر به پذیرفتن حق حیات برای کشوری دیگر نیستند.»

● با اینهمه، شرکت کنندگان در مجلس بحث (forum) بر این بودند که می باید کنگره را بر آن داشت که تصویب کند بوش می باید با ایران وارد گفتگوهای مستقیم و بدون قید و شرط شود. کینز گفت: من فکر می کنم اگر این طرح را فردا از تصویب کنگره بگذرانیم، بسا بوش معاون خود، دیگ چنی، را سفیر خود می کند. با وجود این، هرگاه کنگره این طرح را تصویب کند، گویای آنست که کنگره برآستی خواهان حمله نظامی به ایران نیست.

*گاف مک کین، نادان تر از بوش که می خواهد رئیس جمهوری امریکا شود:

مک کین، نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه امریکا، در کنفرانس مطبوعاتی، در اردن، گفت: ایران افراد القاعده را تعلیم می دهد و سپس روانه عراق می کند. سخن او موجب شگفتی روزنامه نگاران شد. از او توضیح خواستند و او گفت: امریکا مدارک قطعی در دست دارد. سناتور پوزف لیبرمن (یهودی و نامزد معاونت ریاست جمهوری از حزب دموکرات وقتی ال گور نامزد ریاست جمهوری بود و اینک می خواهد نامزد معاونت از حزب جمهوری خواه شود) به گوش او گفت: القاعده سازمانی با اعضای سنی و ضد شیعه است. و او سخن خود را تصحیح کرد. ظرف ۳ هفته، این سوئیم گاف مک کین است. اوپاما، یکی از دو نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات در این باره گفت: آیا سزا است آدمی با این

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

سطح معلومات رئیس جمهوری امریکا شود؟

و گارت پورتر (آنتی وار ۲۲ مارس) مقاله ای زیر عنوان مک کین نیز اسطوره های القاعده را دست مایه کرده است، انتشار داده است:

● حکومت بوش می گوید ایران افراد ارتش المهدی را تعلیم می دهد و مک کین که تبلیغات حکومت بوش را حقایق مسلم می پندارد و ذهنش پر از القاعده و تروریست پروری ایران است، جای شیعه های عراقی را به افراد القاعده داد و گفت: ایران افراد القاعده را تعلیم می دهد و روانه عراق برای فعالیتهای تروریستی می کند.

گاف مک کین در بخشی بخاطر نا آگاهی مک کین است. او هنوز شیعه را از سنی و جیش المهدی را از القاعده تمیز نمی دهد. اما بطور عمده گویای این امر است که او همان دستمایه های بوش و محافظه کاران جدید را دست مایه کرده است. آنها می گویند ایران بر فعالیتهای افراد القاعده از درون خاک خود، چشم می بندد. برغم توقیف شدن افراد القاعده توسط ایران و اطلاعاتی که ایران و کشورهای دیگر در باره توقیف و زندانی شدن و تحویل افراد القاعده به کشورهای انتشار می دهند که این افراد تابعینهای آنها را دارند، حکومت بوش و محافظه کاران جدید همچنان القاء می کنند که ایران برفعالیتهای افراد القاعده در خاک خود و از خاک خود، چشم می بندد.

● ارتباط ایران با القاعده، اول بار، بعد از سقوط دولت طالبان عنوان شد. بیشتر اعضای القاعده به پاکستان فراری شدند. شمار اندکی از آنها نیز به ایران گریختند. با وجود این امر که دیرتر مقامات امریکا گفتند ایران تقاضای امریکا را در مورد رد یابی و دستگیری کادرهای القاعده برآورد، وزیر دفاع وقت امریکا، دونالد رامسفلد، در سال ۲۰۰۲، چند نوبت گفت: ایران به مقامات القاعده پناه داده است. و از سخنان بوش، در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲، در توصیف «رژیمهای خصم» مایه می گرفت. رژیمهای خصم آنها بودند و هستند که از تروریسم حمایت می کنند.

● تبلیغات حکومت بوش چنان جدی گرفته شد که رسانه ها، از جمله واشنگتن پست در ۲۲ اوت ۲۰۰۲، نوشت: «منابع اطلاعاتی عرب» می گویند: دو تن از مقامات بلند پایه القاعده، با توافق ۱۲ تن از جنگجویان این سازمان، به ایران رفته اند و در شهرهای مشهد و زاهدان، در مهمان سراها از آنها پذیرائی می شود. واشنگتن پست از ادعای حکومت بوش حمایت کرد و نوشت: حکومت ایران و اگر نه، روحانیان سخت سری که نیروهای مسلح و سازمانهای اطلاعاتی را در اختیار دارند افراد القاعده را به ایران راه می دهند و تحت حمایت قرار می دهند.

● در بهار ۲۰۰۳، ایران اظهار کرد که اعضای برجسته القاعده در توقیفش هستند. اما از دادن اطلاعات در باره هویتهای آنها خودداری و آن را منوط کرد به اینکه امریکا اطلاعاتی در باره سازمان مجاهدین خلق که تسلیم قوای امریکا شدند، در اختیار ایران بگذارد.

اما سخت سران حکومت بوش از قبول این معامله سرباز زدند.

● بعد از عمل تروریستی در ۱۲ مارس ۲۰۰۳، در عربستان سعودی، که موجب قتل ۸ امریکائی و ۲۶ عربستانی شد، رامسفلد گفت: «ما می دانیم مقامات ارشد القاعده در ایران هستند... بدیهی است در جاهائی نیستند که در کنترل دولت ایران نباشند.» بعد سی بی اس نیوز گزارش کرد: «مقامات امریکا می گویند آنها مدرک در اختیار دارند حاکی از این که عملیات تروریستی در عربستان و دیگر کشورها را، در ایران، توسط یکی از سران القاعده رهبری می شوند که در ایران پناه جسته است.

هدف القای این فکر به اذهان امریکائیان بود که ایران بعد به القاعده اجازه می دهد عملیات تروریستی خود را از ایران سازمان دهی کند.

● اما نیویورک تایمز، به تاریخ ۲۶ مه ۲۰۰۳، از قول یک مقام دیگر حکومت امریکا نوشت: در گفت و شنودهای که ضبط شده اند، هیچ اشاره ای به عمل تروریستی در عربستان نشده است. بعد از آن، مقامات اطلاعاتی امریکا نیز گفتند هیچ دلیلی بر این نیست که ایران به سران القاعده اجازه می دهد از خاکش، عملیات تروریستی را سازمان بدهند. با وجود این، در طول سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، مقامات حکومت بوش مصممانه این تبلیغ را که ایران از القاعده حمایت می کند، پی گرفتند.

نمونه نوعی این تبلیغ، داستانی است که سی ان ان در ۲۷ اکتبر ۲۰۰۳ انتشار داد: «مقامات اطلاعاتی امریکا» می گویند: «سپاه قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران افراد القاعده، از جمله، فرمانده نظامی آن، سیف العادل و سعد فرزند بن لادن را در پناه خود گرفته است. در ۲۴ مارس ۲۰۰۳، خبرنگار نیویورک تایمز از تل اویب (اسرائیل)، از قول مقام اسرائیلی و مقامهای امریکائی گزارش کرد که مقام ارشد القاعده، مصیب الزرقاوی، به ایران رفته و تحت محافظت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی ایران قرار گرفته است.

تبلیغ در باره ارتباط رژیم ایران با القاعده زمانی به اوج خود رسید که گزارش کمیسیون رسیدگی به ترورهای ۱۱ سپتامبر، در ژوئیه ۲۰۰۴ انتشار یافت. بنا بر این گزارش، حکومت ایران عبور ۸ تن از شرکت کنندگان ترورهای ۱۱ سپتامبر را از خاک خود تسهیل کرده است. اما معاون رئیس سیا، جون مک لوگکین گفت: هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند مقامات ایران با آن موافقت کرده است.

سخن مک کین گویای این واقعیت است که هدف حکومت بوش القای ارتباط رژیم ایران با القاعده بوده است و اینک او می خواهد، با استفاده از ذهنیت ایجاد شده، اسطوره رابطه رژیم ایران با القاعده را دستمایه تبلیغات انتخاباتی خود کند.

بوش به غلط مدعی است ایران اعلام کرده است مایل به داشتن بمب اتمی است - پیشنهادهای جدید کشورهای ۵ + ۱ به ایران:

* بوش مدعی است ایران خود می گوید خواستار داشتن سلاح اتمی است و به غلط:

◀ مک کلیچی (۲۰ مارس ۲۰۰۸) گزارش مفصلی را انتشار داده است دارای این نکات:

● پرزیدنت بوش بدین قانع است که بگوید: «ایران اظهار کرده است که خواهان داشتن بمب اتمی است». لذا ایران دارای برنامه سری تولید سلاح هسته ای است. حال آنکه ایران هیچگاه علناً نگفته است که خواهان داشتن بمب اتمی است و مصرانه اصرار ورزیده است که قصدش از غنی سازی اورانیوم استفاده صلح آمیز از آنست.

بوش در گفتگوی روز ۴ شنبه ۱۹ مارس با رادیو فردا، بمناسبت جشن نوروز ایرانیان، گفته است: ایران حق استفاده صلح آمیز از اتم را دارد. اما سوخت اتمی نیروگاه اتمی ایران، باید توسط روسیه تأمین شود. ایران این نظر را نمی پذیرد. او گفته است: مشکل این جاست که اولاً نمی توان به دولت ایران، در باره غنی سازی اورانیوم، اعتماد کرد. زیرا آنها در گذشته، بطور محرمانه، برنامه اتمی خود را تهیه و به اجرا گذاشته اند. چه کسی می داند؟ حالا نیز ممکن است چنین کنند.

ثانیاً، این دولت خود اظهار کرده است که می خواهد بمب اتمی داشته باشد برای ملتی در خاورمیانه. و این، برای امریکا، غیر قابل قبول است. برای دنیا نیز غیر قابل قبول است.

● لیبراسیون (۲۱ مارس) می نویسد: چون دروغ بوش آشکار بود، گوردن جوندرو، سخنگوی کاخ سفید برآن شد دروغ او را توجیه کند: مقصود بوش این بوده است که ایران می خواهد «اسرائیل را از صفحه روزگار حذف کند». به دستورهای شورای امنیت در باره متوقف کردن غنی سازی اورانیوم وقتی نمی گذارد و همچنان در کار ساختن موشک قاره پیما است. این کارها یعنی این که می خواهد بمب اتمی داشته باشد.

از سخنگو پرسیده شد اگر ایران بخواهد از گاف بوش بهره برداری سیاسی کند، چه خواهید کرد؟ او پاسخ داد: من از این بابت نگرانی ندارم. ایرانیها هر طور بتوانند سخنان رئیس جمهوری را تأویل و تفسیر می کنند. اما واقعیت اینست که گفته اند اسرائیل باید از صفحه روزگار حذف شود و دستورات شورای امنیت را اجرا نکرده اند.

انقلاب اسلامی: باوجود این، لوموند (۲۶ مارس ۲۰۰۸) ادعا می کند مدرک در اختیار دارد حاکی از این که ایران به

فعالیتهای اتمی نظامی خود ادامه می دهد:

* لوموند (۲۶ مارس): مدارک در اختیار داریم حاکی از این که ایران برنامه اتمی نظامی را به پیش می برد:

لوموند می نویسد به مدارکی دسترسی پیدا کرده است که ثابت می کنند، برخلاف تصدیق سازمانهای اطلاعاتی امریکا (بنابر منابعی، سازمانهای اطلاعاتی امریکا با مشاهده تب جنگ با ایران، به قصد جلوگیری از اقدام بوش به جنگ با ایران این تصدیق را کرده است اما برخی از دیپلماتهای فرانسوی می گویند دستگاه حکومت امریکا دچار اختلال بزرگی است)، ایران همچنان به اجرای برنامه اتمی نظامی مشغول است:

از جمله، نامه ایست که مهندس مهدی خانی کی (Khaniki) در سال ۲۰۰۴ به آقا زاده، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نوشته است. او یکی از طرفهای عمده گفتگو با آژانس بین المللی انرژی اتمی و سفیر سابق ایران در سوریه است. این نامه اتهاماتی را تصدیق می کند که به رژیم ایران وارد شده اند.

در نامه، خانی کی یادآور می شود که مفتشان آژانس که تحت ریاست هینون (معاون آژانس) هستند، می خواهند قراردادهای خرید قطعات سانتریفوژها را ببینند. در نامه آمده است: «در جریان جلسه ای که در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴، با حضور دکتر روحانی (دیور وقت شورای امنیت ملی و مذاکره کننده ارشد ایران با آژانس و اروپا تا پایان ۲۰۰۵) تشکیل شد، روحانی تصمیم گرفت مدارک برابر دلخواه سازمان انرژی اتمی تهیه و به آژانس بین المللی انرژی اتمی داده شود. در آن جلسه، وزارت دفاع و پشتیبانی از نیروهای مسلح خاطر نشان کرده است که این قراردادهای برای ارائه به آژانس بین المللی انرژی اتمی تنظیم شده اند.

قسمتهائی از قراردادهائی که، در وزارت دفاع، من شخصاً دیدم سیاه شده اند. هرگاه بدین صورت به آژانس داده شوند، سئوالهای بیشتری را بر می انگیزند. طبعاً از مهندس محمدی خواستیم تعداد لازم از قراردادهای (اصلاح شده) تهیه کند و امیدوارم تا به حال این کار را انجام داده است.»

از دید کارشناسان پرونده ایران، این نامه مدرک مسلمی است بر این که وزارت دفاع ایران در برنامه اتمی ایران نقش دارد. و این امر تصدیق وجود برنامه اتمی نظامی ایران است که بعد از ۲۰۰۳ نیز در دست اجرا بوده است. و نیز گویای این واقعیت است که ایران همچنان حقیقت را از آژانس بین المللی انرژی اتمی می پوشانده است.

بنا بر منابع نزدیک به یک سازمان اطلاعاتی، تهیه قراردادهای جعلی بخشی از «طرح ۱۳» است. این طرح، طرح ناپدید کردن مدارکی است که ایران را در معرض تهدید قرار می دهند. هدف از اجرای این طرح فریب آژانس بین المللی انرژی اتمی است. چنانکه مرکز مطالعات اتمی در صفحه ۹



لویزان - شیان را تغییر نام دادند و سپس، احتمالاً در ۲۰۰۶، آن را برچیدند تا ردها را گم کنند. از آن پس، در مقام اشاره به مدیریت برنامه اتمی نظامی، کلمه « مرکز » را بکار می برند.

دوایر اطلاعاتی امریکا، در اواسط دسامبر ۲۰۰۶، گفتگویی را ضبط کرده اند که میان دو تن از کارکنان وزارت دفاع انجام گرفته است. این دو در باره اختلاف وزارت دفاع و سازمان انرژی اتمی گفتگو می کرده اند. یکی از آنها به « مرکز » رجوع داده و گفته است: « سازمان دل مشغول منافع خود است و سیاستش ۱۸۰ درجه با سیاست ما (وزارت دفاع) فرق می کند. بنظر من، در وضعیت کنونی، حرف آخر را باید وزارت دفاع بزند. زیرا مدیران سازمان انرژی اتمی می دانند که ما قصد داریم آزمایشها را انجام دهیم. » در باره ماهیت « آزمایشها » شک وجود دارد اما اشاره به آنها، سوء ظن را تشدید می کند.

* کشورهای ۵ + ۱ بنا بر ارائه پیشنهاد جدیدی به ایران را دارند :

◀ در ۱۸ مارس، واشنگتن تایمز خبر داده است که کشورهای ۵ + ۱ قرارداری را در مجموعه جدیدی از امتیازها در ازای پایان دادن به غنی سازی اورانیوم به ایران بدهند. این پیشنهادها شامل امتیازهای اقتصادی و تکنولوژیک و تضمین های امنیتی است. دادن قطعات بدکی برای هواپیماهای بوئینگ ایران و کمک به ایران برای استفاده غیر نظامی از انرژی اتمی است.

مجموعه پیشنهادها شبیه پیشنهاد سال ۲۰۰۶ این شش کشور است. ایران آن مجموعه را رد کرد.

شش کشور این بار در باره زمان بندی انجام پیشنهادها و خود پیشنهادها دقت و شفافیت بیشتری بکار برده اند و امیدوارند مورد توجه مجلس جدید ایران قرار بگیرند.

اثر مجازاتها بر رونق اقتصاد دویی و گران وارد شدن کالاها از دویی به ایران:

◀ لوموند (۱۳ مارس) در باره بزرگ شدن رقم واردات ایران از دویی، بخاطر مجازاتهای مقرر، این گزارش را انتشار داده است:

بگفته آقای ناصر هاشم پور، معاون شورای تجاری ایرانی متعلق به اتاق بازرگانی دویی، حجم مبادلات بازرگانی با ایران بی وقفه افزایش پیدا می کند: « از ۷/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش پیدا کرده و انتظار می رود تا پایان سال جاری (مارس ۲۰۰۸) ۲۵ درصد افزایش پیدا کند. » رقم بزرگ این مبادلات را واردات ایران از دویی تشکیل می دهد. این واردات به میزان زیاد صادرات مجدد اجناسی است که از آسیا و حتی امریکا و اروپا به دویی وارد شده اند. هاشم پور بر این نظر است که « تاثیر عمده مجازاتها، بالا رفتن قیمت های اجناسی است که از راه های مشکنتری وارد بازار ایران می شوند. در آخر، مصرف

کننده ایرانی است که مابه التفاوت را بایستی بپردازد. »

بخاطر قدمت پیوندهای امارات با ایران که وجود ۴۵۰۰۰۰ ایرانی در دویی و سکونت خانواده های قدیمی تجار دریایی شعبه و سنی که اصلیت ایرانی دارند، امارات همیشه طرف مرجح ایرانیان بوده است. این تجارت که بخاطر مجازات ایران رونق گرفته، تنها یکی از پیوندهای امارات با ایران است. بیش از ۸۰۰۰ شرکت ایرانی که اماراتی محسوب می شوند زیرا طبق قانون ۵۱ درصد سرمایه بایستی مال محلی ها باشد، بدون هیچگونه مشکلی تجارت می کنند. اما وضع بانکهای ایران مستقر در امارت بدین ترتیب نیست. از اکتبر ۲۰۰۷، بانکهای ملی و صادرات تحت مجازاتهای امریکائی هستند و بانک سبه تحت مجازاتهای شورای امنیت سازمان ملل است. این فشار بر نظام بانکی، بی تاثیر نیست. بگفته آقای هاشم پور: « واضح است که بانکهای بزرگ بین المللی از معامله با ایران چه از دور چه از نزدیک طفره می روند اما بانکهای کوچکتر بدان ادامه می دهند. » اگر ادامه واردات اجناس مصرفی نشان می دهد که درآمد نفت اجازه می دهد اقتصاد ایران به حداقل بچرخد، اما تحریم بانکی مانع از ایجاد پروژه های بزرگ که نیازمند معاملات بانکی پیچیده است، میگردد.

گرچه ایالات متحده یک دفتر ویژه ایران در دویی باز کرده اما امارات تضمین می کنند که مجازاتهای سازمان ملل را کاملاً به اجرا می گذارد. یک بانکدار که نمی خواهد هویتش شناخته شود، می گوید « تعهد کردیم با کسانی یا با مجموعه هایی که مورد هدف سازمان ملل هستند، معامله نکنیم. اما تنها آن قسمت از یخ را که از آب بیرون است می شود دید. در اینجا، معاملات و امور مالی شفافیت کمی دارند. » اما یک متخصص غربی می گوید: « بعد از مجازاتها، شرکتهایی که با ایران تجارت می کردند، آمدند تا ببینند چگونه می توانند از راه دویی به معاملات خود ادامه دهند. اما بنظر می رسد بدون نتیجه بازگشتند. دویی که در کار جهانی سازی اقتصاد خود است، ناگزیر می باید قوانین آن را رعایت کند اگر نه تمام اعتبار خویش را از دست خواهد داد. »

بعد از امریکا، ایران دومین سرمایهگذار در دویی است. ایرانیان صاحب یک سوم املاک هستند. این سرمایه گذاران خیلی مختلف هستند، از ایرانیهای خارج از ایران و تجار مقیم ایران که از وضع اقتصادی ایران مایوس هستند تا افراد رژیم با اسمی دیگری تا شناخته نشوند.

◀ در ۲۰ مارس، وزارت خارجه امریکا اظهار کرد که اقدام می کند برای این که بانکی در بحرین از کار بازماند که بانک ملی ایران آن را مهار می کند. و نیز مانع از لنگر انداختن کشتی هایی به بنادر امریکا می شود که بنازگی در بنادر ایران ایران پهلو گرفته باشند. بدین عذر که ایران در بنادر خود، تدابیر ضد تروریستی را بکار نمی برد.

مک کومارک، سخنگوی وزارت خارجه امریکا می گوید: جامعه بین المللی نباید به دولت ایران اجازه دهد با بکار بردن فریب از نظام مالی بین

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

المللی و حمل و نقل بین المللی برای خریدن و بردن فنون و تجهیزات برای تولید بمب اتمی و تکمیل سیستم موشکی خود و یا حمایت از تروریسم استفاده کند.

خزانه داری امریکا نیز به بانکهای امریکا هشدار داده است که ایران با اتخاذ روشهای فریبکارانه برآست که از بند مجازاتهای بین المللی بگریزد. این خزانه داری سخت نگران از این که بانک مرکزی ایران معاملات بانکهای را تسهیل کند که مورد مجازات قرار گرفته اند.

کارنامه بوش و حکومت او در عراق: مرگ و ویرانی، تقویت ایران و ...

شمار کشته های عراقیان غیر نظامی در ۴ سال اول جنگ :

◀ لوموند (۱۹ مارس) بمناسبت پنجمین سال روز تجاوز قوای امریکا به عراق (جنگ در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ آغاز شد)، برآوردها که در باره رقم کشته جنگ بعمل آمده اند، بدین شرح انتشار داده است:

پنج سال بعد از جنگ بنام آزادی عراق، کسی از تعداد کشته شدگان غیر نظامی عراقی اطلاعی ندارد. دولت امریکا حساب کشته شدگان ارتش خود را که به ۴۰۰۰ نفر نزدیک می شود را دارد اما حساب کشته های عراقی را نه!

برآوردها از تعداد کشته شدگان عراقی متناقض هستند. طبق تحقیقات بین ۱۰۰۰۰۰ تا ۱ میلیون عراقی از سال ۲۰۰۳ بدین سو، کشته شده اند.

روزنامه گاردین در مقاله ای بنام

«میزان واقعی مرگ و میر در عراق کدام است؟» توضیح می دهد چرا واشنگتن پرده ابهام بر رقم قربانیان عراقی جنگ می کشد. روزنامه یادآور می شود که در زمان جنگ ویتنام هدف از شمارش دقیق کشته شدگان ویتنامی، قانع کردن مردم امریکا از نزدیکی پیروزی بود. اما «بادی کانت» یا محاسبه تعداد جنازه ها، افکار عمومی را مشمزمز کرد و دلیل مخالفت صلح طلبان شد. حمله نظامی به عراق به نوعی کاملاً متفاوت مدیریت شد.

«وزارت بهداشت عراق در آغاز سعی کرد که حساب تعداد جنازه هایی که در مرده شور خانه ها بود را داشته باشد اما خیلی سریع، زیر فشار حکومت تحت حمایت امریکا، چاپ آمار را متوقف کرد. از آن وقت جنگ ارقام شدید است. یک گروه پژوهشی مستقل انگلیسی « بادی کانت عراق » تمام کشته هایی که مطبوعات خبر آنها را می دهند و ارقام بیمارستانها را حساب می کند. تخمینهایی که در سطح کشور می زند تعداد کشته شدگان را بین ۱۰۰۰۰۰ تا یک میلیون برآورد می

شد که مردمان ایران و سوریه رژیم های خود را با آن مقایسه خواهند کرد و زمین زیر پای رادیکالها سست خواهد شد ... دولتهای دموکراتیک تشکیل خواهند شد و آسان تر با اسرائیل گفتگو خواهند کرد. در این نظر صادق بودند اما این نظر بیش از اندازه ایدئولوژیک بود و نمی گذاشت واقعیت دیده شود. نتیجه شکست شد. * واشنگتن می گوید از میزان خشونت در بغداد کاسته شده است

• اولیویه روا : گسیل ۳۰۰۰۰ هزار نیروی تقویتی به بغداد موجب موفقیتی در طول شش ماه شد. اما وضعیت را همه جانبه ببینیم : وضعیت عراق تثبیت و دموکراتیک و طرفدار غرب نشده است. این جنگ پی آمدهای استراتژیک بیار آورده است که قابل دیدن نبودند. مهم اینست که دولت عراق بمثابه یک دولت سنی دیگر وجود ندارد. آن دوران به پایان رسید. بر اثر این جنگ داخلی عراق از میان خواهد رفت و کمتر عرب (بخاطر کردها) و تحت سلطه شیعه ها خواهد بود که طبیعتاً متحد ایران هستند. این امر امریکائیها و کشورهای سنی حوزه خلیج فارس را خشمگین می کند. امریکائیها، بدون این که بخواهند، به ایران امکان داده اند بطور قابل ملاحظه ای قلمرو نفوذ خود را گسترش دهد.

* چگونه حکومت بوش تا این حد از دیدن واقعیت ناتوان شد؟

• اولیویه روا : اندر یافتهای ایدئولوژیک چشمهای بوش و حکومت او را کم سو کردند. شعارهای « جنگ بر ضد تروریسم » و « محور شر » فرآورده درک ایدئولوژیک کورکننده بودند. بوش تمامی آنها را که از شان خوشش نمی آمد، در منطقه، در برابر خود قرار داد: حماس و حزب الله و رژیم ایران، طالبان و ... این دولتها و سازمانها با یکدیگر اشتراکات نداشتند اما در ضدیت با امریکا اشتراک جستند. امریکائیها نخواستند واقعیت پیچیده را ببینند و هنوز نیز نمی خواهند ببینند.

نامزد جمهوریخواه ها، مک کین امریکائیها برای ۱۰۰ سال در عراق می مانند. دموکراتها، اواما و کلیتون زندانی کسانی هستند که به آنها رأی می دهند. مک کین می گوید امریکا در عراق می ماند زیرا نمی خواهد عراق را به القاعده بسپرد و برود. بیهوده سخن می گوید زیرا خطر واقعی جنگ داخلی است. از لحاظ فنی، ۱۳۰ هزار قشون را همینطوری از عراق نمی برند. هیچکس نمی خواهد امریکا همان کار را بکند که در ویتنام کرد. امریکائیها منافع اقتصادی دارند. متحدان (مثل سعودیها) دارد که حاضر نیستند جور امریکا را بکشند و در صورت تخلیه قوای امریکا، قوای خود را به عراق بفرستند. پس امریکائیها نمی توانند بگذارند و بروند.

* در چه تاریخی تخلیه خاک عراق از قوای امریکا ممکن خواهد شد؟

• اولیویه روا : افراد ارتش و پلیس عراق به اندازه کافی تعلیم ندیده اند. به اندازه کافی نیز انگیزه ندارند. عراق دولتی درخور این عنوان نیز ندارد: رؤسای قبائل و کارفرمایان و ... هستند و نه یک طبقه سیاسی. می باید یک دولت مرکزی را باز ساخت.

کنند. تحقیقات این گروه اشاره می کند که امریکایان در دو سال اول جنگ، چهار برابر بیشتر از شورشیان عراقی غیر نظامی کشته اند. این در صورتی است که مطبوعات منحصرآ توجه را به کشته شدگان توسط عملیات انتحاری معطوف کرده اند. در سال ۲۰۰۷، سازمان جهانی بهداشت در عراق و وزارت بهداشتی عراق تحقیقات خود را پیش برده اند. بنابر آن، ۱۵۱۰۰۰ افراد غیر نظامی در ۳ سال اول جنگ (از آوریل ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۶) کشته شده اند، یعنی روزی ۱۲۰ نفر، دو برابر تعداد کشته شدگان در دو سال آخر رژیم صدام. سازمان جهانی بهداشت رقمی بین ۱۰۴۰۰۰ و ۲۳۰۰۰۰ نفر را ارائه می دهد. کمترین برآورد دو برابر برآورد «گروه بادی کانت عراق» است که کشته های سه سال اول جنگ را ۴۷۰۰۰ نفر برآورد کرده است. ژرژ بوش رقم ۳۰۰۰۰ کشته را داده بود. مجله معتبر و معروف « لانست » تحقیقی در اکتبر ۲۰۰۶ چاپ رساند که طبق آن، تا ژوئن ۲۰۰۶، ۶۰۰۰۰۰ عراقی جان خود را بصورت خشونت آمیز از دست داده اند. رقمی سرسام آور، یعنی ۲.۵ درصد جمعیت یا ۵۰۰ کشته در روز از روز اول جنگ. آخرین تحقیق را موسسه سنجش افکار انگلیسی Opinion Research Business در تابستان ۲۰۰۷، بعمل آورده است و بالا بودن میزان کشته شدگان را تصدیق می کند. حتی بر این نظراس که کشته ها بیشتر از این رقمهاست. طبق برآورد این موسسه، ۱۶ درصد عراقیان که از آنها سؤال بعمل آمده، گفته اند که یکی از نزدیکان خود را از سال ۲۰۰۳ بصورت خشونت آمیز از دست داده اند. ۵ درصد عراقیان نیز دو نفر از وابستگان خود را از دست داده اند. بدین ترتیب یک میلیون غیر نظامی از ۲۶ میلیون جمعیت عراق جان خود را در این چهل سال از دست داده اند.

۵ سال جنگ در عراق، ایران را تقویت کرد :

روزنامه Ouest France (۲۱ مارس ۲۰۰۸) مصاحبه ای با اولیویه روا کارشناس مسائل منطقه بعمل آورده است. پرسشها و پاسخهای گویا عبارتند از:

* روز چهارشنبه ۱۹ مارس، جورج بوش پنجمین سال جنگ با عراق را جشن گرفت و آن را پیروزی استراتژیک عظیم خواند، او از کدام پیروزی دم می زد؟

• اولیویه روا : بوش سه دلیل برای جنگ با عراق آورده بود : ۱ - آزاد کردن مردم عراق از رژیم صدام حسین و ۲ - از بین بردن اسلحه کشتار جمعی عراق و ۳ - قطع حمایت این رژیم از تروریسم بین المللی. دلایلهای دوم و سوم دروغ از کار درآمدند. دلیل اولی تنها یک دست آویز نبود. در حقیقت، محافظه کاران جدید که اطراف بوش را گرفته بودند اینطور حساب کرده بودند که با استقرار دموکراسی در عراق، الگوئی خواهد



تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

توزیع درآمد نفت را به نظم و قاعده بخشید. بر سر شهرهای چند قومی مثل موصل و کرکوک و... می باید توافقی انجام گیرد. با توجه به این واقعیتها، زودتر از ۵ سال، تخلیه عراق واقع بینانه نیست.

* جنگ با تروریسم موجب تشدید تنش ها با غزه و لبنان و سوریه و ایران و افغانستان شده است. چگونه بتوان از بند این تنشها رها شد؟

• القاعده مسئله اصلی نیست. مسئله اصلی و لبنان و عراق و نفت هستند... این مسئله قابل حل نیستند مگر این که امریکا با ایران طرف برابر خود بنگرد. تا زمانی که ایران اجرای برنامه اتمی خود را متوقف نکند، غریبه نمی پذیرند بدین چشم در ایران بنگرند. اما ایران آن را متوقف نخواهد کرد. زیرا می داند غرب در موقعیتی نیست که با ایران وارد جنگ شود. بنا بر این، روش دیگری باید برگزید و این امر بدان نیاز دارد که در امریکا حکومت روشن بینی بر سر کار آید.

کارنامه جنگ بوش و حکومت او با عراق

◀ در ۱۹ مارس ۲۰۰۸، بمناسبت پنجمین سال روز تجاوز قوای امریکا به عراق، آکسائدر هوب شفر، استاد دانشگاه و سیاست شناس و متخصص سیاست خارجی امریکا و نویسنده کتاب «هاملت در عراق Hamlet en Irak» در پاسخ به یک رشته پرسشها، کارنامه جنگ بوش و حکومت او را در عراق اینسان تشریح کرده است:

• چرا جنبش مقاومت عراقیها فرو نشسته است؟ زیرا حضور قوای امریکا و رفتار این قوا در عراق، برانگیزنده عراقیها به مقاومت مسلحانه است. ادامه عملیات انتحاری و احساس شدید عدم امنیت و بی عدالتی نزد عراقیها آنها را بر می انگیزد به سازمانهایی پیوندند که بکار عصیان مسلحانه هستند و یا خود دست به اقدام بر ضد قوای امریکا بزنند...

• موضع نامزدهای دموکرات و جمهوریخواه در باره عراق چیست؟ آیا می توان انتظار داشت بعد از پایان دوره ریاست جمهوری بوش، قوای امریکا عراق را تخلیه کنند؟ دو نامزد از حزب دموکرات، خانم کلبیتون و آقای اوباما، موضع مشخصی ندارند. گرچه موضع آنها با موضع مک کین فرق می کند. آن دو خواهان تخلیه عراق هستند اما تاریخی برای آن معین نمی کنند.

• شما با مقامات سیاسی و نظامی امریکا مرتب در تماس هستید آیا به اشتباه خود پی برده اند؟ البته. بخصوص فرماندهان نظامی به اشتباه ها معتقدند. استعفا در سالار فالون، تازه ترین علامت بازشناسی اشتباه ها است. دو اشتباه بزرگ و اول که در روزهای اول روی داد، انحلال ارتش و بعث زدائی بود. سیاست کنونی امریکا مجموعه ای از تدابیر برای جبران این دو اشتباه است.

• ساهاست که سیاست امریکا بر ارزیابی واقعیت بنا نمی شود. بر مجاز، «دنیایی دیگر» که امریکا باید بسازد، بنا می شود. نظر شما در این باره چیست؟

بنظر من، به همان اندازه که تدابیر برای استقرار امنیت و ثبات سیاسی و بازسازی اقتصادی به نتیجه نمی رسند، «پیروزی» به رویدادهایی بستگی پیدا

می کند که سمبلیک هستند. برای مثال، امریکا از پیش بردن تحول سیاسی به ترتیبی که زندگی مردم عراق را بسامان آورد، ناتوان گشته است. از این رو، «نماد» ها (تاریخ های تحویل اداره کشور به عراقیها و ارزشهای دموکراتیک بجای خود خود در عراق بکار می برد.

• اینطور می نماید که بازسازی عراق پیشرفت ندارد و در این ۵ سال، شرایط زندگی عراقیها بهبود نمی یابند. پول نفت کجا می رود؟ آیا با وجود جنگ، بازسازی ممکن است؟

۵ سال بعد از مداخله نظامی امریکا در عراق، با وجود این که دولت عراق چندین میلیارد دلار مازاد دارد، نمی داند چگونه پول نفت را به مصرف برساند. و این بخاطر خشونتی که عراق در کام گرفته است. جز در منطقه کردستان عراق بازسازی ممکن نیست.

اداره حسابداری دولت امریکا که بر دخل و خرج دولت عراق نظارت می کند، در آغاز ژانویه ۲۰۰۸، خاطر نشان می کند که عراق از بودجه بازسازی سال ۲۰۰۷، در ماه اوت تنها ۴/۴ درصد آن را توانسته است خرج کند.

امنیت پیش شرط سرمایه گذاری در رشد است و وجود ندارد.

• شما در کتاب خود بی سمت و سو بودن سیاست امریکا در عراق را توضیح داده اید. آیا امریکاییها می توانند به سیاست خود سمت و سویی بدهند؟

بنظر من بسیار مشکل است امریکاییها بتوانند جهتی را که گم کرده اند باز یابند. بازسازی سمت و سو در عراق بعد از صدام، بدون شک، کاری بغایت مشکل است. بغایت برنج است. بغایت ظریف است. چه جهتی باید با نهادهای جدید عراق باید داد؟

انتخابات چه معنی می دهد؟ فدرالیسم در کشوری که ۳۵ سال تحت دیکتاتوری حزب بعث بوده است، چه معنی و محتوایی باید داشته باشد. عزم حکومت امریکا بر عمل بر طبق زمان بندی صوری که بدون توجه به توانایی ها و مشروعیت نهادهای جدید عراق، تنظیم کرده است البته موجب سمت و سو بخشیدن به سیاست امریکا و تحول عراق نکشت.

• آیا فکر می کنید مک کین در انتخابات ریاست جمهوری، به یمن موضوع در باره عراق، پیروز شود؟ غیر محتمل نیست. چرا که مک کین در نظر بسیاری از امریکاییها مردی قوی و شجاع است که در جنگی با سخت ترین شرایط و بسیار رنج آور، شرکت کرده است. بنا بر این، رئیس جمهور آینده ای بنظرشان می رسد که می تواند از پس وضعیت در عراق و افغانستان بر آید.

• امروز دیک چنی و بوش می گویند مداخله نظامی امریکا در عراق موفقیت آمیز بوده است، نظر شما چیست؟ فاصله میان دم زدن حکومت بوش از پیروزی با واقعیت، مشخصه رفتار این حکومت در طول ۵ سال جنگ با عراق است. پیروزی مجازی پوششی است برای پوشاندن مشکلات واقعی که ارتش امریکا برای برقرار کرده حداقل امنیت با آن روبرو است.

• آیا راست است که حکومت امریکا گذاشت ترورهای ۱۱ سپتامبر روی دهند تا که جنگ با عراق را توجیه کند؟

من فکر می کنم که ترورهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دست آویز شدند برای توجیه مداخله نظامی امریکا در عراق. امریکاییها این کار را با ایجاد رابطه میان صدام حسین و القاعده کردند بدون این که مدرکی داشته باشند. محافظه کاران جدید که در دوران اول ریاست جمهوری بوش دور و بر او بودند، ترورهای ۱۱ سپتامبر را «یک فرصت تاریخی» تلقی کردند برای گذار از یک قدرت جهان که کارش واکنش نشان دادنهایی ناموفق است (سومالی، بوسنی و...) به یک قدرت جهانی اراده گرای فعال با رسالت ایجاد نظم جهانی نو.

• بنا بر نظر امانوئل تود امریکا به عراق اعلان جنگ داد تا به بقیه دنیا بگوید اگر حساب کار خود را نکنند، سر و کارشان با قدرت امریکا است. آیا می توان گفت بحران مالی و احتمالا اقتصادی که بسا امریکا را به خود گرفتار و ضعیف کند، این نظر را تأیید می کند: من هنوز بزرگ هستم، قدرت من را تماشا کنید... الا این که نمایش قدرت ناکام شد؟

کاملاً. پرسش شما بسی غنی است و رجوع شما به نظریه امانوئل تود بجا است. استراتژی حکومت امریکا منصرف کردن مردم امریکا از مسائل داخلی با اتخاذ سیاست خارجی «سخت فعال» و ایدئولوژیک است بقصد برگرداندن توجه افکار عمومی از مسائل داخلی است. تکرار مداوم این قول، «امریکا با تروریسم بین المللی در جنگ است»، روشی است برای تداوم بخشیدن به حمایت مردم امریکا از جنگ در عراق و افغانستان.

◀ از ۲۴ مارس بدین سو، در شهرک صدر و بصره جنگ شدید میان جیش المهدی و قوای امریکا و ارتش عراقی تحت تعلیم امریکا در گرفته است. ژنرالهای امریکایی می گویند دست ایران است که از آستین مقتدی صدر و جیش المهدی او بیرون آمده است. این بار، عراقی نیز همین ادعا را می کنند. برخی از کارشناسان امریکایی برآند که جنگ با شیعه ها اعلان شکست استراتژی ژنرال پترائوس است.

و آیه الله سیستانی، برغم آتش خشونت که عراق در آن می سوزد، به آینده عراق خوش بین است.

انقلاب اسلامی: سیاست شناس فرانسوی از دو جنبه و جنبه های بسیار مهم سیاست حکومت بوش، غفلت کرده است: پوشاندن انحطاط امریکا بمثابه تنها ابر قدرت از دید جهانیان و اتخاذ سیاست تجزیه کشورها بقصد طولانی تر کردن سلطه خویش و استفاده از عامل ترس از تروریسم بین المللی و «اسلام خشونت گرا» برای ادامه نظام سیاسی - اجتماعی و بر قدرت ماندن حزب جمهوریخواه، بخصوص بنیادگرایهای امریکایی.

وجود رژیم چونی ملاتاریا و حزب سیاسی مسلحی که سپاه پاسداران است، کار را بر بنیادگرایهای امریکایی بسی آسان می کند:

حزب سیاسی مسلح - ۲

*مرحله «سازندگی»

بعد از پایان جنگ و وارد شدن به دوران سازندگی و دریافت مجوزهای مخصوص، پاسداران دولت را وادار به دادن امتیازات بسیاری نمودند و توانستند اکثر مدیریت ها را در بسیاری از سازمانها و مؤسسات و نهادها و ادارات و... در اختیار خود بگیرند. امروز، بخش بزرگی از اقتصاد کشور در قبضه سپاه است.

انقلاب اسلامی: پیش از این، نقش سپاه در اقتصاد کشور را از نظر خوانندگان گذرانده ایم. دورتر، باز به نقش سپاه در اقتصاد پرداخته شده است.

*کارشکنی در حکومت خاتمی

گردانندگان سپاه بعد از اینکه نتوانستند در انتخابات دوم خرداد به پیروزی دست یابند بحران سازی و کارشکنی در امور را شروع کردند از جمله:

- دخالت در ترورهای داخلی.
- دخالت در برهم زدن اجتماعات.
- دخالت در سرکوب زنان - معلمان - کارگران و دانشجویان.
- دخالت در سرکوب دختران و پسران به دلیل پوشش آنها.
- دخالت در امور اقتصادی و اجبار به بستن شرکتها.
- دخالت در حمله به مجالس سخنرانی نمایندگان و
- حمله به وزرای حکومت.
- حمله به دفاتر نشریات و کتابفروشی ها.
- جلوگیری از افتتاح فرودگاه «امام خمینی»
- دستگیری و شکنجه شخصیتهای سیاسی
- بحران سازیها
- نامه تهدید آمیز به خاتمی
- ایلغار خونین ۱۸ تیر و گرفتن اجازه سرکوب از خامنه ای
- و...

* در حکومت دوران احمدی نژاد

با بر سر کار آمدن احمدی نژاد، دخالت گردانندگان سپاه و ایجاد کنندگان مافیاهای نظامی - مالی به صورت علنی گسترش یافت تا جایی که علنا اعلام کردند که سپاه و بسیج می توانند در کارهای سیاسی دخالت کنند. بعد به دخالت در انتخابات پرداختند. بخصوص از دوره خاتمی، در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها و مجلس بود، دخالتهای سپاه وسیع شد و از پرده بیرون افتاد.

در این دوره، آنها با استفاده از کلیه رانت های موجود کلیه مناصب و مسئولیت های مهم سیاسی - فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی را برای خود در اختیار گرفتند که به آنها اشاره خواهد شد.

* خمینی و ورود نیروهای نظامی در سیاست

نخست خمینی بود که در ۶ خرداد ۱۳۶۰ گفت اگر ملت موافقت کند من مخالفت می کنم. در همان سخنان، او تهدید کرد که در دوران شاه نیروی مسلح نداشتیم حالا داریم. با آنکه دخالت سپاه و دیگر نیروهای مسلح را در سیاست ممنوع کرده بود، در کودتای خرداد ۱۳۶۰، سپاه را بکار برد. از آن پس، یکی از هدفهای طولانی کردن جنگ، بزرگ کردن سپاه و تبدیل آن به ارتش اول و اصلی بود. با اینهمه، تا خمینی زنده بود، مراقب بود که سپاه بطور علنی در سیاست دخالت نکند. ولی از زمان بر سر کار آمدن خامنه ای، به دلیل محروم بودن از موقعیت خمینی، مجبور به استفاده از این سپاه در همه ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و حتی ورزشی شد.

با گذشت زمان، سپاه پاسداران و بسیج های تحت نظر این نیرو به کمک نیروهای اطلاعاتی و حراستی و امنیتی به عنوان پایه های نگهدارنده ولایت استبداد مورد استفاده یا سوء استفاده قرار گرفتند. هر چه زمان از دوران مرجع انقلاب، دور تر می شد و مردم متوجه خیانت رژیم ولایت مطلقه فقیه می شدند و از آن دور تر می شدند، ولی فقیه مطلقه برای اینکه بتواند بر بحران مشروعیت خود فایز شود، نیازمندی به نیروهای سرکوبگر و نظامی را بیشتر حس می کرد. تا جایی که در این اواخر به طور علنی از آنها خواست وارد قلمرو سیاسی شوند و کار حذف یکی از قدرتمندترین بخش های نظام خود را فراهم آورد.

با بر سر کار آمدن دولت «اصولگرای» احمدی نژاد، ولی فقیه که فکر میکرد که با یک دست کردن مجلس و دولت و قوه قضاییه دیگر مشکلی برای ادامه حاکمیت خود ندارد، به دلیل عملکرد ناپسندانه سران رژیم، روز به روز، شاهد ریزش نیروهای هوادار خود می شد تا جایی که این ریزش طیف اصلی حامی رژیم را نیز دربر گرفت. اینک حتی هاشمی رفسنجانی و فلاحیان و کروی و خاتمی و حسن خمینی و توسلی و موسوی تبریزی و... را نیز مخالفان خود می بیند و برای اینکه بتواند اینان و هوادارانشان را نیز از گردونه خارج سازد، مجبور به استفاده تمام عیار از نیروهای نظامی سرکوبگر خود که برای چنین روزهایی آماده کرده، شده است.

نظر خمینی در مورد ورود نظامیان به سیاست در وصیت نامه... اینست: «وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبههها است به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگه دارند. در این صورت می توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند. و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند. و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است،

در صفحه ۱۱



دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و مبنی آنان است که اگر قوای مسلح، چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد، برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که بی‌اشکال به تباهی کشیده می‌شوند - و با در بازبهای سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند. و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد.»

• خمینی در پیام ۲۹ فروردین ۱۳۶۱ خطاب به تمامی نیروهای نظامی می‌گوید:

«... از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن بی‌روی کنند و اغماض از آن به هیچ‌وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام، آن است که هیچ‌یک از افراد نیروهای مسلح، چه رده‌های بالا یا پایین در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هر چند آن حزب و گروه صدر صد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند. و هر کس در یک حزب و گروه وارد شد باید از ارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود. و فرماندهان و مسئولان موظف هستند که هر کس در یکی از احزاب یا گروههای سیاسی یا دینی وارد شد به او تذکر دهند که از حزب و یا گروهها و یا سازمان خارج شود، و اگر تخلف کرد او را از ارتش یا دیگر قوای مسلح اخراج کنند، و همه افراد موظف‌اند چنین اشخاصی را به فرماندهان معرفی نمایند. و باید توجه داشته باشند که ورود قوای مسلح در احزاب و گروهها و سازمانها، پایه قوای مسلح را متزلزل خواهد کرد و غفلت از این امر موجب بیگرد خواهد بود.»

در اینجا برای روشن شدن میزان اعتقاد به خمینی نظرات سردار سرلشکر دکتر محمد جعفری و حجت الاسلام اوریم:

• نظر سردار سرلشکر دکتر محمد علی جعفری درمورد حضور نظامیان در سیاست:

خبرگزاری ایسنا، در حاشیه دومین دوره طرح ولایت اساتید جامعه یزشکی در مشهد، در جمع خبرنگاران و در رابطه با راه‌های بسیج برای حفظ وحدت اصولگرایان، سرلشکر جعفری گفت:

«... این که بسیج چگونه این کار را انجام دهد، دارای ظرافت‌های بسیاری است. بسیج باید با توصیه و تذکر در این رابطه تمام تلاش خود را انجام بدهد. هر کس خلاف مسیر اصولگرایی حرکت کند یا وحدت میان اصولگرایان را از میان بردارد، باید طرد شود.»

... بسیج اگر حضور در صحنه انتخابات را یک تکلیف انقلابی برای خود بدانند، باید تلاش کند تا حضور مردم را هرچه بیشتر پای صندوق‌های اخذ رای یورنگ کند و در این صورت است که می‌تواند نقش موثری در انتخابات ایفا کند.

... بسیج چون یک نیروی انقلابی است، اصولگرایی راه و مشی اولیه بسیجیان است، در نتیجه می‌تواند دیگران را در انتخاب اصلح راهنمایی کند. برای تداوم راه انقلاب اسلامی، حمایت از جریان اصولگرایی ضرورتی قطعی، اجتناب‌ناپذیر و تکلیف الهی نیروهای انقلابی و ارزشی کشور به شمار می‌آید.

• سردار در بخش دیگری و در یک جلسه دیگر گفته است:

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

خبرگزاری ایسنا - سرلشکر جعفری طی سخنانی در همایش « دانشجو، انتخابات، مشارکت حداکثری و اتحاد ملی» با حضور مسوولان بسیج دانشجویی یک صد دانشگاه کشور و مسوولان فرهنگی و سیاسی این تشکل در دانشگاه تربیت معلم تهران، گفت ... بسیج به عنوان بخشی از جامعه باید بداند که در رابطه با انتخابات چه طور کار و حرکت کند.

... امروز مرزبندی‌های سیاسی گذشته به هم ریخته است. به گونه‌ای که در هر مقطع از انتخابات شاهد تغییر و تحولات عمده‌ای در کشور هستیم. زمانی صحبت از جیب و راست، زمانی دیگر صحبت از جبهه ارزشی و غیرارزشی بوده و امروز می‌بینیم این تقسیم‌بندی، تقسیم‌بندی کامل‌تری {است} و به جریانی به نام جریان اصول‌گرایی رسیده است که به نوعی می‌توان گفت انقلابی در انقلاب، توسط مردم و بسیجی‌ها بود.

... باید از این جریان مراقبت و آن را کامل و ضعیف‌ها را برطرف کنیم. جریان اصول‌گرایی بعد از گذشت ۲۵ سال از انقلاب دوباره زنده شده است و اکنون در حاکمیت دو قوه از سه قوه کشور قرار گرفته؛ البته قوه قضاییه حسابش جداست و ان‌شاءالله همین اصول‌گرایی را دنبال کند.

... امروز در قوه مجریه و مقننه جریان اصول‌گرایی حاکم است. از این رو اگر بسیج می‌خواهد در این رابطه کاری کند، ابتدا باید از این جریان مراقبت و در حفظ، توسعه و پیشرفت آن و برطرف کردن نقاط ضعفش تلاش کند.

... از آفت‌های جریان اصول‌گرایی بی‌توجهی به بحث‌های مدیریتی و هماهنگی و اختلاف نظرها است. البته این اختلاف‌نظرها طبیعی است و همانطور که امام (ره) می‌فرمودند اختلاف نظرها رحمت و نعمت است و مطمئناً این اختلاف عقیده‌ها نیز چنین است. بنابراین همه باید در جهت یویایی این جریان حرکت کنیم ... امروز شاهد وحدت تشکیلاتی در بین جریان اصول‌گرا هستیم و با وجود این که نتایج کارهای این جریان مشخص است اما این جریان آسیب‌پذیری نیز دارد که باید از آن مراقبت و حمایت کنیم. از این رو با توجه به مشکلات موجود وظیفه قشر جوان و دانشجو این است که به این جریان توجه کنند. البته در بین اقشار مختلف بسیج قشر دانشجو تکلیف خاصی بر دوش دارد و می‌تواند جنبه‌های راهبردی این جریان را تبیین کند.

... تا کنون وحدت بین جریان اصول‌گرایی که مساله استراتژیک و مهم این جریان نیز به شمار می‌آید، حفظ شده است و باید تلاش کنیم که این وحدت هم چنان حفظ شود و هر جریانی از بسیج باید در این راه تلاش کند. جریانی که مقابل جریان اصول‌گرایی قرار دارد اکنون برای شما خیلی شفاف‌تر از گذشته است. اما این موضوع برای اقشار دیگر به این روشنی نیست. از این رو امیدواریم خداوند متعال کمک کند که به وظیفه انقلابی و بسیجی خود عمل کنیم.

اسلام در دو مقطع، با حکومت اسلامی مواجه بود: یکی از این مقاطع صدر اسلام بود که بلافاصله بعد از رحلت پیامبر به انحراف کشیده شد و به

مرور زمان به پادشاهی تبدیل شد و اسم و رسمی از حکومت اسلامی باقی نماند. یکی دیگر از این دوران که با مجاهدت امام(ره) و مردم شکل گرفت، انقلاب اسلامی ایران است که دوباره حکومت اسلامی که آرزوی پیامبر و ائمه بود و به قول امام(ره) همه ائمه به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بودند، شکل گرفت و امروز این حکومت به دست شما عزیزان رسیده است.

جعفری با تاکید بر این که امروز به نظر می‌رسد مرحله تثبیت انقلاب اسلامی را در داخل کشور پشت سر گذاشته‌ایم، گفت: در مقطعی هفت هشت ساله شاهد تلاش‌های بسیاری برای توقف انقلاب و انحراف آن در داخل، در عمل و سخن بودیم. ولی با اتفاق رخ داده در سه چهار سال اخیر و تغییر رویکرد مردم نسبت به جریان انقلاب، اهداف و اندیشه‌های آن، باعث شد که تثبیت انقلاب در داخل، ناامیدی دشمنان انقلاب را در داخل رقم زند. البته نمی‌توان از ناامیدی کامل آن‌ها با اطمینان سخن گفت.»

• سید احمد علم الهدی امام جمعه مشهد و از یاران مصباح یزدی در مورد سخنان خمینی در مورد دوری نظامیان از انتخابات اینگونه می‌گوید و امام را دشمن می‌گرداند:

«... معنای این که بسیج در سیاست دخالت نکند، این است که بسیج سکولار و بی‌دین شود، در صورتی که همه محور بسیج دین، ایمان و اعتقاد به خداست. امام رحمة الله علیه هیچ‌گاه چنین چیزی نفرمودند و شما حواستان جمع باشد که مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرید ... سپاه در همه صحنه‌های سیاسی بسیج حضور دارد و باید حضور داشته باشد و من از فرماندهان می‌خواهم که در جلسات مقابل این شایعه‌ها مقاومت کنند ... در زمان انتخابات مجلس دوم یا سوم بود که امام رحمة الله علیه فرمودند نیروهای نظامی اعمال نفوذ نکنند. یعنی مردم را به زور وادار نکنند که به چه کسی رای بدهند، چرا که خلاف انتخابات آزاد است و از اول انقلاب تا به امروز الحمدلله این کار صورت نگرفته است... اولین بسیجی و فرمانده بسیج در تاریخ اسلام امام رضا علیه‌السلام است. چرا که در حقیقت ایشان در برابر جریان استکباری و غاصب مامون به عنوان اولین امام و رهبر مانور بسیج را به منصف ظهور گذاشتند. ما سابقه بسیج را از امام رضا علیه‌السلام داریم و این که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه فرمان ارتش ۲۰ میلیونی می‌دهند، یک نقطه تجربه شده در زندگی سیاسی حضرت رضا علیه‌السلام بود... امروز پس از ۲۹ سال دشمن به این نتیجه رسیده است که از بیرون نمی‌تواند انقلاب را بین ببرد، چرا که در جنگ ۸ ساله این مساله را تجربه کرد. جنگ، انقلاب را بیمه و نظام را تثبیت کرد. چرا که قبل از جنگ انقلاب ما مثل آب لرزان بود و جریانات مختلف فکری مانند مارکسیست‌های ملحد، منافق‌های مشرک و فرصت‌طلبانی که ماسک دین زده بودند، اما دستشان در دست آمریکا بود از نظام اسلامی سهم‌خواهی می‌کردند.

۸ سال جنگ و خون شهدا معلوم کرد که انقلاب باید دست چه کسی باشد و

امروز کار به جایی رسیده است که مردم حاضر نمی‌شوند یک فرد کمتر از حزب‌اللهی ذوب شده در ولایت را قبول کنند.

جنگ عملیات روانی دشمن این گونه است که به مقاومت شما حرکت ضد دموکراتیک، ضد آزادی، خشن و چماق‌داری اطلاق می‌کنند و شما باید حواستان جمع باشد، ... سوژه این عملیات روانی قرار نگیرید، چرا که آن چیزی که برای شماست خشونت نیست، بلکه مقاومت است، یعنی نیروی مقاومتی که هیچ‌چیزی نمی‌تواند تکانش بدهد.»

* چرا و چگونه سپاه وارد سیاست داخلی و خارجی کشور شد:

گنجی در مطلبی اشاره ای ناقص به این موضوع دارد. وی می‌نویسد: «... آقای خمینی به شدت مخالف دخالت نظامیان (یعنی سپاه) در امور سیاسی بود و لذا در موارد عدیده مخالفت علنی خود را به شدت تمام اعلام داشت.

به این دلایل

- آقای خمینی یکی از مراجع مسلم تقلید بود، این امر یایگاه مهمی در حوزه های دینی و توده های دیندار برای وی فراهم می‌آورد.

- آقای خمینی رهبر انقلاب و شخصیتی کاریزماتیک بود.

- او برای زمامداری سیاسی به ورود نظامیان به عرصه ی سیاست و اقتصاد نیازی نداشت.

اما آقای خامنه ای فاقد همه ی اینها بود.

- حتی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم حاضر نبود وی را به عنوان یکی از مراجع تقلید به مردم معرفی کند.

- سپاه پاسداران پس از محاصره اجلاس جامعه ی مدرسین موفق به دریافت گواهی مرجعیت آقای خامنه ای از آنان شد.

- آقای خامنه ای نه رهبر انقلاب بود، و نه شخصیتی کاریزماتیک دارد. از این رو، استفاده از نظامیان، برای یک رهبر غیر دموکراتیک، تنها راه پیش روست.

- آقای خامنه ای از ابتدا به کارهای نظامی - امنیتی علاقه داشت. وقتی دکتر چمران در کابینه بازرگان وزیر دفاع شد، او هم زمان معاون وزیر دفاع و نماینده ی آقای خمینی در وزارت دفاع بود.

- در ستاد مشترک ارتش مستقر شد. ری شهری را به عنوان رئیس دادگاه ارتش معرفی کرد.

- در جریان کودتای نوژه از نزدیک مسائل را تعقیب می‌کرد.

- آقای خامنه ای در مقام ریاست جمهوری، با این استدلال که برای رئیس جمهور چیزی باقی نمانده، می‌گفت سازمان اطلاعاتی نظام باید زیر نظر رئیس جمهور باشد.

- وقتی به عنوان رهبر از سوی مجلس خبرگان انتخاب شد، در اولین دیدار اعضای هیأت دولت با وی، "نظریه رعب" خود را با آنها در میان می‌گذازد. براساس تلقی آقای خامنه ای از قرآن و تاریخ اسلام، یک اقلیت فداکار با ارباب و ترور توانست اکثریت خاموش را دور خود گرد آورد و بر آنها حکومت کند. آقای خامنه ای به اعضای کابینه ی مهندس موسوی گفت: "حکومت باید متکی بر

یک جمع فداکار باشد. اکثریت مردم در حکومت خاموشند. یک جمع فداکار می‌تواند از طریق ایجاد رعب حکومت را پایدار نگاه دارد."

- آقای خامنه ای رفته رفته پای سپاهیان را به سیاست و اقتصاد ایران گشود و هر چه زمان پیش رفت، این حضور و دخالت بیشتر و پررنگ تر شد.

انتصاب سپاهیان به ریاست صدا و سیما یکی از مصادیق این پروژه بود. هریک از فرماندهان نظامی که بخواهد در یک پست سیاسی مشغول به کار شود، باید اجازه ی رهبر جلب شود.

- در هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، تعداد بیشتری از نظامیان به مجلس راه یافتند

- پس از آنها در انتخابات شوراهای شهر تعداد دیگری از آنها وارد شوراهای شهر شدند.

- در حوزه ی اقتصاد، از آغاز زمامداری خامنه ای، نه تنها امتیازهای بسیاری به نظامیان داده شد، بلکه رفته رفته پروژه های اقتصادی کلان به سپاه واگذر شد.

- در انتخابات دوم خرداد ۷۶ ذوالقدر به طور جدی برای پیروزی ناطق نوری فعالیت می‌کرد.

- دخالت فرماندهان سپاه و بسیج در مسائل سیاسی، برای نابودی اصلاحات، در دوران اصلاحات افزایش یافت.

... حضور اینان در عرصه ی سیاسی در سه دوره ریاست جمهوری گذشته است. در اینجا به برخی از موارد گسترش حضور نظامیان در عرصه ی سیاست و اقتصاد در دوره ی احمدی نژاد اشاره خواهد شد:

- در دوره ی احمدی نژاد بودجه ی نظامی ایران، نسبت به دوره ی خاتمی، دو برابر شد.

- تعداد افراد نظامی حاضر در مجلس، کابینه، استانداران، معاونین وزرا، شهرداری ها و شورا های شهر بسیار رشد کرده است. بیشتر نیروهای معرفی شده توسط احمدی نژاد دارای سوابق نظامی، اطلاعاتی و دادستانی هستند.

- حضور نهادهای نظامی در فعالیت های اقتصادی افزایش چشمگیر پیدا کرده و رسمیت یافته است.

- واگذاری قراردادهای نفتی به سپاه پاسداران، یک نمونه از این گونه فعالیتهاست.

- نمونه ی دیگر، " حل و فصل" اختلافاتی است که در مورد فعالیت های غیر قانونی این نهادها وجود داشته و به آنها جنبه ی رسمی و قانونی بخشیده است. کل نوار شمال تهران در ارتفاعات البرز در دهه های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به زیر شهرک های مسکونی، آپارتمان سازی و غیره رفت. سازنده ی تمام این پروژه ها نیروهای نظامی و انتظامی (سپاه، ارتش، نیروی نظامی) بوده اند. شهرداری ها تادوره ی احمدی نژاد از صدور پایان کار ساختمانی به این ساخت و سازها خود داری کردند و این امر امکان رسمیت یافتن و دریافت سند قانونی برای این واحدها را ناممکن می‌کرد. در دوره ی احمدی نژاد شهرداری برای تمام این واحد ها پایان کار صادر کرد و در برابر آن، از ماشین آلات این نهادها در پروژه های شهرداری ها استفاده کرد. دریافت "پایان کار" و رسمیت یافتن این تأسیسات ارزش آنها را به شدت بالا برد، آنها را از خدمات کامل شهری و حمل و نقل بهر مند ساخت و باعث جا به جا شدن مقادیر عظیم سرمایه شد.



دستیابی بیشتر این نهادها به اعتبارات بانکی و وام های ارزان. یکی از مشکلات نظام بانکی "بدهی های معوقه" است. بخش بزرگی از مشتریان بد حساب و دارای "بدهی معوقه" شرکت های اقماری نهادهای نظامی و انتظامی و امنیتی هستند. آخرین مورد ثروتمند کردن نظامیان، "طرح تشکیل سازمان بسیج سازندگی" جدیدترین مصوبه ی مجلس است که پروژه های اقتصادی را به بسیج واگذار کرد. این طرح به شدت تبعیض آمیز، دستگاه بوروکراسی دولت را بزرگتر و بخش خصوصی را متفی می سازد [۱۹].

در نوشته گنجی برخی از مسائل که توضیح داده اند درست است و در خور تشکر و سپاس. اما باید بر آن افزود دخالت های سپاه پاسداران و نیروهای بسیج قبل از این دوره هایی است که او ذکر کرده است.

قطعا هم او و هم دیگر خوانندگان عزیز می دانند که سپاه قبل از آمدن خامنه ای بر سر کار در مقام رهبری نیز در بسیاری از برنامه ها دخیل بوده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در تصرف سفارت امریکا.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در انقلاب فرهنگی.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در سرکوب مردم قبل از کودتای سال ۶۰.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در انجام کودتای سال ۶۰ تحت رهبری خمینی و سران حزب جمهوری اسلامی.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در دستگیری و اعدام جوانان وطن در سالهای بعد از ۶۰ و در کشتار سال ۶۷ در ندانهای کشور.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در خرید و فروش های نظامی و غیر نظامی در دوران جنگ.

- دخالت نیروهای سپاه در سرکوب مردم به دلیل پوشش آنها.

- دخالت نیروهای سپاه در حمله به کتابفروشی ها و نشریات و سینماها.

- دخالت نیروهای سپاه در حمله به اجتماعات مردمی و سخنرانی ها.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در ساخت و تشکیل اسکله و بنادر غیر مجاز.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در واردات کالاهای اساسی.

- دخالت نیروهای سپاه و بسیج در توزیع کالاهای اساسی.

- دخالت نیروهای سپاه پاسداران در سرکوب دانشجویان - معلمان - کارگران - زنان و ...

- دخالت نیروهای سپاه در مراکز مختلف اعم از: صدا و سیما و وزارت ارشاد و وزارت کشور و واک و وزارت امور خارجه و وزارت آموزش عالی و وزارت اطلاعات و فن آوری و وزارت آموزش و پرورش و وزارت راه و ترابری و بنیاد مستضعفان و ستاد اموال امام و رهبری و ستاد امر به معروف و نهی از منکر و ستاد ائمه جمعه و جماعت و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سازمان فرهنگ و ارتباطات و سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان تربیت بدنی و اکثر فدراسیون ها و تیم های ورزشی و سازمان اوقاف و حج و زیارت و سازمان گمرکات سراسر کشور و راهنمایی و رانندگی کل کشور و قوه قضائیه (در کار دادگاههای انقلاب از اول و در کار بقیه دستگاه قضائی بخصوص از زمان حکومت خاتمی بدین سو).

تحریم، رأی به ولایت جمهور مردم شد:

مجلس میخواهد از منافع اقتصادی خود و فرماندهانش دفاع کند. -خطر نهادینه شدن دخالت سپاه در انتخابات و حضور در مجلس: دخالت سپاه در انتخابات و حضور فرماندهان در مجلس شورا، پیامدهای فوق العاده زیانباری برای کشور ما دارد. سپاه از این حضور بسود منافع اقتصادی خود بهره میگیرد. اگر دخالت سپاه در انتخابات و حضور در مجلس تداوم یابد، این امر به تدریج نهادینه شده و جزو ساختار سیاسی کشور ما خواهد شد. در چنین صورتی منفک کردن سپاه از انتخابات، مجلس و ساختار سیاسی کشور به امر فوق العاده دشواری تبدیل خواهد گشت. لذا از هم اکنون لازم است که به کار روشنگرانه دست زد و از نیروهای سیاسی درخواست نمود که خواست بازگشت فرماندهان سپاه به پادگانها و منحصر شدن فعالیت سپاه به امر نظامی را در شعارها و برنامه خود قرار دهند. آنچه مسلم است جای فرماندهان سپاه در مجلس و دولت نیست و قاچاق کالا، راه اندازی شرکتهای ساختمانی، تجاری و صنعتی در چارچوب وظایف سپاه نمی گنجد. جای فرماندهان نظامی در پادگانها است و وظیفه سپاه حفاظت از مرزهای کشور در مقابل تجاوز کشورهای دیگر است.

*سابقه دخالت سپاه در انتخابات و سیاست:

بر خلاف نظر خلیق، ما معتقدیم که سابقه دخالت سپاه در سیاست از همان ابتدای انقلاب بوده است: بعد از پیروزی بنی صدر در انتخابات ریاست جمهوری و شکست بسیار سنگین حزب جمهوری اسلامی ایران کلیه سران نظام ولایت برای اینکه بتوانند در مجلس شورای اسلامی با آوردن نمایندگان خود دست به مخالفت با بنی صدر بزنند از کلیه نیروهای خود تقاضا کردند که با ورود در انتخابات زمینه پیروزی افراد حزب جمهوری اسلامی را مهیا سازند.

در آن دوره حزب جمهوری اسلامی از کلیه نیروهای وابسته به خود و کلیه روحانیون و نیروهای نظامی و انتظامی و سپاهی و کلیه امکانات دولتی و کشور استفاده کرد تا مجلس را به گونه ای که خود می خواهد سازمان دهی کند.

- دخالت در تصرف سفارت امریکا - دخالت در انقلاب فرهنگی یادداشتهای سال ۶۰ هاشمی رفسنجانی (عبور از بحران) گزارش روز به روز نقش اطلاعات سپاه - که محسن رضائی سرپرست آن بود - و واحدهای سپاه که از جبهه جنگ به تهران منتقل کرده بودند، در کودتای خرداد ۶۰ هستند.

- به قول خلیق، دخالت آشکار آنان در انتخابات مجلس پنجم. بنا به دستور خامنه ای.

وی می نویسد: دخالت سپاه در انتخابات مجلس به مرحله دوم انتخابات مجلس پنجم برمیگردد. در آن دوره پیروزی نئی چند از کاندیداهای کارگزاران در انتخابات مرحله اول و راه یابی چند کاندیدای دیگر این جریان به مرحله دوم انتخابات، تکرانی

جدی خامنه ای را برانگیخت. خامنه ای بلافاصله وارد میدان شد و شروع به ناسزاگویی به لیبرالها نمود و از خطر افتادن مجلس بدست آنها سخن گفت. او به سپاه دستور داد که فعالانه در انتخابات شرکت کند و مانع ورود "لیبرالها" به مجلس گردد. بدنبال آن، فرمانده کل سپاه، فرمان عملیات سیاسی را در مراسم صبحگاه لشکر ۷ حضرت رسول صادر کرد و گفت: "ما در مرحله دوم باید به صحنه بیاییم و با رای خود نگذاریم لیبرالها و لو یک نفر اینها به مجلس بروند و بخواهند برای ملت و کشور مشکل درست کنند" (کیهان ۲۹ فروردین سال ۱۳۷۵). بعد از انتخابات "حزب الله" با صدور بیانیه ای اعلام کرد که: "ما با تمام قوا به صحنه آمدیم و جریان انتخابات را به مسیر صحیح هدایت کردیم." و فرمانده سپاه هم از اولین "عملیات سیاسی این نیروی پرافتخار که در کارنامه آن ثبت و حفظ شد" صحبت کرد.

رفته رفته دخالت آنان در کلیه امور نمایانتر می شد به گونه ای که اگر ملاحظه شود سپاه پاسداران در حال حاضر در بسیاری از انتخابات دخالت کرده است: دخالت در انتخابات ریاست جمهوری دور هشتم که مانع از دخالت آنان به نفع آقای ناطق نوری شدند. دخالت در مجلس هفتم. دخالت در انتخابات شورای شهر سوم و چهارم و دخالت در انتخاب ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد که بسیار وسیع بود

آقای ذوالقدر در این مورد می گوید: "انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در نوع خود بی نظیر بود و باید پیچیده عمل میشد و نیروی اصولگرا بحمدالله با طراحی درست و چند لایه توانستند در یک رقابت واقعی و تنگاتنگ، حمایت اکثریت مردم را به خدمتگزاری بیشتر و موثرتر به آنها جلب کنند" (روزنامه ایران ۱۸ تیر سال ۱۳۸۴).

* دخالت روباز و وسیع در انتخابات دوره هشتم:

این روزها دخالت وسیع و گسترده و بی پروای سپاه پاسداران، زیر عبای خامنه ای، کار را به جایی رسانده که حسین شریعتمداری سوپر راست نیز زبان به انتقاد گشوده است. البته نا گفته نماند که انتقاد وی به این دلیل است که بتواند جلوی اعتراضات دیگر را بگیرد در این مورد سخنان فیروز آبادی در مراسم صبحگاهی ستاد کل نیروهای مسلح در روز ۱۳ بهمن گویا است:

از ورود متحصنین و مرعوب شدگان امریکا به مجلس باید جلوگیری کرد: امریکا به عده ای مرعوب و فریفته غرب امید بسته است. آنها که نامه نوشتند تا با بوش سازند و به رهبری نوشتند با بوش بسازد و در مجلس تحصن کردند و در دانشگاهی که ۵۰ سال مظهر مبارزه با امریکاست و هنوز خون شهیدان مبارزه با استکبار در آن می جوشد نفوذ کردند و به نفع امریکا شعار دادند که ملت ایران باید اینها را بشناسند. مباد آنها که امریکا به آنان دل بسته بتوانند به کرسی های مجلس

شورای اسلامی دست یابند و باز آن کنند که کردند."

بخشی از سخنان جانشین فرمانده بسیج حسن طائب جانشین فرمانده بسیج در همان روز، ضمن اشاره به طرح موسوم به "بصیرت"، گفته است: "بسیج در جهت اجرای نقش محوری خود فعالیت هائی را با هدف حضور حداکثری و ارتقاء بصیرت سیاسی و معرفت دینی مردم و آحاد بسیجیان برای انتخاب اصلح را صورت می دهد." به گفته وی این اقدامات غیر از نقشی است که از سوی دولت "در زمینه کمک به تأمین امنیت انتخابات" بر عهده بسیج گذاشته شده است. بنا به اظهارات طائب این نهاد نظامی: "برنامه هائی برای تبیین فضای سیاسی جهان، منطقه و کشور و نقشی که انتخابات مجلس در تأمین اهداف انقلاب اسلامی و نظام دارد را دنبال خواهد کرد."

گویا تر از این سخنان، انتخابات رسوای مجلس هشتم است. بنا بر نتایج این «انتخابات» هم بر شمار یاسداری که «نماینده» شده اند و هم «اصول گرایی» که اکثریت بزرگ مجلس را صاحب شدند.

انقلاب اسلامی: تسلط این حزب بر اقتصاد کشور و شیوه رانت خوری که اتخاذ کرده است و وابستگی بودجه و اقتصاد دولت به درآمدهای نفت و قرضه های داخلی و خارجی، تورم مزمن و دیرپا و روز افزون ساخته و زندگی مردم ایران را سخت تر گردانده است:

افزایش سرسام آور قیمتها - رشد منفی اقتصاد و افزایش بیکاری و تورم ۴۰ درصد

گرانی فرآوردهای مورد مصرف روزانه و پوشاک و دارو و کرایه مسکن در واپسین روزهای سال ۱۳۸۶

گرانی در ایران روز مره شده است یعنی امروز کالایی به یک قیمت است در مغازه ای و روز دیگر قیمت آن بالا رفته است. فشار این گرانی طاقت قشرهای آسیب پذیر جامعه را طاق کرده است. در زیر قیمت های بعضی از اجناس را که در این دوره گران شده اند، می آوریم:

- گوشت قرمز از کیلوئی ۴۲۰۰۰ ریال به ۸۵۰۰۰ ریال افزایش یافته است. یعنی بیشتر از ۱۰۰ درصد.
- مرغ از کیلوئی ۱۲۰۰۰ ریال به ۲۴۰۰۰ ریال - ۱۰۰ درصد.
- انواع ماهی ۷۰ درصد افزایش قیمت.
- شیر از لیتری ۴۰۰۰ ریال به ۷۰۰۰ ریال، بیش از ۸۰ درصد افزایش قیمت.
- پنیر قالبی ۴۵۰ گرمی از ۸۵۰۰ ریال به ۱۴۵۰۰ ریال، بیش از ۷۰ درصد افزایش قیمت.
- سبزی از کیلوئی ۲۵۰۰ ریال به ۷۰۰۰ ریال، بیش از ۹۰ درصد افزایش قیمت.



تحریم رأی به ولایت جمهور مردم شد:

نوروز نیز رژیم از تجاوزها به حقوق انسان باز نمی دارد:

◀ در ۲۳ اسفند، نامه فرزند کماثر به دادستان سندج انتشار یافته است. فرزند کماثر معلم و فعال حقوق بشری به اعدام محکوم شده است. او در نامه خود که بر تکه ای از سفره غذا نوشته شده و به خارج از زندان آورده شده است، شکنجه شدن خویش را اینسان شرح کرده است:

«طبق کلبه قوانین کشور(آئین دادرسی، قانون نگهداری متهم در بازداشتگاههای امنیتی و...) و در راس آنان قانون اساسی (اصل ۳۸) هرگونه شکنجه و اذیت و آزار جسمی ممنوع میباشد اما متأسفانه هرچند پرونده اینجانب در تهران مرحله تحقیقات آن به پایان رسیده و اکنون در شعبه یک دادگاه انقلاب میباشد. اما در تاریخ ۸۶/۶/۲۷ (وروزهای بعد) مورد شکنجه، اذیت و آزار جسمی، اهانت، فحش های رکیک قرار گرفته به گونه ای که ساعتها بیهوش شده و روز بعد جهت مداوای فک و دندانهای آسیب دیده به خارج از بازداشتگاهها جهت مداوا منتقل شدم. هم اکنون نیز عفونت به فک زده و جهت مداوا باید تحت نظر جراح دندانپزشک یا جراح فک و صورت قرار گیرم. اما با وجودی که سلامتی به خطر افتاده کسی پاسخگو نیست. علت آن را هم دستور قاضی پرونده اعلام میکنند!! در حالیکه طبق قانون بازداشتگاه موظف به فراهم کردن امکانات مداوا و درمان متهمان خود میباشد. علی الخصوص مشکل من که مسبب آن رئیس بازداشتگاه می بوده است.»

◀ در ۲۳ اسفند ۸۶ اطلاعاتی بیشتر در مورد رضا زارعی، فرمانده نیروی انتظامی تهران، انتشار یافته است: وی در حین ارتکاب اعمال خلاف بازداشت شد. او خود بسیاری از مدارک مربوط به جرائمش را که به دست قاضی پرونده رسیده، خود در طول زمان به دست خویش فراهم آورده است!

فیلم برداری و ضبط صدا از صحنه های ارتکاب اعمال شنیع منافی عفت، از جمله این مدارک است که به حدود شصت ساعت می رسد. سوء استفاده از قدرت و موقعیت انتظامی برای هوسرانی های نامشروع معمول و غیر متعارف، از جمله اتهامات این فرمانده دستگیر شده است. بررسی ها حاکی از آن است که وی پیش از این در شهرهای دیگری که فرمانده انتظامی بوده نیز دارای سوابق سوء بوده است.

• شخصی بنام علی شیرازی، دبیر ستاد انتخابات قزوین، در ۲۶ اسفند، در انتهای خیابان نوروزیان، دستگیر شد. او را در حال همبستری با زنی دستگیر کرده اند. او سعی کرده است با خودرو خویش بگریزد. اما مأمورات با شلیک ۱۱ گلوله خود را متوقف و او را دستگیر کرده اند.

این موارد مشت نمونه خروار و یکی از انواع سوء استفاده از موقعیت در

رژیم استبدادی و تجاوز به کرامت، منزلت و حقوق انسانی زنان در رژیم مافیاهای نظامی - مالی است.

◀ در ۲۴ اسفند ۸۶، دادگاه روناک صفارزاده بدون نتیجه برگزار شد. «دادگاه انقلاب» سندج با تبدیل قرار توقیف به وثیقه موافقت نکرد و وکیل او گفت: اعترافات اخذ شده از موکل وی در شرایط غیرقانونی و تحت فشار بوده است و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

◀ در ۲۴ اسفند، یاسر گلی که از تاریخ ۸۶/۸/۱۸ در بازداشت به سر میبرد و به تازگی به زندان مرکزی سندج منتقل گشته است توسط خسروی ریاست زندان مرکزی سندج پس از قرنطینه ۱۷ روزه و در آستانه ورود مورد تهدید قرار گرفته است. نامبرده در حالی در پنجمین ماه بازداشت خود به سر میبرد که حتی زمان دادرسی وی نیز اعلام نگشته است.

◀ در ۲۴ اسفند، مسئولان دانشگاه با اعمال فشار بر دبیر شورای صنفی خواستار استعفا او شدند و سپس حکم یک ترم تعلیق را برای او صادر کردند. و برای اعمال فشار بر سایر دانشجویان، ۱۱ نفر را به کمیته انضباطی احضار و تهدید به تعلیق یا اخراج کرده و یک دانشجوی را به واسطه ۲ ترم مشروطی برخلاف قانون از دانشگاه اخراج کرده اند.

◀ در ۲۶ اسفند، علی معلم مدیرمسئول هفته نامه «دنیای تصویر» درباره لغو امتیاز این نشریه گفته است: به اعتقاد من تعطیل کردن این نشریه، تعطیل کردن صدای سینمای ایران و از بین بردن یک نهاد فرهنگی با برجسته ترین نویسندگان سینماست.

• احمد طالبی نژاد، مدیرمسئول نشریه تخصصی «هفت» نیز در مورد لغو امتیاز نشریه خود از سوی هیات نظارت بر مطبوعات گفته است: لغو ناگهانی امتیاز نشریه توهینی به دست اندکاران آن و تجاوز به حقوق مردم محسوب می شود.

◀ در ۲۶ اسفند، هیأت نظارت بر مطبوعات در جلسه بیستم اسفند ۸۶، مجوز ۹ نشریه را که در حوزه عامه پسند و سینمایی خوانده است، لغو کرد و به ۱۳ نشریه دیگر که در این حوزه ها فعالیت دارند جهت رعایت مفاد قانون مطبوعات و پایبندی به رسالت های مطبوعاتی تذکر داده شد.

دو هفته نامه "دنیای تصویر" و ماهنامه "بازنگری" و دو هفته نامه "صبح زندگی" و هفته نامه "تلاش" و هفته نامه "به سوی اقتدار" و هفته نامه "ندای ایران" و ماهنامه "هفت" و ماهنامه "شوکا" و دو هفته نامه "هاوار" لغو امتیاز شده اند.

◀ در ۲۷ اسفند، خانم فوزیه حسامی مادر سه فعال سیاسی بوکانی به نام های محسن، یاسین و آرش حسینی طی نامه ای از نهادهای مدافع حقوق بشر و مردم ایران خواسته است تا آرامش و امنیت را به خانواده اش بازگردانند.

وی که سالهاست همسرش را از دست داده، در این نامه ضمن اشاره به وضعیت سیاسی فرزندانش، از نحوه بازرسی و تفتیش منزلش توسط نیروهای امنیتی و مشکلاتی که متعاقب آن برای خانواده حسینی ایجاد شده شکوه نموده و سوابق این نوع برخوردها را برشمرده است.

◀ در ۲۸ اسفند ۸۶، ۱۰ دانشجوی دانشگاه شیراز مجموعاً به ۱۷ ترم ممنوعیت از تحصیل محکوم شدند. این دانشجویان به دلیل شرکت در تجمع صنفی ۱۴ آذر امسال، به دو ترم تعلیق محکوم شده اند و ۶ دانشجوی دیگر در پی تجمعات اخیر در دانشگاه شیراز در اعتراض به برگزاری انتخابات شورای صنفی از طرف دانشگاه، به تعلیق از تحصیل محکوم شده اند. کمیته انضباطی دانشگاه شیراز این احکام را در آخرین روزهای سال و در آستانه تعطیلات نوروز صادر کرده است.

◀ در ۲۹ اسفند ۸۶، مادران ۸ نفر از دانشجویان در بند، احسان منصوری، احمد قصابان، مجید توکلی، صباح نصری، هدایت غزالی، سعید فیض الله زاده، ابولفضل جهاندار و سعید درخشندی، در نامه ای سرگشاده ای اعلام کردند در آستانه سال نو سفره هفت سین خود را مقابل زندان اوین خواهند برد. متن این نامه به شرح زیر است:

◀ در ۵ فروردین اسامی محکومان هفت تن از اهالی بانه انتشار یافته است: ۱- صدیق امین نژاد ۲- سامان رسولیان ۳- عبدالله رنجبری ۴- کاوه حسینی ۵- محمد بهرامی ۶- رستگار مسگری ۷- محمد امین قادری

که در سلسله اعتراضات و تجمعات مردمی تاریخ ۸۴/۱/۱۹ شهر بانه دستگیر و سپس با قید وثیقه آزاد گشته بودند. این عده در شعبه اول دادگاه انقلاب سندج تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی، اخلاص در نظم عمومی و شرکت در تجمع غیرقانونی محاکمه و هر یک به یکسال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی محکوم شده اند.

◀ در ۲ فروردین ۸۷، به گزارش مدافعان حقوق بشر در ایران، بنا بر گزارشات رسیده، حامد اکبری که اتهامی چون توزیع مواد مخدر را در پرونده اش دارد به همراه ۲۰ تن دیگر از بازداشت شدگان، از سوی دادگاه به اعدام محکوم شده است و قرار است حکم وی به زودی اجرا شود.

اکبری، که از زمان بازداشت خود تاکنون هیچ ملاقاتی را با خانواده اش نداشته است، هم اکنون در بند ۲- الف زندان اوین که تحت نظارت حفاظت اطلاعات سپاه است، نگهداری می شود. گفته می شود عدم اجرای حکم وی تاکنون، به دلیل حراج اموالش از سوی دادگاه بوده است، این در حالی است که طبق شواهد موجود و به ادعای افراد نزدیک به این زندانی، اموال حامد اکبری ارثیه ی پدری او بوده است. با این حال دادگاه انقلاب با این استدلال که اموال این جوان ۲۶ ساله از طرق غیرقانونی نظیر فروش و توزیع مواد مخدر در سطح شهر تهران بدست آمده است، تا بحال قسمتی از اموال او را ضبط کرده است.

• روغن مایع از لیتری ۸۵۰۰ ریال به ۱۵۵۰۰ ریال، بیش از ۸۵ درصد افزایش قیمت.

• سبب زمینی از کیلوئی ۲۵۰۰ ریال به ۴۲۰۰ ریال، بیش از ۸۰ درصد افزایش قیمت.

• خیار از کیلوئی ۳۰۰۰ ریال به ۶۰۰۰ ریال، ۱۰۰ درصد افزایش قیمت.

• پرتقال از کیلوئی ۶۰۰۰ ریال به ۱۲۰۰۰ ریال، ۱۰۰ درصد افزایش قیمت.

• سیب درختی از کیلوئی ۷۰۰۰ ریال به ۱۲۰۰۰ ریال، بیش از ۷۰ درصد افزایش قیمت.

• عدس از کیلوئی ۸۰۰۰ ریال به ۱۵۰۰۰ ریال، بیش از ۸۵ درصد افزایش قیمت.

• نخود از کیلوئی ۵۰۰۰ ریال به ۱۰۰۰۰ ریال، ۱۰۰ درصد افزایش قیمت.

• لوبیا از کیلوئی ۱۳۰۰۰ ریال به ۲۲۰۰۰ ریال، بیش از ۸۰ درصد افزایش قیمت.

• لپه از کیلوئی ۷۰۰۰ ریال به ۱۵۰۰۰ ریال، بیش از ۷۵ درصد افزایش قیمت.

• تخم مرغ از دانه ای ۶۰۰ ریال به ۱۳۰۰ ریال، بیش از ۱۱۰ درصد افزایش قیمت.

• برنج بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت.

• روغن سفت کیلوئی ۵۰۰۰۰ ریال به ۸۵۰۰۰ ریال، بیش از ۸۰ درصد افزایش قیمت.

• رب گوجه بیش از ۸۰ درصد افزایش قیمت.

• کره بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت.

• اجاره مسکن بیش از ۱۵۰ درصد افزایش قیمت.

• هزینه ایاب و ذهاب بیش از ۱۵۰ درصد افزایش قیمت.

• پوشاک بیش از ۲۰۰ درصد افزایش قیمت.

• لوازم التحریر بیش از ۱۵۰ درصد افزایش قیمت.

• دارو بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت.

• میزان تورم ۴۰ درصد،

• میزان بیکاری بالا و

• میزان واقعی رشد پائین است:

◀ در ۲۷ اسفند ۸۶، به گزارش آفتاب، دکتر فرهاد خرمی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، وضعیت اقتصاد کشور را این سان تشریح کرده است:

• «نرخ تورم بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی ۱۸ تا ۲۰ درصد اعلام شده است. البته با توجه به شواهد و افزایش نرخ نقدینگی بر اثر برداشتهای مکرر از حساب ذخیره ارزی و رابطه آن با تورم، به نظر می رسد که نرخ تورم دو برابر آمار رسمی اعلام شده یعنی نزدیک به ۴۰ درصد در سال ۸۶ بود.»

• استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، درباره شاخص نرخ بیکاری در سال ۸۶ نیز گفته است: «اعداد و ارقامی از سوی دولت در مورد این نرخ و میزان بیکاری منتشر شده که با منطق اقتصاد هیچگونه سازگاری ندارد. دولت نرخ بیکاری را تک رقمی

و بین ۹ و ۱۰ درصد می داند. این در صورتی است که برای کاهش نرخ بیکاری و تحقق تک رقمی شدن آن باید سالانه نزدیک به یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل ایجاد کرد. حال آنکه دولت در سال های گذشته حتی در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار شغل هم ایجاد نکرده است. پس چگونه نرخ بیکاری تغییر و تعداد بیکاران کشور طی چند ماه آخر سال ۸۶ کاهش یافته است!

• ارقامی که در مورد رشد اقتصادی نیز از سوی دولت ارائه می شود اشکال اساسی دارد، با اینحال باید گفت که دولت حتی در آمارهای خود نیز نتوانست در سال ۸۶ بر اساس برنامه عمل کند.

در ایران فعالیت های اقتصادی غیرشفاف و زیر زمینی بسیاری صورت می گیرد. این فعالیت ها به دو دسته تقسیم می شوند: دسته اول فعالیت هایی که مشکل قانونی ندارند و تنها به دلیل وجود پاره ای از مشکلات دارای شناسنامه نیستند. کارهای تولیدی در خانه از جمله این فعالیت ها هستند که مشکلی برای کشور و آمارهای اقتصادی ایجاد نمی کنند. اما دسته دوم، فعالیت هایی غیرقانونی مثل قاچاق کالا و مواد مخدر هستند که موجب غیرشفاف شدن گردش پول و مخدوش شدن آمارهای مربوط به رشد اقتصادی می شوند.

تا زمانی که فعالیت های اقتصاد در ایران کاملاً شفاف و قانونی نباشد نمی توان آمار درستی از رشد اقتصادی ارائه کرد. در واقع باید بگونه ای عمل کرد که از فعالیت های اقتصادی غیرشفاف کاسته و به فعالیت های اقتصادی قانونی شفاف افزوده شود.

بین کارشناسان اقتصادی اتفاق نظری درباره میزان فعالیت های اقتصادی غیرشفاف وجود ندارد. اما به نظر می رسد این فعالیت ها ۳۰ تا ۴۰ درصد هستند که موجب مخدوش شدن آمارهای اقتصادی می شوند.»

وی با اشاره به نرخ رشد پایین اقتصادی در سال ۸۶ تصریح کرد: «این نرخ رسمی با وجود افزایش درآمدهای نفتی اعلام شده است و از آنجا که رشد اقتصادی در ایران طی ۱۰۰ سال گذشته همواره متکی به درآمدهای نفتی بوده حتی این آمار رسمی نیز بیانگر افزایش بهره وری و تولید در کشور نخواهد بود. بر اساس برنامه ۲۰ ساله ما باید برای رسیدن به افق ۱۴۰۴ سالانه در حدود ۸ درصد رشد اقتصادی داشته باشیم این در حالی است که اگر درآمدهای نفتی را از اقتصاد ایران حذف کنیم، رشد اقتصادی صفر و یا حتی منفی خواهد شد.»

انقلاب اسلامی: سرکوب رژیم در روزهای پایانی سال ۸۶ همچنان ادامه داشت:



و كان في المدينة رهط يفسدون في الارض ولا يصلحون
 " در آن شهر نه نفر بودند که در آن زمین فساد می کردند و اصلاح نمی کردند." ۳۸

و همین ۹ نفر که در آن شهر تصمیم گیرنده بودند، و نظیر تمام حکام که وقتی می خواهند کس و یا کسانی را که به خاطر موقعیت اجتماعی که دارند، از سر راه خود بردارند، آنها را از طریق ترور و توطئه از سر راه بر می دارند و بعد هم بعنوان انسانهای مصلح، میگویند باید آمرین و عاملین چنین جنایتی به سزای اعمال خود برسند و بعد هم آنرا به بوته فراموشی می سپارند.
 قالو نقاسموا بالله لنتبينه و اهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا فيهلك اهله و انا لصادقون

" گفتند به خدا هم قسم شوید، بر او و خانواده اش شبیخون می زنیم، سپس به خونخواهی می گوئیم که ما در کشتار خانواده اش حاضر و ناظر نبوده ایم، و ما راست گوئیم." ۳۹

به علت فوق است که پیامبر دستور صریح دارد چون مسرفین در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند از اسرافکاران اطاعت نکند.

و لا تطيعوا امرالمسرفين* الذين يفسدون في الارض و لا يصلحون

" و فرمان اسرافکاران را اطاعت نکنید. کسانی که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند." ۴۰

و چنین است که خداوند می فرماید، وقتی در زمین فساد راه انداختند، دچار انواع گرفتاریها و عذابها و نکبتها و نعمتها می شوید.

ظهرالفساد في البر والبحر بما كسبت ايدى الناس ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون

" فساد در دریا و خشکی به خاطر کارهایی که مردم بدست خود کردند، ظاهر گشت تا آنکه خدا بعضی از آثار عملشان را به ایشان بچشاند، شاید باز گردند [و] به خود آیند." ۴۱

به همین دلیل است که گفته اند: الملك يبقی مع الكفر و لا یبقی مع الظلم
 " ملک با کفر می ماند ولی با ظلم پایدار نخواهد ماند." ۴۲

برایان تعجب آور باشد که اگر به تاریخ و حتی به تاریخ دوران معاصر مراجعه کنید، مشاهده می کنید که در تمام جوامعی که دیکتاتوری و استبداد، ظلم و ستم و بیعدالتی بر مردم حاکم است، همیشه علمای دین با علم خود را برای توده مردم به موقع ظاهر نکرده و سکوت اختیار کرده اند و یا در مشروعیت بخشیدن به قدرت و دیکتاتوری سهم بوده اند و به آن نظم و یا رژیم مشروعیت دینی بخشیده اند.

به دلیل اینکه خداوند، رشوه خوار، حرام خور، ستمگری و گناهکاری را از علانم کفر و برگشت به کفر می شمرد و علمای دین را به جرم اینکه با حضورشان و نهی نکردنشان از این امور، اعمال فوق انجام می شود، سخت توبیخ می کند

لو لا ينهمم الرتيبون و الحبار عن قولهم اللهم اكلهم السحت لبئس ما كانوا يصنعون
 " چرا علمای نصاری و یهود ملت خود را از گفتارهای گناه و رشوه خواری باز نمی دارند؟ راستی چقدر بد است آنچه را که می سازند." ۴۳

و باز خداوند به رسولش هشدار میدهد و اعمال بسیار بد بعضی از آنان را بوی یادآور می شود.

و ترا كثيراً منهم يسارعون في الاثم والعدوان و اكلهم السحت لبئس ما كانوا يعملون

" و بسیاری از آنان را می بینی که پیشی می گیرند بر همدیگر در شتافتن بسوی گناه و ستمگری و خوردن رشوه و چه زشت است آنچه بودند و می کنند." ۴۴

سخت در لغت هم به معنای رشوه خواری و هم حرام خواری اموال مردم به باطل و ناحق نظیر حق و حساب، چالاه و هبه های صوری و انواع و اقسام کلاه های شرعی است و منظور از قولهم الاثم " گفتارهای گناه" از جمله تحریف کتاب و گفتار بر خلاف حق است. آیا این قبیل اعمال و بسیار بدتر از آن در جمهوری

امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۲

" و خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که آن را برای مردم بیان کنند و پنهان مدارید، ولی آنها آن را پشت سر انداختند، و به بهای ناچیز فروختند، چه بد است آنچه خریدند." ۴۹

خداوند متعال، علمانی را که دست به چنین کاری می زنند مصداق فساد کاران در روی زمین می شمرد.

الذين ينقضون عهدالله من بعد ميثقه و يقطعون ما امرالله به ان يوصل و يفسدون في الارض اولئك همالخسرون

" همان کسانی که پیمان الهی را پس از بستنش شکستند، و آنچه خداوند به پیوستن آن فرمان داده است، می گسندند و در زمین فساد می کنند، اینان زیانکارانند." ۵۰

تحریف بجه منظور صورت می گیرد

بدون استثناء، همه انواع تحریف که قرآن آنها را بر می شمرد، در دین بوسیله علمانی که آگاهی دارند به منظور زیر صورت گرفته و می گیرد:

۱ - بغی و ستمگری و حسادت و رقابت.
 ۲ - ایجاد و بوجود آوردن قدرت، حفظ و نگهداری و یا سهم شدن در آن.

۳ - تفرقه انداختن در اجتماع و بکار بردن زور و قدرت برای حاکمیت گروه خاص.

۴ - حفظ و نگهداری ابواب جمعی، پیروان و تابعین و مریدان خود.

۵ - حل مسائل و مشکلات با زور و قدرت و ایجاد سلطه بر مردم از راه دین.

نظر به اینکه ابایی که انواع تحریف در آنها توضیح داده شده بود، در مورد علمای یهود و نصاری است، غالب علمای دین ستیز و قدرتمدار، بمنظور تحمیق توده پیرو خویش و حفظ و نگهداری آنها، چنین وانمود کرده و می کنند که این آیات مربوط به علمای یهود و نصاری است و خود از عمل بر آنها بری هستند و آیات فوق شامل آنها نمی شود.

نمی خواهند به پیروان خود علم و آگاهی بدهند که اگر عمل تحریف، یک امر ساری و جاری در تمام زمانها و علمای همه ادیان و از جمله اسلام نبود، چه نیازی وجود داشت که خداوند آن را بعنوان یکی تجربه تاریخی که نتایج عمتانگیز و اسف بار خود را بر جای گذاشته است، برای مسلمانان تشریح کند؟

اگر علمای اسلام خود را مبری از امر تحریف میدانند، نباید از خود بپرسند، چگونه این اختلافات خاتمسوز که همه جارا به ویرانی و خرابی کشانده است و اینهمه فرقه گرانی و... از کجا بوجود آمده است؟

البته، اسلام با سایر ادیان الهی این فرق اساسی را دارد که قرآن مجید که پایه و اساس اسلام را تشکیل می دهد، تنها کتاب الهی تحریف نشده است و دست روزگار نتوانسته در متن آن دخل و تصرفی بنماید

و به تصدیق همه فرق اسلامی و غیر اسلامی، تغییر و تبدیل در آن راه نیافته است. ۵۱ علت این امر هم این است که خداوند به صراحت، خود را نگهدارنده آن معرفی کرده است.

انا نحن نزل الذكر و انا له لحافظون
 " ما قرآن را نازل کردیم و خود حافظ و نگهدارنده آن هستیم." ۵۲

بغیر از این، خدای متعال در مورد قرآن مجیدش تمام بشریت را به مبارزه، نبرد و زورآزمایی فرا خوانده است و اعلان فرموده که قرآن خود معجزه است و دست هیچ بشری توانا نیست که نظیرش را بیاورد و تا زمین باقی است، قرآن نیز به اعجاز خود پا بر جاست.

قل لن اجمعتم الا اناس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذالقرآن لا یاتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهیرا

" بگو اگر انس و جن دست بدست هم دهند، که مثل این قرآن بیاورند، نمی توانند بیاورند، هر چند که مددکار یکدیگر باشند." ۵۳

باز، خدا به مردم تخفیف داده است و گفته که اگر فکر می کنید این قرآن از ناحیه غیر خدا و دروغ است ده سوره مثل آن بیاورید.

ام یقولون افتری قل ،اتوا بعشر سور مثله مفتریات وادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقين

" و یا اینکه می گویند این قرآن افترازی است که بخدا بسته، بگو اگر راست می گویند، غیر از خدا هر کس را که می خواهید دعوت کنید و به کمک طلبید، و شما ده سوره مثل آن بخدا افتراء ببندید." ۵۴

سپس، مسئله تحدی را بسیار نازلتر کرده و فرموده است که اگر در قرآن شک دارید، سوره ای مانند آن بیاورید. بعد فرموده اگر نکردید و هر کز نیز نتوانید کرد، پس منتظر عواقب بعدی کفر به آن باشید.

و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فتوا بسورة من مثله وادعوا شهدانکم من دون الله ان کنتم صادقین* فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار الی و قودها الناس و الحجاره عدت للکافرین

" و اگر از آنچه بر بنده خویش نازل کردیم، بشک اندرید، سوره ای مانند آن بیاورید و اگر راست می گویند غیر خدا باران خویش را بخوانید. و اگر نکردید و هر کز نخواهید کرد پس از آتشی که هیزمش مردم و سنگ است و برای کافران مهیا شده بترسید." ۵۵

قرآن برای تمام انس و جن و برای همه زمانها، برای خود دعوی اعجاز میکند و همه را در همه زمانها و همه بهینه جهان فرا می خواند که این گوی و این میدان، اگر راست می گویند زور و قدرت خود را آزمایش کنید و بدانید که نتیجه آن جز شکست و خواری چیز دیگری برایتان به ارمغان نخواهد آورد.

آیات بیانات دیگری در قرآن وجود دارد که به نوع دیگری، در برابر اعجاز بودن خودش انسانها را به تحدی خوانده است.

۵۶ و تا به امروز که بیش از چهارده قرن از تاریخ نزول قرآن می گذرد، احدی نتوانسته است دست به این مبارزه بزند و کسان انگشت شمار هم که به خیال خام خود، به چنین کاری اقدام کرده اند، جز رسوایی و خجلت چیز دیگری نصیبشان نشده است.

جگونگی تحریف در اسلام

نظر به اینکه در متن قرآن امکان تغییر و تبدیل بطور کلی از انسانها سلب گردیده است، دسته ای از علمای مسلمان با تبدیل بعضی از معانی کلمات و آیات قرآن، یا بکار بردن معنای آن در جای نادرست و یا در بعضی مواقع به تحریف جریانات مسلم تاریخی پرداخته و از این در وارد شده و به قدرت جباران و ستمگران مشروعیت بخشیده، یا خود به قدرت ستم گر تبدیل گردیده و یا در بعضی مواقع و جریانات به نوعی در قدرت سهمیه شده اند و بدینسان است که این دسته از عالمان مسلمان مصداق بغی و فساد هستند.

از طریق تحریفات فوق بود که علی(ع) آگاهترین و عالمترین عامل به قرآن به تصدیق دوست و دشمن، کنار زده شد و خانه نشین گردید، از همین طریق و توسط همین عالمان قدرت پرست به سلطنت معاویه مشروعیت دینی بخشیده شد و او را به لقب امیر مؤمنان مفتخر گردانیدند و سلطنت موروثی بنی امیه را بر مردم تحمیل کردند و بوسیله عالمان دین ستیز و قدرت پرست بود که حکم قتل حضرت حسین(ع) فرزند پیامبر صادر گردید.

شاید فکر کنید که اینگونه مسائل مربوط به گذشته است و علمای امروز از اینگونه تحریفات و تبدیلهای مبری هستند؟ چنین نیست مسئله تحریف، مسئله ساری و جاری همه زمانها و از اسباب دست

علمای دین ستیز و قدرت پرست و حکومتهای ستمگر و استبدادی است و گرچه شنیدن آن برایتان تلخ است، اما آقای خمینی، به نظر من متأسفانه، یکی از آنان به شمر می رود، زیرا:

بنظر شما آیا آقای خمینی عالم به اسلام نمی دانست که نقض عهد و پیمان، بر ضد خدا و قرآن و پیامبر است؟ چرا می دانست. اما ایشان با تحریف و تأویل بعضی از آیات و کلمات و لغات، آنها را توجیه شرعی می کرد. او با وجودی که در پاریس و در انظار جهانیان با ملت ایران و جهان قول و قرار گذاشت و عهد و پیمان بست ولی متأسفانه بعد از سوار شدن بر اریکه قدرت حتی به یک مورد از مواردی که به مردم وعده داده بود، وفا نکرد و بر ضد تمام قول و قرار خود عمل کرد.

وی با تأویل این آیه قرآن که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم " خدا را اطاعت کنید و رسول خدا را اطاعت کنید و صاحبان ام را" ۵۷ که به تصدیق تمامی علمای شیعه حتی بدون یک استثناء، اولوالامر را فقط معصومین

مدانند و تنها حکومت امام معصوم را مصداق صاحب امر در قرآن می شمردند که در غیر این صورت تمامی حکومتهای جبار و ستمگر، از معاویه گرفته تا تمام خلفای بنی امیه و بنی عباس مشروعیت را بخشیده اند بلکه از این مرحله بیعد بحث شیعه و سنی بکلی منتفی است. زیرا علمای اهل تسنن بر اساس آیه فوق معاویه و یزید و سایر خلفای بنی امیه و بنی عباس را امیرالمؤمنین خواندند و آقای خمینی از جمله با استناد به آیه فوق ، دیکتاتوری ولایت فقیه را مشروعیت دینی، الهی و خدائی معرفی می کرد.

وی علاوه بر این مطلب با تحریفات دیگری در معنی و لغت بعضی از احادیث و حتی تاریخ مسلم انجام داده تا ولایت مطلقه فقیه جعلی خود را، حکومتی الهی و شرعی معرفی بنماید که در زیر به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱ - ایشان با تحریف در معنی العلماء ورثة الانبیاء " علماء وارث انبیاء هستند" که اگر حتی حدیث درستی هم باشد، علم حضوری انبیاء را با علم حصولی و اکتسابی علماء که احتمال اشتباه و خطا در آن وجود دارد، را با علم پیامبر که علم حضوری و از درگاه حضرت حق دریافت می کند و اشتبا و خطا در آن راه ندارد را برابر میکند تا حکومت دیکتاتوری جعلی فقیه خود را یک امر الهی، خدائی بگرداند و آن را جامه حقایق پوشانند.

۲ - و یا با خلط مبحث و تحریف در معنی حکم که بنا به دو حدیث مورد استناد آقای خمینی که باز هم اگر صحیح باشد، مربوط به امر قضاوت است را، به حکومت و کشورداری تسری داده و به اصطلاح، حکومت مطلقه فقیه خود را ثابت گردانیده است و بنا بگفته دکتر مهدی حائری فیلسوف و مجتهد مسلم:

۳ - آقای خمینی برای مشروعیت بخشیدن به کودتا علیه ریاست جمهور منتخب ملت ایران و تحمیق ملت و مشروعیت دینی بخشیدن به آن، دست به تحریف تاریخ و عمل علی(ع) زد و حکمی را که حکمین صادر کرده بودند، آنرا مشروعیت بخشید و عنوان کرد که حضرت آن را پذیرفته است، پس رئیس جمهور هم باید رأی هیئت سه نفره حل اختلاف را بپذیرد و توبه کند.

توضیح اینکه در جنگ صفین بعد از اینکه لشگریان معاویه با حيلة عمروعاص قرآن هارا سر نیزه کردند و خشکه مقدسهای لشکر علی(ع) که بعد خوارج نامیده شدند، حضرت را در فشار گذاشتند که باید حکمیت را بپذیرند و چنان حضرت در فشار قرار گرفت که جز قبول حکمیت راه دیگری نیافت. حضرت نیز به شرط اینکه حکمین طبق بیان قرآن حکم کنند آنرا پذیرفت. اما چون حکمها بر خلاف قرآن حکم صادر کردند، حضرت آن را نپذیرفت و بلافاصله



بودن، ناسخ و منسوخ بودن، مجمل و مبین و اطلاق و اختصاص به این شکل که الان در قرآن دیده می شود نمی توانست باشد. در این جا به مواردی چون تغییر قبله، حکم شرب خمر و احکام جنگ و جهاد و... می توان اشاره کرد که همگی در همین متن موجود دارای احکام متنوعی هستند. این بحث ها در واقع نشان می دهد که متن قرآن تابع حالات و شرایط شخص پیامبر و جهان زیست وی بوده است که او هم به عنوان یک انسان به ناچار شاهد تغییر تحول و رشد بوده است. انسان ها در حال تکامل خود، تغییر پیدا می کنند و ممکن است دیدگاه های آنها هم تغییر پیدا کند؛ بدین ترتیب پیامبر هم که تغییرات زیادی در زندگی اش پیدا شده بود مشمول همین مسئله است. آیا این برداشت از رابطه پیامبر و قرآن را تأیید می کنید؟

۷. به نظر می رسد پژوهشهای تاریخی و زبان شناسانه و متن شناسانه صورت گرفته در باره نحوه تدوین قرآن و تعدد قرائت های آن که بخشی از آنها در مقدمه ذکر شد با رویکرد شما نمی سازد. از دید شما این گونه پژوهشها چه جایگاهی در درک ما از محتوای قرآن می توانند داشته باشند؟ آیا شما اصلاً نگاه تاریخی و تحقیقی به متن قرآن دارید؟

۸. شما در آثارتان تأکید دارید که احکام شرعی موجود در همین قرآن کنونی "همگی" فرازمانی و فرامکانی اند. اگر این برداشت من درست است، بر چه مبنایی این سخن را بیان می کنید؟ مثلاً کجای آیه ۳۳ سوره مائده راجع به محاربه که می گوید: "انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم" فرازمانی و فرامکانی است که از دید جنابعالی حکم جاودانی شرع باشد و مسلمانان تا قیامت ملزم به رعایت آن باشند؟

۹. آیاتی در قرآن وجود دارد همچون خلقت هفت آسمان (در آیات متعدد مانند بقره آیه ۲۹، فصلت آیه ۱۲، الملک ۶۷ و...) و استراق سمع شیاطین و رانده شدنشان با شهاب های آسمانی (سوره صافات آیات ۷ تا ۱۱) آیه راجع به شیطان زده شدن آدم دیوانه (سوره بقره آیه ۲۷۵) که به عقیده برخی به هیچ وجه با دانش های امروزی بشر سازگار نیست. از دید کسانی چون آقای سروش این گونه آیات را از جنس عرضیات قرائند، به این معنا که به قول آقای سروش، بر سبیل همزمانی با فرهنگ عرب باید آنها را تحمل کنیم. یا در تعبیر دیگری از وی، باید با آسانگیری از آنها در گذریم چراکه آنها هیچ مدخلیتی در رسالت پیامبر و پیام بنیادین دین ندارند. تفسیر شما از این دسته آیات چیست؟

۱۰. آیا در دریافت و ابلاغ وحی از سوی پیامبر عنصر خیال و سلیقه او هیچ دخلتی و تأثیری نداشته است؟

۱۱. از نظر شما معجزه بودن قرآن به چه معناست؟ به بیان دیگر اعجاز قرآن را در چه چیزی می دانید؟ معجزه لفظی، معجزه معنایی، معجزه علمی و...؟

۱۲. فرود آمدن قرآن (نزول) را چگونه تفسیر می کنید؟ آیا معنایش این نیست که قرآن به ناچار در حد دانش همان عصر نازل شده است؟

با سپاس فراوان، حسن رضایی- پژوهشگر حقوق اسلامی در موسسه

قرآن کلام خدا، کلام محمد، یا آمیزه ای از هر دو؟ بررسی ای بر مبنای اندیشه موازنه عدمی

ماکس پلانک برای حقوق جزای خارجی-فرایبورگ-آلمان

بخش سوم: پاسخ ها

پاسخ به پرسشهای بالا نیازمند بررسی و نقد نظرهای گوناگونی است که در بخش اول به عنوان مقدمه آورده اید. در مقدمه شما دست کم ۱۰ نظریه قابل توجه آمده است که نیاز به توضیح یا نقد دارند و بدون تبیین ابعاد مختلف آنها نمی توان وارد اصل پرسش ها شد. در زیر، نظریه های قابل تأمل در مقدمه را فهرست وار ذکر می کنم:

۱- الهی و جاودانه بودن قرآن یا

عصری بودن با عصری ساختن آن؛

۲- حاصل نزاع اشاعره و معتزله و

قائده آن در این زمانه؛

۳- قرائت سوربانی - آرامی قرآن و

کار برد آن؛

۴- فهم عقلانی و عصری از قرآن یا

سازگار کردن آن با مدرنیته؛

۵- اگر بخواهیم راهی برای اعتبار

تفسیر و برداشتهای گوناگون از متن

بازکنیم، می باید آن را متنی فرآورده

انسان بفهمیم که مثل هر متن دیگری

همه بخش های آن حقیقت نیست و

حتی ممکن است دارای تعارضها و بسا

تناقض هایی نیز باشد؛

۶- وحی، بخشیدن یک نوع توانایی به

پیامبر است که اینگونه سخن گوید،

وگر نه گزینش کلمه ها و جمله ها و

حتی معانی از خود پیامبر است؛

۷- پیامبر خودش ادعا نکرده است که

قرآن کلام خدا است؛

۸- آنچه پیامبر از خداوند دریافت می

کند مضمون و حیاتی دارد ولی کلام از

پیامبر است و از این رو در قرآن خطا و

اشتباه وجود دارند؛

۹- اگر پیامبر در محیط دیگری

زندگی می کرد، بسیاری از احکام مثل

احکام جرائم و مجازاتها احتمالاً بخشی

از پیام او نمی بودند؛

۱۰- وجود سه دیدگاه متمایز در باره

معنای وحی قرآنی در ایران امروز؛

اما پیش از پرداختن به یکایک

این نظرها، لازم می دانم در

ابتدا به نقد عمومی و مشترک

همه این نظرهائی که شما در

مقدمه بحث آورده اید بپردازم:

۱- از ویژگی های مشترک همه این نظریه ها یکی این است که فرآورده های "عقلهای توجیه گر" (در برابر عقلهای آزاد و خلاق) هستند. این گونه عقلا توجیه گر هستند زیرا:

۱.۱- کارشان سازگار کردن قرآن با

مطلوب ذهنی خویش، و یا در برخی

موارد، مطلوب ذهنی خویش را به

جای معنای موجود در قرآن نشانند

است (در همین رابطه به تعبیرات

رایجی چون «عصری کردن» ،

«سازگار کردن با مدرنیته» و...توجه

(شود)

۲.۱- بدین سان است که عقل چنین

مفسرانی دارای دو "محور" می شود:

یکی مطلوب ذهنی و دیگری قرآن،

که هر یک نیز بنابر حکم پیشینی این

نوع عقل، لاجرم باید نقشی پیدا کنند.

به این گونه که مطلوب ذهنی محور

فعال می شود و قرآن، محور فعل پذیر،

چرا که اولی (ذهن) است که وقتی

بنا را بر اصالت تجدد می گذارد، تغییر

دهنده و دومی (=قرآن) تغییر پذیر می

شوند.

۳.۱- برای ناسازگاری با مقتضیات

امروزی نیز راه حل از پیش وجود

دارد: یا می باید قرآن را با راه حلهای

نو سازگار کرد و یا آن راه حل ها را

به طور کل جانشین راه حل نامطلوب

ارائه شده در قرآن گرداند.

۲- ویژگی دیگر این نظرها یکسانی

آنها با طرز نگاهها دیرین به دین و

قرآن است. این نگرش قدیمی و بلکه

بسیار هم قدیمی است: اگر قول تاریخ

را بپذیریم که نخست در دوران

سلطنت معاویه بود که فلسفه یونانی

وارد قلمرو اسلام شد، زیرا که برای

سلطنت نیاز شدید به بیان (یا گفتنمان

در تعبیر مدرن) قدرت و انطباق بیان

دینی با بیان قدرت داشت، دست کم

از همان دوره از خود بیگانه کردن

بیان دین در بیان قدرت آغاز شده

است. ولایت مطلقه فقهی که هم

اکنون ایران را در ظلمات فرو برده

است و نیز اصل اطاعت از حاکم-

هرکس که بود، خواه عادل و چه

ظالم-، دو حاصل ویرانگر این نوع

دین شناسی است که کارش تطبیق

دادن دین با فلسفه یونانی است.

در دوران معاصر، انواع رابطه ها میان

دین و علم (از پیروی معرفت دینی از

معرفت علمی گرفته تا طرح زوال

معرفت دینی در برابر معرفت علمی که

قول پوزیتیویستهاست)، میان دین و

لیبرالیسم، میان دین و مارکسیسم، میان

دین و سوسیال دموکراسی و میان دین

و مدرنیته برقرار شده اند و البته حاصل

اینهمه رابطه سازی ها را می توان با

نگاه به وضعیت امروزی جامعه های

مسلمان مشاهده کرد.

آنها که بدین روش مشغول بوده اند

و مشغولند، از جمله، گرفتار دو غفلتند:

۱.۱- دو محور در نظر گرفتن، یکی را

فقال و دیگری را فعل پذیر گرداندن،

گویای آنست که اصل راهنمای عقل،

ثبوت تک محوری است. و عقلی

که چنین ثبوتی را راهنمای خود می

کند، جز این نمی تواند که قرآن را با

بیانی از بیان های قدرت سازگار و یا

جانشین کند. چرا که قدرت فرآورده

رابطه میان دو محور است که در آن

یکی تغییر دهنده و دیگری تغییر پذیر

است. و شما می دانید که بر اصل

ثبوت تک محوری چگونه بیان

قدرتی می توان ساخت و یا پذیرفت.

۲.۲- قرآن بیان قدرت نیست، چراکه

اگر خود بیان قدرت می بود، دیگر چه

نیازی به انواع تفسیرها به قصد انطباق

آن با این یا آن بیان قدرت (از سلطان

مابی و خلافت اسلامی بنی امیه و بنی

عباس گرفته تا بنیادگرایی شیعیسم و

وهابیسم و مارکسیسم-استالینیسم اسلامی

تا انواع ناسیونالیسم و سوسیالیسم

اسلامی تا اسلام لیبرال غرب پسند و...)

می بود؟

هرگاه عقل، آزاد می بود و کار

طبیعی خود را که ابتکار و ابداع و

خلق است، انجام می داد، از خود می

پرسید: طی ۱۴ قرن، به طور مداوم،

تفلاها برای سازگار کردن بیانی که

قرآن است با این و آن بیان مد روز از

چه رو است؟ اما اگر قرآن بیان قدرت

نیست، پس چگونه بیانی است؟ اصول و

اصل الاصول راهنمای آن که بدانها

بتوان قرآن را خواند و از بیانی که باز

می گوید سردرآورد، کدام و

کدامها هستند؟ دقیقاً توجه یافتن به

همین پرسش خطیر بود که خود مراد

راهی انداخت که اینک در آنم.

۳- ویژگی عمومی دیگر این نظریه

های برخاسته از عقلهای توجیه گر این

است که منطق اندیشه هاشان، منطق

صوری است. بدین معنا که می کوشند

تا ممکن است صورت و فرمی زیبا از

قول ها تصویر شود تا که چشم عقلهای

خود و دیگران را از دیدن واقعیتها

(یعنی ماده و محتوای واقعی روابط) باز

دارند. از جمله به تناقض هایی که در

اثر این منطق در مورد رابطه خدا-

پیامبر پدید می آید می توان به موارد

زیر اشاره کرد:

۱.۱- میان خدا و پیامبر رابطه ای

برقرار می کنند که نه خدا، خدا می

ماند و نه پیامبر، پیامبر. خدا خدا نمی

ماند زیرا نمی تواند رهنمود خود را در

شکل کلامی روشن و سراسر است و

مصون از هر خطا به پیامبر ابلاغ کند.

شگفتا! هرگاه فرض کنیم خدا فرستنده

و پیامبر گیرنده باشد، چگونه ممکن

است فرستنده مضمونی را برای گیرنده

بفرستد بدون این که آن مضمون در

علامتهای قابل فهم و قابل بازگویی بیان

شده باشد؟

حال این که عقل پیامبر یک

گیرنده ساده نیست، عقل او آزاد و توانا

به کار طبیعی خود است. به ترتیبی که

در کتاب عقل آزاد توضیح داده ام،

عقل بگاہ خلق، از تمامی حدتها رها می

شود، با هستی اینهمانی می جوید. این

نوع عقل است که وحی خداوند را در

شفاف ترین و سراسر ترین بیان

دریافت می کند و باز می گوید.

۲.۳- اگر خداوند چنان که خود

خوبترین را وصف می کند هست، پس

این توانایی را دارد که رهنمودهای

خود را به بیان درآورد و به پیامبر ابلاغ

کند و او را مأمور ابلاغشان به انسانها

بگرداند. اگر نیست و این پیامبر است

که می باید کلمه و کلام و بسا معنی را

بسازد، چه حاجت به خدا؟ آنها که

قرآن را ساخته پیامبر می دانند و خدا

را نیز منکرند، دست کم گرفتار این

تناقض و تناقضهای بسیار دیگر نمی

شوند.

۳.۳- اگر خداوند باز با همان صفات

مطلق اش وجود دارد، دخل و تصرف

پیامبر در کار او، هم ناقص اصل

"پیام-بری" است، هم خلاف امانت

است و هم ناقص آزادی خدا و رسول

هر دو است. ناقص آزادی خدا است

زیرا پیامبر، محدود کننده و بنا بر مورد،

سانسور کننده بیان او است. ناقص

آزادی پیامبر است زیرا پیامبر به

عنوان انسان مجبور است «مضمون» را

از خدا بگیرد، از سوی خود در آن

دست کاری و حاصل را به مردم به

عنوان عین کلام خدا ابلاغ کند. پیامبر

در صورتی آزادی و امانت و صداقت

خود را حفظ می کرد که به مردم می

گفت: مضمون قول خدا اینست، ولی

من، در آن، این اشکال را وارد، و این

نقد را بجا و با این اصلاح را در خور

می بینم و این است نسخه کامل

ونهای!

۴- بر همان اصل ثبوت است که

تقریه های مذکور تا آنجا پیش می

روند که خود قرآن را نیز به دو بخش

تقسیم می کنند: بخش ماندگار (جنبه

الوهی) و ناماندگار (جنبه نبوی). اما

این تمایز بی توجه به هشدار قرآن (

یعنی پذیرفتن بخشی و نپذیرفتن بخشی

دیگر) است و سرچشمه تناقض گویی و

تعارض سازی بس خشونت باری در دین می شود. منشأ تناقض گویی می شود زیرا بخشی از قرآن (صفات خداوند، حیات پس از مرگ و قواعد عبادت) لاجرم الهی و ماندگار می شود که در این بخش، خدا و پیامبر، هر یک کار خود را می کنند. توضیح این که خداوند وحی می کند و پیامبر آن را بی دخل و تصرف ابلاغ می کند. اما در بخشی دیگر (رهنمودهای راجع به زندگی در این جهان)، خداوند فعل پذیر می شود و کارش قراردادن ماده خام (مضمون ها) در اختیار پیامبر می گردد، و پیامبر فعال می شود (تبدیل مضمون به فرآورده و عرضه آن به مشتری ها). این نظریه منشأ تعارض بس خشونت باری می شود زیرا چون مطلوبها که قرآن می باید با آنها انطباق بجوید و با جای به آنها بسپارد، بی شمارند، ماندگارها و ناماندگارهای قرآن نیز بی شمار می شوند. نتیجه همان می شود که قرآن خود توصیف می کند: حزبهای فراوان پدید می آیند و هر حزب بدانچه دارد دلشاد می شود و جنگ احزاب آن به روزگار انسان و زندگی بر روی زمین می آورد که جنگ ایدئولوژیها در قرن بیستم و سلهای اول قرن بیست یکم نیارده است.

۵- اما دو گانگی خدا و پیامبر و به ثبوت فعال و فعل پذیر کردن هر یک از این دو، گرچه بظاهر پیامبر را به مقام خدائی می رساند، اما به واقع عقل او را قدرتمندار و او را بنده قدرت می کند. در حقیقت، این ادعا که تناقضهای موجود در قرآن گویای اینست که کلام از پیامبر است، جز این معنی نمی دهد که قرآن بیان قدرت است. چرا که از آزاد مطلق که خدا است، سخن متناقض صادر نمی شود. عقل آزادی هم که بگاہ خلق اندیشه با هستی هوشمند اینهمانی می جوید و اگر پیامبر است بهنگام دریافت وحی آن هستی از زبان او سخن می گوید. نیز گرفتار تناقض گویی نمی شود. تناقض گویی خاص عقل قدرتمندار است، هم بخاطر اصل راهنمائی که ثبوت و محدود کننده عقل است و هم بخاطر نیازهای قدرت که به ضرورت ضد و نقیض می شوند؛ آنچه را امروز قدرت واجب می کند، ممکن است فردا حرام بگرداند اگر مزاحم تمرکز و بزرگ شدن خود ببیند.

۶- ویژگی دیگر این نظرها این است که رابطه ای که این نظرها میان قرآن و مطلوب های ذهنی برقرار می کنند، رابطه هستی-دار (قرآن بمثابه متن موجود) با هستی-ندار است. به مناسبت، یادآور می شوم که در سفری که در سال ۲۰۰۷ به سوئد داشتم، تنی چند از بانوان سوئدی خواستار بحث در باره آیه ۳۴ سوره نساء شدند.

خوب، شما هم که اینقدر دعوا دارید، خوب، مثل حضرت امیر بشوید. موقعی که بگویند خوب، یک اشتباه کردم، دیگر نمی‌کنم. ۶۰

آیا شما فکر می‌کنید که آقای خمینی، به این مسائل تاریخی ناآگاه بود و با از آن علم و اطلاعی نداشت و یا نخوانده بود؟ هرگز؛ او در آن مقطع تنها و تنها، به منظور حفظ قدرت و استقرار ولایت مطلقه فقیه و سلطه بر مردم دست به اینگونه تحریفات روشن می‌زد و الا تمام کتب تاریخ موجود در این مورد متفق الاقول هستند که حضرت امیر بعد از رای خلاف قرآن حکمین، بدون درنگ، رای حکمین را نپذیرفت و بلافاصله فرمان جهاد علیه معاویه را صادر کردند. ۶۱

این عمل آقای خمینی دقیقاً مصداق تحریف و پنهان کردن است که در قرآن پشت از آن نهی شده است.

یا اهل کتاب قد جاء کم رسولنا بین لکم کثیرا مما کنتم تخفون من الکتاب و..

" و پیامبر را از آن رو فرستاد تا آنچه را [علماء] از مردم پنهان می‌کردند، بر مردم آشکار سازد .." ۶۲

۱۵امه دارد

امور خارج از محدودهٔ رسالت و پیامبری در قرآن - ۲

آنرا اعلام نمود که چون اینها بر خلاف قرآن رای داده اند، رایشان باطل است و به لشگریان خود فرمان بسیج داد و گفت و برای جنگ و جهاد با معاویه آماده شوید. در این رابطه آقای خمینی گفت، همانگونه که حضرت (ع) با وجودی که رأی که صادر شده بود علیه وی بود، آنرا پذیرفت، شما حکم شورای سه نفره حل اختلاف را بپذیرید، چرا آن را نمی‌پذیرید؟ طرفه اینکه این حرف را هم در روز ۲۵ خرداد ۶۰، زمانی که کودتا بر ضد رئیس جمهور انجام پذیرفته و دفتر و محل سکونت ریاست جمهوری را سپاه پاسداران و کمیته های تحت فرمان محصره کرده بودند و رئیس جمهور بعثت نداشتن امنیت و تأمین جانی مخفی شده بود ۵۸، تنها برای تحقیق توده مردم و مشروعیت دادن به عمل غیر قانونی از حضرت علی(ع) مایه گذاشت و گفت:

« اینجا آمدید ۵۹ و قرار دادید به اینکه، یعنی می‌خواستید به جنگ بروید، به این منتهی شد که یک هیئت سه نفره هی باشد، یک نفر از طرف آقای رئیس جمهور، یک نفر هم از طرف آن آقایان و یکی هم من تعیین کنم، اینها حکم باشند بعد از اینکه حکم رفته است و دیده است و موارد خلاف را دیده و یک جانی صحبت کرده است، در روزنامه هایشان بود که این حکمیت مثل ابو موسی اشعری است، یعنی این سه نفری که یکی اش را خود ایشان تعیین کرده و آن دو نفر دیگر یعنی رئیس مجلس و آن دوتای دیگر و یکی اش را هم من تعیین کردم و اینها حکمیت کردند، نظیر آن حکمیتی است که ابو موسی اشعری بر خلاف حضرت امیر رای داده، من فرض می‌کنم که اینها که حکمیتی که کردند، مثل حکمیت ابو موسی، من فرض می‌کنم که این تهمت را که به چند نفر عالم و چند نفر متدین که یکی اش هم خود ایشان تعیین کردند، ما فرض می‌کنیم که این روزنامه ای که اینجا نوشته، صحیح است، خوب، ببینید مثل حضرت امیر عمل کنند.

حضرت امیر در عین حالی که در فشار ابو موسی را تعیین کرد، نمی‌خواست تعیین کند، ایشان می‌خواست یک کس دیگری را تعیین کند، لکن فشار آوردند دوستان خودش، همان دوستانی که باید حضرت امیر از آنها فریاد کند، فشار آوردند که نه، ابو موسی برای این کار خوب است، حضرت ابو موسی را تعیین کرد، بعد که ابو موسی آن حکمیت را کرد، همین دوستانها می‌خواستند نقض کنند، حضرت امیر مقاومت کرد و گفت حالا که حکم، حکم کرده بودند بر ضد حضرت امیر، یعنی حضرت را از خلافت به حسب این حکمیت خلع کردند و معاویه را نصب کردند، حضرت امیر فرمود: که این حکمیت بوده است و ما باید به آن احترام قائل بشویم، در صورتی که بر ضد او بود.

هم در قرآن جسته است که بیان نشده اند، بر مواد حقوق انسان می‌افزاید. در نوبت دیگر، انتقادهای عمومی به نظرها را پی می‌گیرم و به بررسی جداگانه تک تک نظرات دهگانه می‌پردازم.

Christoph Luxenberg, Die syro-aramaeische Lesart des Koran; Ein Beitrag zur Entschlüsselung der Qur'ansprache, Das Arabische Buch, First Edition, 2000 .

۲- متن کامل این گفت و گو در این جا قابل بازبایی است http://radiozamaaneh.com/idea/2008/01/post_236.html

۳- در متن موجود در سایت رادیو زمانه

۴- برای آن دسته از خوانندگانی که این اصطلاح را غریب می‌پندارند لازم است توضیح داده شود که «ثنویت تک محوری» در کنار «ثنویت دو محوری» مبانی فلسفه از دوران یونان باستان تا امروز هستند. دوآلیسم در فلسفه غرب، اصل راهنمایی است که بر آن، نظریه های فلسفی ساخته شده اند و می‌شوند. بر این اصل، فضای عقل آدمی به دو محور غیر قابل توحید محدود می‌شود. وقتی یکی از این دو محور همیشه فعال و محور دیگر فعل پذیر و تابع محور فعال تلقی شود- که در این وضعیت فضای عقل تنگ ترین است- ثنویت تک محوری است. بنابر اندیشه آزادی، ثنویت تک محوری ضد کامل اصل توحید است.

توحید در مفهوم موازنه عدمی به معنای رها شدن از محدودکننده ها و باز شدن به روی هستی هوشمند، خدا، است. توحید اصل راهنمایی است که به عقل، آزادی و توان بازجستن بیان آزادی را می‌دهد. در برابر، اندیشه راهنمایی که اصل را در روابط انسان-خویششنش، انسان-انسان، انسان-طبیعت و انسان-خدا نه بر توحید بلکه بر رابطه مابین ضدها و انواع دوگانگی های مبتنی بر تضاد و خصومت می‌گذارد ثنویت نام دارد. اما اگر هرگاه دو محور متقابلاً بر یکدیگر اثر گذار و اثر پذیر و فعال و فعل پذیر هستند، ثنویت را دو محوری می‌گویند. برای مثال، وقتی کسی بر اصل ثنویت تک محوری، برای «فقیه» ولایت مطلقه قائل می‌شود (= محور مطلقاً فعال) و برای مردم وظیفه اطاعت (= محور فعل پذیر) و ولایت را هم به «بسط ید بر جان و مال و ناموس مردم» تعریف می‌کند، اولاً از انسانی که خود او است و از میلیونها انسانی که مردم تحت حکم زور هستند و بسا از تمامی انسانها، بمتابله استعدادها و حقوقمندی ها، غافل می‌شود و ثانیاً، ناگزیر ولایت را قدرت مطلق بر اشخاص و اشیاء معنی می‌کند و بدین وسیله از هرآنچه جز قدرت (= زور) است، غافل می‌شود.

کنند، پس راه حل مسئله از پیش وجود دارد و در این صورت کار عقل این می‌شود که نشان دهد قرآن به سوریانی - آرامی نوشته شده است و بنابراین "خمر" همان "شال" است، و یا قرآن را قول پیامبر تصویر کرده و آنگاه به اقتضای عصر آن را نقض کرد. اما چرا بیان آزادی را به میان نیاوریم و بنا بر آن، و بنا بر آن، بدون این که بخواهیم قرآن را منطبق بر شیوه زندگی امروزی در غرب کنیم، راه حل بجوئیم و ببینیم در این مسئله، راه حل پیشنهادی قرآن، با آزادی انسان حقوقمند سازگار هست یا نیست؟

۷- عقلهایی که نظرات مذکور را بیان کرده اند توجیه گر هستند زیرا چنانکه آمد، بر ثنویت تک محوری که ترجمان رابطه قدرت میان دو محور (یکی محور اثر گذار و دیگری محور اثر پذیر) است، وارد قرآن پژوهی شده اند. بر این اصل، بیان آزادی به تصور نیز نمی‌آید چه رسد به تکرش در قرآن بمتابله بیان آزادی. نتیجه این گونه قرآن پژوهی ها آن می‌شود که عقل قدرت «مدرن» می‌رود تا در میان آنها مطلوب خود را بجوید و آنگاه به قرآن مراجعه می‌کند. فرض کنیم عقل توجیه گری، حقوق انسان را مطلوب بیابد و آن را فرآورده بیانی از بیانهای قدرت دموکراتیک گمان برد که غریبان یافته اند. حال روشی که بر می‌گزیند تا قرآن را با آن سازگار سازد چه می‌تواند باشد؟ روشی که چنین عقلی بر می‌گزیند یکی از این دو روش است:

• در قرآن، برای انسان حقوقی به معنای مدرن آن مقرر نشده است. اما مخالفتی نیز با برخورداری از حقوق انسان بعمل نیامده است. اگر هم در مواردی احکام قرآن با حقوق انسان سازگار نبودند، آنها را با حقوق انسان نقد می‌کنیم. پس ما می‌توانیم اعلامیه جهانی حقوق بشر را بپذیریم.

• یک رشته از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در قرآن و سنت پذیرفته شده اند و رشته ای دیگر پذیرفته نشده اند. «حقوق بشر اسلامی» نام پذیرفته ها می‌شود.

اما هیچ یک از این دو روش، کار عقل آزاد نیست؛ کار این عقل با نقد شروع می‌شود؛ نقد تعریف حق و نقد حقوق انسان، آن سان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده اند، و از این خاستگاه حتی می‌رسد به جایی که پیشنهاد اعلامیه جهانی جامع تری ممکن می‌شود. مراجعه به قرآن به قصد یافتن این حقوق از عهده عقل آزادی برمی‌آید که توجیه را رویه نمی‌کند. بنا بر اصل لا اکراه، هرآنچه آزادی انسان را محدود کند، ناحق و هرآنچه لا اکراه را بی‌کراه تر کند، حق می‌شود. با این روش محقق آنچه از حقوق را که در اعلامیه بیان شده است بکار می‌برد و اگر حق یا حقوقی

قرآن کلام خدا، کلام محمد، یا آمیزه ای از هر دو؟

بررسی ای بر مبنای اندیشه

موازنه عدمی

آنگاه تجربه ما را آگاه خواهد کرد که رهنمود، پاسخ صحیح مسئله هست یا خیر؟ بنا بر این روش، راه حل از پیش وجود ندارد. رهنمود قرآن نیز با مطلوب ذهنی معینی سنجیده نمی‌شود. اما هرگاه بنا باشد متنی را که از خود هستی دارد با مطلوب ذهنی ای بسنجیم که هنوز ذهنی است، این می‌شود سازگار کردن واقعیت با مجاز. صاحبان نظرها آیا نمی‌دانند این همان کاری است که از دیر باز قدرتمدارها با قرآن کرده اند و هم اکنون، مدعیان ولایت مطلقه فقیه می‌کنند؟

۶- دیگر ویژگی مشترک این نظرها این است که سخنانی که برای تبیین مدعیان ابراز می‌کنند مبهم هستند. برای مثال، اگر قرآن را با مطلوبی می‌سنجند که هستی دارد (این یا آن دستاورد علم و یا این و آن قانون و یا این و آن نظر به تجربه درآمده و یا در نیامده اما اظهار شده)، نخست می‌باید آن مطلوب را بی‌ابهام اظهار کنند، سپس رهنمودها (هم رهنمود قرآن و هم آن مطلوب ادعایی) را با یکدیگر بسنجند. هرچند بهنگام پرداختن به موارد دهگانه، به مثال حجاب باز می‌گردم، اما بنا بر این که دیدگاه های قرآن پژوهانه جدید در مورد بحث حجاب در مقدمه آمده است، یادآور می‌شوم که نقش «سکس» در جامعه ها، برای مثال، مسئله و در شمار مهمترین مسئله های انسانی است. اگر بنا را بر این بگذاریم که در جامعه ها، در روابط قوا، به سکس، می‌باید نقش داد، مسئله پوشش زن و مرد یک راه حل پیدا می‌کند، و هرگاه بر آن شویم که « استبداد سکس » بدترین نوع استبداد است و مسئله، رها شدن زن و مرد از این استبداد باشد، این مسئله (=پوشش زن و مرد) راه حل دیگری پیدا می‌کند. بر جامعه های امروز، «استبداد سکس» حاکم است. غیر از این که بنا بر یک مطالعه قدیمی، چشمهای هر انسان، در دقیقه، ۳۰ تصویر جنسی می‌بیند، سکس در همه ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، در رابطه های قوا که بر قرار می‌شوند، نقش دارند. آسیبها و نابسامانی های اجتماعی که در پیدایش و برهم افزانی آنها سکس نقش نداشته باشد، سخت نادر هستند. آیا الگوی پوشش زن و مرد در غرب، مطلوب هستند؟ اگر آری و کشورهای مسلمان نیز از این الگو می‌باید پیروی

تقابل دوخط

یا

کودتای خرداد ۱۳۶۰

تحول انقلاب از آزادی به استبداد-۳

نویسنده: محمد جعفری

چاپ اول: بهمن ماه ۱۳۸۶

قیمت در: آلمان و فرانسه ۲۵ اویرو انگلستان ۲۰ پوند آمریکا و کانادا ۴۰ دلار

آدرس پستی:

Enghelabe Eslami Zeitung
Postfach 11 11 18
D- 60046 Frankfurt/M
Germany

آدرس پستی الکترونیک:

mbarzavand@yahoo.com